

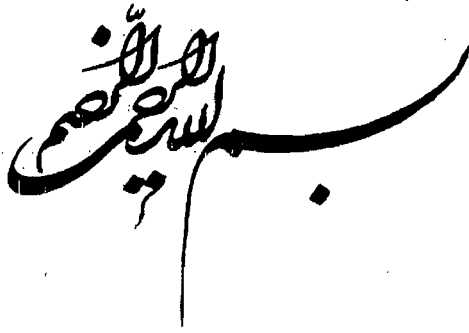
پروسی جریان

ماركسيستيم

دانشجویی در ایران



داود رنجبران



بررسی جریان

مارکسیسم دانشجویی در ایران

تدوین و تنظیم

داود رنجبران

ناشر

ساحل اندیشه تهران (سات)

سرشناسه: رنجبران، داود
عنوان و نام پدیدآور: بررسی جریان مارکسیسم دانشجویی در ایران / مولف داود
رنجبران

مشخصات نشر: تهران: ساحل اندیشه تهران، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری: ۲۱۳ ص.؛ مصور، نمودار، عکس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۱۷-۱۲-۷

موضوع: جنبش‌های دانشجویی - ایران - تاریخ / دانشجویان - ایران - فعالیت‌های

سیاسی / کمونیسم - ایران - تاریخ - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ / د۲۵ر۹ / ۱۵۹۱ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۰۸۱۷۲

نام کتاب: بررسی جریان مارکسیسم دانشجویی در ایران

مؤلف: داود رنجبران

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۵۰۰ جلد

ناشر: مؤسسه ساحل اندیشه تهران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۱۷-۱۲-۷

قیمت: ۴۳۰۰۰ ریال

آدرس: خیابان انقلاب خیابان اردیبهشت خیابان، وحیدنظری پلاک ۹۹ طبقه اول

واحد ۲

تلفن: ۹-۶۶۴۸۶۳۲۶



Vertical text or markings on the right side of the page, possibly bleed-through or a scanning artifact.

A small, isolated black mark or speck located in the lower-left quadrant of the page.

فهرست مطالب

بیانات رهبر فرزانه انقلاب (زید عراه).....	۵
مقدمه.....	۹
فصل اول - مارکسیسم و مارکسیست‌ها	۱۳
مارکسیسم چیست؟ (مبانی نظری).....	۱۵
اسلام و مارکسیسم.....	۲۸
ماتریالیسم تاریخی.....	۳۱
گم‌ولیسیم علمی.....	۳۲
مربیان مارکسیستی در ایران.....	۵۴
فصل دوم - جریان مارکسیسم دانشجویی در ایران	۶۵
تاریخچه و روند شکل‌گیری.....	۶۷
الف) پیش از انقلاب شکوهمند اسلامی.....	۶۷
ب) بعد از انقلاب اسلامی.....	۶۷
عوامل شکل‌گیری و گسترش رویکردهای مارکسیستی در دانشگاه‌ها	۷۰
بخش اول: موقعیت و جایگاه از دیروز تا امروز.....	۷۲
بخش دوم: بررسی یافته‌های تحقیق.....	۷۵
بخش سوم: مفاهیم و اصطلاحات مندرج در نشریات مارکسیستی.....	۷۹
الف - مقوله مباحث ایدئولوژیک.....	۷۹
ب - مقوله مبارزه علیه نظام.....	۸۰
ج - مقوله سپاه نمایی علیه نظام.....	۸۲
د - مقوله ترویج اندیشه فمینیسم.....	۸۳
ه - مقوله القای ناکارآمدی آموزه‌های دینی.....	۸۴
بخش چهارم: نتایج و دستاوردها.....	۸۵
وبلاگ‌ها	۸۷
بررسی یافته‌های تحقیق.....	۸۹
مقایسه نتایج بدست آمده از تحلیل محتوای نشریات و وبلاگ‌های دانشجویی مارکسیستی.....	۹۲
چهره‌های سرشناس و هبران	۱۰۱
طیف‌ها و فراگسیه‌های درونی	۱۰۴
الف - سوسیالیست‌های غیرکارگری (چپ رادیکال).....	۱۰۷
ب - سوسیالیست‌های کارگری (چپ کارگری).....	۱۱۲
ج - سوسیال دموکرات‌ها (چپ‌های میانه رو).....	۱۱۹
د - چپ شورایی.....	۱۲۱
و - چپ انتقادی.....	۱۲۳
نقاط اشتراک و افتراق طیف‌های چپ بر اساس دسته‌بندی فوق.....	۱۲۵

۱۲۹	تقسیم‌بندی گروه‌های چپ از نگاه ع.ت.
۱۳۳	نسبت‌یابی با دیگر جریان‌های دانشمویی
۱۳۳	۱- جریان چپ و لیبرال‌ها
۱۳۴	۲- جریان چپ و فمی‌نیسم
۱۳۵	۳- جریان چپ و اقوام
۱۳۷	تأثیر امزآب کمونیست بر طیف‌های چپ
۱۵۰	راه‌کارهای عملیاتی و ایدئولوژی چپ
۱۵۰	فعالیت در تجمعات و تشکل‌ها
۱۵۴	فعالیت‌های رسانه‌ای دانشجویان مارکسیست و اهداف آنها
۱۵۸	علل و انگیزه‌ی جریان چپ از مخالفت با طرح (فراندهم)
۱۵۹	نظر جریان چپ به براندازی نظام
۱۶۰	نظر گروه‌های چپ به حذف اسلامیت از دفتر تحکیم
۱۶۰	انتقادات وارده به جریان چپ دانشجویی
۱۶۳	چپ و بیگانگان
۱۶۳	تاکتیک‌های مامیان برهن‌مرزی جریان چپ دانشمویی
۱۷۳	ضمیمه شماره‌ی ۱
۱۷۴	ضمیمه‌ی شماره‌ی ۲
۱۷۷	رابطه‌ی جریان‌های چپ و بیگانگان
۱۷۹	فصل سوم - ما و جریان مارکسیسم دانشجویی
۱۸۰	تبصّات و پیامدهای منفی امنیتی این جریان
۱۸۰	آکسیون چیست؟
۱۸۲	برای نجات جان دانشمویان (زدانی تلاش کنیم)
۱۸۸	سوسیالیست‌ها و عدالت اجتماعی
۱۸۹	نقدی بر نهال نوردس چپ در ایران
۱۹۰	جمع‌آوری کمک‌های مالی
۱۹۲	تحرك دانشجویی و جنبش دانشجویی کردی
۱۹۴	شعار نویسی به عنوان کارآمدترین تاکتیک مقطعی
۱۹۵	فعالیت‌های رسانه‌ای دانشجویان مارکسیست
۱۹۵	حمایت از اعتصابات شرکت واحد
۱۹۷	موضع دفاعی گروه‌های چپ
۲۰۲	یک حرکت دانشجویی موفق
۲۲۱	نمایه‌ها:



بیانات رهبر فرزانه انقلاب (زید عزه)

مجموعه‌های دانشجویی - که پایه‌ی اسلامی و پایه‌ی معرفتی دارند - در داخل دانشگاه، کاری نکنند که رقابت‌های آنها یا معارضه‌هایی که به نام رقابت انجام می‌گیرد، به تضعیف قوای این مجموعه‌های مؤمن بینجامد. این مجموعه‌ها همدیگر را مفضا کنند. من نمی‌گویم همه یک‌جور فکر کنند. همه یک‌جور سلیقه داشته باشند؛ نه ممکن است، نه لازم؛ لیکن از معارضه و تضعیف یکدیگر جداً خودداری کنند.

امروز این برای شماها روشن است. ممکن است ده، پانزده سال قبل از این، برای محیط دانشجویی آن روز روشن نبود و باید مکرر گفته می‌شد و می‌گفتیم: اما امروز شما این را می‌دانید. دشمن به طور ویژه، بر روی جریان‌های دانشجویی، سرمایه‌گذاری می‌کند؛ تا بتوانند در محیط‌های دانشجویی نفوذ و

رفته کنند و برای خودشان سربازانی را در آنجا تدارک ببینند. این کار با نام‌های مختلف دارد انجام می‌گیرد.

امروز سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل متّی مرفی ندارند که به تشکل‌هایی در دانشگاه‌های ایران کمک مالی بکنند که این تشکل به مسبب ظاهر، وابسته‌ی به توده‌ای‌های سابقند. این در دانشگاه‌های شما وجود دارد.

مجموعه‌ها و گروه‌های دانشجویی که تشکیل‌دهندگان و

تغذیه‌کنندگان اینها

همین توده‌ای‌های چند

سال قبل از این هستند -

که یک مدتی هم به

تلویزیون آمدند و توبه و

انابه و گریه کردند و از



بزرگان نظام طلب بفشش کردند - امروز بعد از آنکه اردوگاه مارکسیزم به کلی متلاشی شده و غلط بودن آن مرفها، ایده‌ها و فکرها، با آن فلسفه نماها، بر همه ظاهر و مبرهن شده و دیگر وجود این جریان چپ، معنایی ندارد؛ اما در عین حال می‌بینیم که اینها را نگه می‌دارند و مفظ می‌کنند؛ چون امتیاج دارند؛ یعنی برای معارضه‌ی با جریان دانشجویی اصیل و سالم - که همان جریان اسلامی و پایبند به معنویت و مفتخر به ایرانی بودن خود است - ماضرنند زیر هر نامی، دانشجو را فعال کنند؛ زیر نام توده‌ای، سلطنت طلب و نام‌های گوناگون.

شماها باید متوجه باشید. مسئولیت شما سنگین است؛ هم باید درس را بفوانید، هم محیط سیاسی‌تان را بشناسید، هم روی محیط سیاسی اثر بگذارید و هم فودتان را از لفاظ فکری و رومی آماده کنید برای فردایی که بلاشک وزن این نظام متکی به معنویت - یعنی نظام جمهوری اسلامی - در معادلات جهانی بین‌المللی، ده برابر امروز فواهد شود. مطمئن باشید که ما چنین روزی را در پیش داریم و شما جوان‌های امروز، آن روز را فواهید دید. علی‌القاعده آن روز ماها نیستیم؛ اما شماها هستید و فواهید دید آن روزی را که وزن و ثقل و اهمیت جمهوری اسلامی در معادلات جهانی - چه از لفاظ سیاسی، چه از لفاظ علمی و چه از لفاظ بیان افکار سازنده - ده برابر امروز است. باید فودتان را ان‌شاءالله برای آن روز آماده کنید.

(دیدار با دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی - ۱۳۸۵/۰۷/۲۵)

۱. جریان‌ها و تشکل‌های مارکسیستی به طور عام «جریان‌ها و تشکل‌های مارکسیستی - دانشجویی» به طور خاص، از «قدمت و دیرینگی» قابل توجهی در ایران برخوردارند. در گذشته، هم‌مرزی با اتحاد جماهیر شوروی سابق سبب گردید تا چنین جریان‌ها و تشکل‌هایی، با شتاب فراوان در ایران شکل گرفته و به سرعت گسترش یابند. از آن هنگام تاکنون، اینان به هر طریق ممکن، حیات فعال یا نیمه‌فعال خویش را حفظ کرده و در حاشیه یا متن تحولات اجتماعی و سیاسی ایران حضور داشته‌اند.

اگرچه جریان‌ها و تشکل‌های مارکسیستی - دانشجویی در اوایل دهه شصت از قوت نسبی برخوردار بودند، اما در اواخر این دهه و با ظهور و بسط گرایش‌های لیبرالی در میان برخی از مسئولان حاکمیت و روشنفکران و دانشجویان، به تدریج، منزوی و خاموش شدند.

در سال‌های پایانی حاکمیت اصلاح‌طلبان، آن هنگام که گفتمان آنها - که متأثر از لیبرالیسم و سکولاریسم بود - افول یافت، این افول با جان گرفتن دو جریان دیرینه ولی مهجور، توأم گردید: «گفتمان اسلامی - انقلابی» برخاسته از منطق حضرت امام (ره) و «گفتمان مارکسیستی» که در بردارنده نحله‌ها و گرایش‌های متفاوتی بوده و است. بنابراین، تحولات اجتماعی سالیان اخیر، حاکی از «اهمیت یافتن گفتمان مارکسیستی در درون جنبش دانشجویی» است.

۲. «گفتمان مارکسیستی» یک عنوان کلی است که مصادیق متنوع و مختلفی را شامل می‌شود، به طوری که گاه میان آنها، حتی اتفاق نظری درباره «اصول جزمی مارکس» نیز به چشم نمی‌خورد! البته این واقعیت، قدری هم ریشه در

«تناقض‌های نظری نهفته در سلسله افکار مارکس» دارد که نوشته‌هایش را آبتن استنباط‌ها و قرائت‌های متعددی می‌سازد.

این «ناهمگونی درونی» جریان مارکسیستی - دانشجویی، اگرچه برای خود آنها یک «تهدید بالقوه و چالش برانگیز» محسوب می‌شود اما همین امر یک «فرصت تعیین‌کننده» را در اختیار گفتمان اسلامی - انقلابی برای مقابله با گفتمان دیگر می‌گذارد. شاید بتوان ساقط کردن نظام سرمایه‌داری در ابعاد جهانی و ملی را یک «هدف واحد» برای گفتمان مارکسیستی در نظر گرفت، اما روشن است که این هدف واحد با «وسیله واحد» از سوی جریان‌های مارکسیستی دنبال نمی‌شود. در واقع، عمده تمایز و تفاوت میان نحله‌های مارکسیستی - دانشجویی، همین «اختلاف در روش‌ها» است. بدین ترتیب، این گفتمان در نوسان میان دو گونه روش برخورد، سرگردان است: «تفاهم رفرمیستی» یا «ضدیت رادیکالی» با نظام سرمایه‌داری! طریقه اول، اصلاح و سازش و مداوا و تحول نرم و خزنده را می‌پسندد و طریقه دوم، انقلابی‌گری و خشونت و تحول فوری و عریان را ترجیح می‌دهد.

۳. گفتمان مارکسیستی با تکیه بر تجربه تاریخی خود به خوبی می‌داند که «به تنهایی» و با «پشت کردن به هویت فرهنگی جامعه ایران» - که مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی است - نمی‌تواند با اقبال عمومی روبرو شود، از این رو، برای کاهش دادن تأثیرات منفی و دفع‌کننده‌ی «ماهیت الحادی» (ماتریالیستی) سعی می‌کند تا بیشتر به مارکسیسم به مثابه «الگوی کنش سیاسی و اجتماعی» و «ایدئولوژی مبارزه» بنگزد، نه رویکردی که متضمن «الگوی نفی دین» است.

از سوی دیگر، گفتمان مارکسیستی تلاش می‌کند تا از طریق «پیوند زدن خود با گفتمان‌های سکولار دیگر» - مانند ناسیونالیسم و فمینیسم - خود را به

«گفتمانی چند بعدی» تبدیل نموده و بدین سان، جماعت گسترده تری را به سوی خود جذب کند. اظهار علاقه شدید و بی سابقه جریان ها و تشکل های مارکسیستی دانشجویی به مطالبات و دغدغه های «زنان»، «معلمان» و «کارگران» را در این چارچوب می توان فهم و تفسیر نمود.

نخستین و خاطره انگیزترین نتیجه این «ازدواج گفتمانی»، فراگیر و عمومی شدن، گفتمان مارکسیستی و بسط یافتن آن به سایر طبقات و قشرهای اجتماعی است. مطالعه سیاست ها و استراتژی های طیف های مختلف جریان مارکسیسم دانشجویی نیز همین ادعا را تأکید می کند و نشان می دهد که این مسأله، صدرنشین فهرست برنامه های عملیاتی آنهاست و با توان زیادی دنبال می شود. این واقعیت، نگرانی درباره «امکان و احتمال شیوع فزاینده گفتمان مارکسیستی» را در جامعه و به خصوص در جنبش دانشجویی افزایش می دهد. به هر حال، مجموع تأملات و بازاندیشی ها و دوراندیشی ها نشان می دهد که جریان مارکسیسم دانشجویی را می باید به عنوان «یک مسأله فوری و به روز» ارزیابی و شناسایی کرد؛ واکنش و پاسخی مناسب را در برابر آن از سوی گفتمان اسلامی - انقلابی، طراحی و ساماندهی نمود.

داود رنجبران



فصل اول - مارکسیسم و مارکسیستها

مارکسیسم چیست؟ (مبانی نظری)

مطالعه و بررسی آثار مارکس دو مشکل اساسی دارد: نخست آنکه



تحلیل‌های او در بسیاری مواقع پیچیده است و شیوه تفکرش برای کسانی که در جوامع بورژوازی زندگی می‌کنند و ارزش‌های آن را درونی کرده‌اند کاملاً بیگانه به نظر می‌رسد. دوم آنکه اندیشه مارکس در بسیاری موارد به طور حساب شده تحریف شده است. به قول اریش فروم:

«از طنزهای عجیب روزگار یکی آن که هیچ حد و مرزی بر سوء تفاهم نسبت به تئوری‌ها و تحریف آن‌ها وجود ندارد، آن هم در دورانی که امکان دسترسی به منابع نامحدود است؛ و در این پدیده هیچ نمونه‌ای جدی‌تر از آن چه در چند دهه اخیر بر سر تئوری‌های کارل مارکس رفته است وجود ندارد. در مطبوعات، در سخنرانی‌های سیاستمداران، در کتاب‌ها، در مقالات دانشمندان علوم اجتماعی و فلاسفه‌ی سرشناس دائم به مارکس و مارکسیسم اشاره می‌شود، اما جز مواردی استثنایی به نظر می‌رسد که این سیاستمداران و این مطبوعات چپان هرگز حتی به یک سطر از نوشته‌های مارکس هم نگاه نکرده‌اند.»

اما این تحریف‌ها تنها توسط دشمنان قسم خورده‌ی مارکس در جوامع سرمایه‌داری صورت نگرفت. نظریه‌پردازان شوروی سابق و اقمارش نیز در دامن زدن به این تحریفات نقش مؤثری داشتند. اینان از مارکس یک جبرگرای اقتصادی - تکنولوژیک و تک بعدی ساختند که اهمیتی برای نقش انسان، فرهنگ توده‌ها و تاریخ قائل نیست و گویی که تنها برآن بوده که به نظام سرمایه‌داری بتازد و نقد او اوضاع موجود در جوامع به اصطلاح «سوسیالیستی» را در بر نمی‌گیرد.

اگر در شوروی سال‌های دهه ۱۹۲۰ هنوز بحث‌های داغ و سرزنده‌ای در تمام زمینه‌ها از جمله دیدگاه مارکس وجود داشت، با قدرت‌گیری استالین، مارکسیسم به صورت ایدئولوژی رسمی درآمد و به ابزاری در دست هیئت حاکمه‌ی آن کشور برای توجیه رژیم سرکوب‌گر تبدیل شد.

تاریخ قرن بیستم مآثرک مارکس است. استالین، مائو، چه‌گوارا، کاسترو - بت‌ها و شیاطین عصر جدید - همه خود را وارثان او خوانده‌اند. ولی این که آیا مارکس نیز می‌تواند ایشان را چنین بداند بحث دیگری است. مارکس حتی در زمان حیاتش، اغلب از رفتار عجیب و غریب به اصطلاح مریدانش سرخورده می‌شد. وی با شنیدن اینکه یک حزب جدید فرانسوی

خود را مارکسیست خوانده است، گفت:

«در این صورت من دست کم مارکسیست

نیستم.»

با این همه در خلال صد سال پس از مرگش، نیمی از جمعیت جهان تحت سلطه حکومت‌هایی قرار گرفتند که



مارکسیسم را سرمشق خود اعلام کردند؛ و عقاید وی مطالعات اقتصادی، تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و ادبی را دگرگون کرد. از زمان عیسی مسیح تاکنون هیچ مسکین گمنامی چنین اخلاص جهان شمولی برنیا نگیخته یا چنین فاجعه بار دچار سوء تعبیر نشده است.

درباره‌ی مارکسیسم هزاران کتاب هست ولی تقریباً تمامشان نوشته دانشگاهیان و متعصبانی است که نزد ایشان برخورد با مارکس به مثابه‌ی انسانی دارای گوشت و پوست، عملی کفرآمیز محسوب می‌شود.



کارل مارکس پشتیبان فعال براندازی نظام سرمایه‌داری و جایگزینی یک نظام سوسیالیستی بود گرچه او شخصاً نظریه‌ای را درباره خود سوسیالیسم^۱ مطرح نکرد، اما وقت زیادی را به انتقاد از جنبه‌های گوناگون جامعه سرمایه‌داری اختصاص داد. (ریترز، ۱۳۷۴: ۹)

ریشه‌های نظریه مارکسیستی

مارکس هم تحت تأثیر افکار هگل^۲ و هم تحت تأثیر نفوذ تجدیدنظرهای فوئرباخ^۳ بود، اما این دو فلسفه را به شیوه نو و هوشمندانه‌ای ترکیب کرد و بسط

۱. یک رشته دگرگونی را که هدفش تصحیح زیاده‌روی‌های نظام صنعتی و سرمایه‌داری است، می‌توان تحت عنوان سوسیالیسم مطرح کرد.

۲. فیلسوف آلمانی گئورگ فردریک ویلهلم هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰) معتقد بود که تفکر باید حاکم بر واقعیت باشد. به بیان دیگر خرد نیروی مطلق تاریخ محسوب می‌شود. تاریخ یعنی رشد عقل تا مرحله خودآگاهی.

۳. لودریک فوئرباخ (۱۸۷۲-۱۸۰۴) در انتقاد از هگل با پذیرش یک فلسفه مادی اندیشانه به این نتیجه رسید که باید به جای تأکید بر افکار، به واقعیت مادی انسان‌های واقعی پرداخت.

داد و هم بر دو، آنها انتقاد داشت. دیالکتیک^۱ یک شیوه تفکر است که تصویری خاص از جهان بدست می‌دهد. از یک سوی، نوعی تفکر است که بر اهمیت فراگردها، روابط، پویایی‌ها، کشمکش‌ها و تعارض‌ها تأکید می‌ورزد و یک شیوه تفکر پویا به شمار می‌آید نه ایستا؛ از سوی دیگر، دیالکتیک نظریه‌ای است که می‌گوید جهان نه از ساختارهای ایستا، بلکه از فراگردها، روابط، پویایی‌ها، کشمکش‌ها و تعارض‌ها ساخته شده است. هر چند دیالکتیک عموماً به هگل ارتباط داده شده می‌شود، اما در فلسفه بی‌گمان سابقه‌ای قدیمی‌تر دارد. مارکس که در سنت هگلی آموزش دیده بود، اهمیت دیالکتیک را پذیرفت. اما به هر روی، نسبت به جنبه‌هایی از شیوه کاربرد آن از سوی هگل انتقاد داشت. برای مثال، هگل گرایش به کاربرد دیالکتیک تنها در مورد افکار داشت، حال آنکه مارکس احساس می‌کرد که دیالکتیک را می‌توان در مورد جنبه‌های مادی زندگی همچون اقتصاد به کار بست. (همان: ۲۵)

او به پیروی از فوئرباخ، بر هواداری هگل از یک فلسفه ایده‌آلیستی خرده می‌گرفت. مارکس نه تنها به خاطر قبول یک جهت‌گیری مادی‌گرایانه، بلکه همچنین به خاطر علاقه‌اش به فعالیت‌های علمی، این موضع را اتخاذ کرده بود. هگل واقعیت‌های اجتماعی همچون ثروت و دولت، را چونان افکار در نظر می‌گرفت و نه به‌عنوان پدیده‌های واقعی و مادی. حتی هنگامی که هگل فراگردهای به ظاهر مادی چون کار را بررسی می‌کرد، تنها به کار انتزاعی ذهنی توجه داشت. این با علاقه مارکس به کار انسان‌های واقعی و زنده، بسیار تفاوت دارد. برای همین، از نظر مارکس، هگل به قضایای نادرستی توجه

۱. جریان دیالکتیکی یعنی تضاد میان تز و آنتی‌تز، که منجر به برآیند یا سنتز می‌شود. مثلاً حیات یک تز است که آنتی‌تز آن مرگ است و برآیند آن در بعضی از مذاهب، زندگی پس از مرگ است.

داشت. وانگهی، مارکس احساس می‌کرد که ایده‌آلیسم هگل به جهت‌گیری سیاسی بسیار محافظه‌کارانه می‌انجامد. از دیدگاه هگل، فراگرد تکامل در فراسوی نظارت انسان‌ها و فعالیت‌هایشان رخ می‌دهد. به هر روی، اگر چنین به نظر آید که انسان‌ها، خواه ناخواه به سوی آگاهی بیشتر درباره جهان آنچنان که باید باشد کشانده می‌شوند، دیگر چه نیازی به دگرگونی انقلابی است، زیرا این فراگرد خود در جهت «دلخواه» به پیش می‌رود. پس هر مسأله‌ای که وجود دارد در آگاهی نهفته است و راه حل آن را نیز باید در دگرگونی تفکر جستجو کرد. (همان: ۲۶)

مارکس موضع بسیار متفاوتی را در پیش گرفت و چنین استدلال می‌کرد که مسایل زندگی نوین را می‌توان در خاستگاه‌های واقعی و مادی همچون ساختارهای سرمایه‌داری جستجو کرد و راه‌حل‌های آن را نیز تنها در برانداختن این ساختارها به وسیله عمل دسته جمعی گروه‌های وسیع مردم می‌توان یافت (مارکس و انگلس، ۱۸۵۴، ۱۹۵۶ ص ۲۵۴). در حالی که هگل «جهان را روی سرش نهاده بود»، (یعنی بر آگاهی و نه بر جهان واقعی تأکید داشت)، مارکس دیالکتیکش را بر پایه‌ای کاملاً مادی استوار کرد. (همان: ۲۷)

مارکس از چندین جهت، نقد فوئرباخ را بر هگل مورد تأیید قرار داد (برای مثال، ماتریالیسم فوئرباخ و طرد جنبه انتزاعی نظریه هگل)، اما از موضع خود فوئرباخ نیز چندان خرسند نبود. از جمله آنکه فوئرباخ بر جهان مذهبی تأکید داشت، ولی مارکس بر این باور بود که سراسر جهان اجتماعی و به ویژه اقتصاد باید مورد تحلیل قرار گیرد. گرچه مارکس، مادی‌اندیشی فوئرباخ را پذیرفت، ولی احساس می‌کرد که او در تأکید یک‌جانبه و غیردیالکتیکی بر جهان مادی افراط کرده است. مارکس می‌گفت فوئرباخ مانند بیشتر فیلسوفان، از تأکید بر

کردار - فعالیت عملی - به ویژه فعالیت انقلابی، دریغ ورزید. به گفته خود مارکس؛ «فیلسوفان جهان را تنها تفسیر کردند، ولی جان کلام این است که باید آرا را دگرگون کرد». (همان)

مارکس دو عنصر این دو اندیشمند را که خود، آنها را مهمترین عنصر فکریشان تلقی می‌کرد، اقتباس نمود - دیالکتیک هگل و مادی‌اندیشی فوئرباخ. او این دو عنصر فکری را در جهت‌گیری خاص خود که همان ماتریالیسم دیالکتیکی است، ادغام کرد. این جهت‌گیری، بر روابط دیالکتیکی در چارچوب جهان مادی تأکید می‌ورزد. (همان)



مادی‌اندیشی مارکس و متعاقب آن بر بخش اقتصادی، او را به گونه طبیعی به سوی آثار گروهی از اقتصاددانان سیاسی کشاند. او این فرض بنیادی آنها را که کار سرچشمه همه ثروت‌ها است، مورد تأکید قرار داد. همین

قضیه سرانجام، مارکس را به نظریه ارزش کار رهنمون شد که طی آن استدلال می‌کرد که سود سرمایه‌داران بر پایه استثمار کارگران نهاده شده است. به نظر او سرمایه‌داران با پرداخت دستمزدی کمتر از دستمزد حقه کارگران آنها را فریب می‌دهند، زیرا کارگران دستمزدی کمتر از ارزش آنچه که عملاً طی کار انجام می‌دهند، دریافت می‌دارند. این ارزش اضافی که سرمایه‌داران به دست می‌آورند و آن را دوباره سرمایه‌گذاری می‌کنند، بنیاد سراسر نظام سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. نظام سرمایه‌داری با افزایش مدام سطح استثمار کارگران (و

در نتیجه افزایش حجم ارزش اضافی) رشد می‌کند و سود حاصل از این استثمار را برای گسترش نظام، سرمایه‌گذاری می‌کند.

مارکس از این اقتصاددانان انتقاد می‌کرد که چرا به این بدی‌ها به عنوان عناصر گریزناپذیر نظام سرمایه‌داری می‌نگریستند. مارکس افسوس می‌خورد که چرا آنها عموماً نظام سرمایه‌داری را می‌پذیرفتند و از مردم می‌خواستند که برای موفقیت اقتصادی در چارچوب این نظام تلاش کنند. او از اقتصاددانان سیاسی برای این نیز انتقاد می‌کرد که آنها کشمکش ذاتی میان سرمایه‌داران و کارگران را نمی‌دیدند و نیاز به یک دگرگونی ریشه‌ای در نظم اقتصادی را انکار می‌کردند. (همان: ۲۰۸)

مارکس بر این باور بود که سرمایه‌داری اساساً یک ساختار (و یا به گونه‌ای درست‌تر، یک رشته ساختار) است که میان فرد و فراگرد تولیدی، و بین فرآورده‌های این فراگرد و انسان‌های دیگر موانعی را پدید می‌آورد؛ در نهایت امر، حتی خود فرد را نیز دچار دوگانگی می‌کند. معنای بنیادی مفهوم از خودبیگانگی این است: از هم‌گسیختگی بستگی‌های متقابل طبیعی میان مردم و نیز بین مردم و آنچه که تولید می‌کنند. از خودبیگانگی برای این رخ می‌دهد که سرمایه‌داری، نظام طبقاتی دوگانه‌ای را به ارمغان آورده که در آن، شماری از سرمایه‌داران مالکیت فراگرد تولید، فرآورده‌های تولیدی و زمان کار کسانی را که برای آنها کار می‌کنند، به دست دارند. به نظر او رشد فزاینده سرمایه‌داری موجب تمرکز ارزش اضافی در دست سرمایه‌داران و گسترش شکاف میان کارگران و محصول کارشان می‌گردد و نهایتاً کارگر به کالا تبدیل می‌شود و کار و کالا بر اساس معیار واحدی سنجیده می‌شوند.

به نظر مارکس تضاد اصلی سرمایه‌داری مدرن، نتیجه تعارض میان نیروی
خلاقه کارگران و عدم کنترل آنها بر محصول کار خودشان است.

مارکس چهار شکل اصلی برای از خودبیگانگی انسان قائل است:

- ✓ عدم کنترل مولدین بر محصول کار خود
- ✓ بیگانگی کارگران در فرآیند کار
- ✓ گسترش روابط ارزشی در کل زندگی اجتماعی
- ✓ از خودبیگانگی انسان از هستی نوعی خویش

در جامعه سرمایه‌داری، انسان‌ها به جای آنکه به گونه‌ای طبیعی برای خودشان
تولید کنند، به صورت غیرطبیعی برای گروه کوچکی از سرمایه‌داران تولید
می‌کنند. مارکس از نظر فکری بسیار نگران ساختارهای سرمایه‌داری و تأثیر
سرکوب‌گرانه آن بر کنش‌گران انسانی بود و از جهت سیاسی به آزادسازی
مردم از یوغ ساختارهای سرکوب‌گر سرمایه‌داری علاقه پیدا کرده بود.

مارکس وقت چندانی را به رؤیایپردازی درباره شکل یک دولت تخیلی
سوسیالیستی اختصاص نداد. او بیشتر در پی آن بود که سقوط سرمایه‌داری را
تسریع کند. مارکس معتقد بود که تعارض‌ها و کشمکش‌های درونی
سرمایه‌داری از جهت دیالکتیکی به فروریختگی نهایی آن خواهد انجامید، اما بر
این تصور نبود که این فراگرد، گریزناپذیر است. مردم باید در موقع مقتضی و با
شیوه‌های مناسب برای تحقق سوسیالیسم دست به عمل بزنند. سرمایه‌داران برای
جلوگیری از فرارسیدن به سوسیالیسم منابع فراوانی در اختیار دارند، ولی عمل
همانگ یک طبقه خودآگاه به نام پرولتاریا، بر همه این منابع فائق خواهد آمد.
سوسیالیسم به اساسی‌ترین شکل آن، جامعه است که در آن، انسان‌ها نخستین بار
می‌توانند به تصویر آرمانی مارکس از تولیدگری نزدیک شوند. انسان‌ها به

یاری تکنولوژی نوین می‌توانند هماهنگ با طبیعت و انسان‌های دیگر، هر آنچه را که برای زنده ماندن نیاز دارند خلق کنند. به بیان دیگر، در یک جامعه سوسیالیستی، انسان‌ها دیگر از خود بیگانه نیستند. به نظر مارکس، زنجیره‌ی تحولاتی که در سرمایه‌داری بحران‌زده پیش می‌آید به شرح زیر است:

۱. گسترش کاربرد تکنولوژی در تولید
۲. گسترش بیکاری و فقر فزاینده طبقه کارگر
۳. کاهش قدرت خرید عمومی
۴. جذب شدن بازده صنایع به طور کامل
۵. تولیدات اضافی
۶. نوسان در فعالیت تولیدی و رکود
۷. افزایش بیشتر بیکاری
۸. کاهش نرخ سود سرمایه‌داران
۹. افزایش رقابت میان بنگاه‌های اقتصادی
۱۰. تمرکز سرمایه و پیدایش انحصارات بزرگ
۱۱. جستجوی بازارهای خارجی بیشتر و گسترش امپریالیسم و سرمایه مالی
۱۲. اشباع بازارهای جهانی
۱۳. جنگ امپریالیستی
۱۴. انقلاب سوسیالیستی و پرولتاریایی
۱۵. سقوط دولت سرمایه‌داری و تأسیس دیکتاتوری پرولتاریا.



به نظر مارکس با از میان رفتن دولت سرمایه‌داری در دوران دیکتاتوری پرولتاریا شرایط بی‌سابقه‌ای پیدا می‌شود. در آن وضع هرکس به اندازه توانایی خود کار می‌کند و به اندازه نیاز خود مصرف می‌نماید. دیکتاتوری پرولتاریا مرحله انتقالی از سرمایه‌داری به

کمونیسم کامل خواهد بود. در این مرحله دولت همان دیکتاتوری انقلابی پرولتاریاست. در این دوران وسایل تولید، دولتی می‌شوند و استثمار انسان از انسان به پایان می‌رسد، زیرا دیگر وسایل تولید در مالکیت خصوصی قرار ندارند. با این حال استثمار دولت از افراد ادامه می‌یابد، ولی مازاد جامعه برای توسعه و پیشبرد جامعه مصرف می‌شود. در مرحله کمونیسم کامل، طبقات و منازعات طبقاتی و دولت به طور کلی از میان خواهد رفت و در عوض جامعه به صورت «انجمن‌های آزاد افراد آزاد» در می‌آید. با رها شدن نیروهای تولید عظیم جامعه، دورانی از رفاه و وفور فرا می‌رسد که در آن هرکس به اندازه نیاز خود از تولیدات جامعه بهره‌مند خواهد شد. در آن حال انسان‌ها از نگرانی‌های ادوار گذشته فراغت می‌یابند و در رفاه و آسایش به سر می‌برند.

مارکس بیشتر آثار عمده‌اش را در میانه سده نوزدهم منتشر کرد. او آثار فراوان و نیز دشواری از خود به جا گذاشت که به آسانی نمی‌توان چکیده‌ای از آن را به دست داد.

معمولاً دو دوره اصلی در زندگانی مارکس تشخیص داده‌اند. دوره نخست را که دوره جوانی می‌نامند، شامل نوشته‌هایی است که بین سال‌های ۱۸۴۱ و ۱۸۴۸ نگاشته شده‌اند.

از بین نوشته‌های این دوره، برخی شامل مقالات و تحقیقات کوتاه‌اند و در حیات خود مارکس منتشر شده‌اند، مانند «مقدمه بر نقد فلسفه هگل» یا «رساله درباره مسئله یهود»، و بعضی دیگر پس از مرگ او. تاریخ انتشار مجموعه کامل آثار او از ۱۹۳۱ است. از همین تاریخ است که آثار وسیعی در تعبیر اندیشه مارکس در پرتو نوشته‌های دوران جوانیش پدید آمده است.

در بین نوشته‌های جوانی، قطعه‌ای از «نقد فلسفه حق هگل»، «دست‌نویس اقتصادی - فلسفی»، «ایدئولوژی آلمانی» یافت می‌شود.

از آثار مهم این دوره، که از مدت‌ها قبل شناخته شده بودند «خانواده مقدس» و مبارزهای قلمی بر ضد پرودن به نام «فلاکت فلسفه» را می‌توان نام برد. کتاب اخیر در جواب کتاب پرودن به نام «فلسفه فلاکت» نوشته شده است.

دوره جوانی با کتاب «فلاکت فلسفه»، و خصوصاً کتاب کوچک کلاسیک «بیانیه کمونیستی» که شاهکاری از نوشته‌های جامعه‌شناسی تبلیغاتی است، که برای نخستین بار فکرهای اصلی مارکس به نحو روشن و درخشان در آن عرضه شده‌اند خاتمه می‌یابد. اما کتاب ایدئولوژی آلمانی در ۱۸۴۵ نیز نموداری از جدایی با دوره قبلی است.

مارکس از ۱۸۴۸ به بعد و تا پایان زندگی خود، ظاهراً دیگر از فیلسوف بودن دست کشیده و جامعه‌شناس و خصوصاً اقتصاددان شده است. بیشتر کسانی که خود را امروزه مارکسیست می‌دانند این خصوصیت را دارند که علم اقتصاد زمان ما را نمی‌شناسند. مارکس از این ضعف بر کنار بود. او استعداد اقتصادی تحسین‌برانگیزی داشت و اندیشه اقتصادی زمان خویش را چنان می‌شناخت که تنها معدودی از افراد به پایه‌اش می‌رسند. او اقتصاددان، به معنای دقیق و علمی کلمه بود و خودش می‌خواست چنین باشد.

مارکس در دومین دوره زندگانی خود دو اثر دارد که از همه مهمترند: یکی متنی است از ۱۸۵۹، موسوم به «نقد اقتصاد سیاسی» و دیگری «سرمایه» که البته شاهکار مارکس و مرکز اندیشه اوست.

هرگونه تعبیر از مارکس که جایی برای «سرمایه» نداشته باشد، یا این اثر را در چند صفحه خلاصه کند، نسبت به آنچه خود مارکس اندیشیده و خواسته است، گمراه کننده است.

اگر تمام مدارک و یادداشت‌های کارل مارکس به طور کامل چاپ شود و از تکرار مطالب نیز جلوگیری شود، مجموعه آثاری که می‌تواند دیدگاه و روند تکامل فکری مارکس و انگلس را منعکس کند، لااقل ۱۱۴ جلد را دربر خواهد گرفت که شامل چهار بخش اصلی زیر خواهد بود:

۱. مقالات، جزوات، پیش‌نویس‌ها، کتاب‌ها و طرح‌های منتشر شده و منتشر نشده تاکنونی مارکس (به استثنای سرمایه) که ۳۲ جلد را دربر خواهد گرفت، تا امروز تنها ۱۵ جلد از این بخش منتشر شده است؛

۲. نوشته‌های عمده اقتصادی مارکس (سرمایه و پیش‌نویس‌های آن) که ۱۵ جلد را در بر خواهد گرفت، و تاکنون ۱۰ جلد آن منتشر شده است؛

۳. نامه‌نگاری‌های مارکس و انگلس شامل ۳۵ جلد (که تاکنون تنها ۸ جلد آن منتشر شده و تا سال ۱۸۵۷ را دربر می‌گیرد)؛

۴. خلاصه‌برداری‌ها و دفترچه یادداشت‌های مارکس که ۳۲ جلد دیگر را دربر خواهد گرفت و هنوز بخش عظیمی از آن دست نخورده مانده است؛

به طور مثال در این بخش آخر، برای نخستین بار می‌توان شاهد یادداشت‌برداری‌های گستردهٔ مارکس درباره‌ی قوم‌شناسی و تاریخ هند از سال ۶۶۴ تا ۱۸۵۸ بود. مثال دیگر آن که مارکس یادداشت‌های وسیعی در موارد زیر برداشته است که هنوز ناشناخته مانده‌اند:

۱. یادداشت‌های ۱۸۵۳ و ۸۱ - ۱۸۸۰ او درباره‌ی جاوه و تاریخ آن.
۲. یادداشت‌های ۱۸۵۲ او درباره‌ی تاریخ زنان و روابط میان زن و مرد.
۳. یادداشت‌های گسترده او در سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ راجع به کشاورزی در روسیه و آمریکا.
۴. نوشته‌ی او درباره‌ی ایرلند در سال‌های دهه ۱۸۶۰.
۵. دست‌نوشته‌های او درباره‌ی کشاورزی در رم قدیم و فرانسه‌ی قبل از میلاد.
۶. طرح زمان‌بندی شده‌ی عظیم وقایع تاریخی که پیش از میلاد آغاز می‌شود و تا قرن شانزدهم ادامه می‌یابد.
۷. و بالاخره دست‌نوشته‌های ریاضی او که دست کم یک جلد را دربر خواهد گرفت.

اسلام و مارکسیسم



مارکس برای تعداد بسیاری از مارکسیست‌ها، از چنان جاذبه و احترامی برخوردار بود که با وی و آثارش، معامله‌ی شبه‌مذهبی می‌کردند. متقابلاً، مخالفان مارکس، او را تا حد یک شرّ مجسم، مورد ناسزاگویی و بدبینی قرار می‌دادند. به منظور تحلیل و معرفی مارکسیسم، می‌توان آن را به سه بخش کلی تقسیم کرد و درباره‌ی هر یک، نکاتی را ارائه نمود.^۱

ماتریالیسم دیالکتیک

مارکسیسم از حیث ابتناء بر ماتریالیسم، دارای این مضامین است:

الف - به جز ماده، چیزی وجود ندارد. هر وجودی به وجود خارجی مادی که حواس ما می‌تواند ادراک کند و علم ما به توصیف و تبیین آن می‌تواند پردازد باز می‌گردد.

ب - ماده، امری اولی و اصلی است و فکر یا شعور، امری ثانوی و فرعی است؛ یعنی امری است که تابع ماده است. پس، ماده بر فکر تقدم یا تفوق دارد،

۱. محمدتقی مصباح بزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان

تلیفات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، صص ۲۷۵-۲۸۷

زیرا فقط ماده است که وجود جوهری (ذاتی) دارد و فکر، جز صفتی و بازتابی از آن نیست.

ج - روح وجود ندارد و یا چنانچه وجود داشته باشد، موجودی جوهری و ماوراءطبیعی نیست، بلکه خاصیتی از ماده است که در آخرین مراحل سیر ماده به ظهور می‌رسد.

د - خداوند وجود ندارد و یا به بیان دیگر، خدا وجودی قائم به ذات نیست، بلکه تصویری ناشی از فکر انسانی است. پس، خداوند خالق عالم و آدم نیست، بلکه انسان خالق خداست. خدا جز پنداری که ذهن انسان آن را ساخته و پرداخته است نیست و فاقد هرگونه مبنایی از لحاظ واقعی و عینی است.

ه - باید تبیین علمی (تجربی) جهان را جانشین توجیه فلسفی آن کرد. پس، بینش فلسفی محض، بی‌ارزش است و این ادعای فیلسوفان که مسایل خاص و اصیلی وجود دارند که روش طرح و حل آن‌ها قابل تأویل به روش تحقیق تجربی نیست، نارواست.

و اما جنبه‌ی دیالکتیک اندیشه‌ی مارکس - که ملهم از افکار هگل است - عبارت است از تکرر منظم و متوالی مفاهیم سه‌گانه‌ی نهاد (تز)، برابر نهاد (آنتی‌تز) و هم‌نهاد (سنتز).

قوانین عمده‌ی دیالکتیکی نیز که بر این اساس شکل می‌گیرند عبارتند از:
الف) قانون تغییر: همه چیز در صیورورت و تطور است و دگرگون می‌شود.
ب) قانون تأثیر متقابل: پدیده‌های طبیعی بر روی یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند و هر یک از آن‌ها مشروط به دیگری است.

ج) قانون تناقض: این که اشیاء دگرگون می‌شوند و هرکدام از آنها به صورت ضد خود در می‌آید ناشی از این است که در درون خود حاوی

تناقض‌اند؛ هر یک از آن‌ها، نفی خود را در خود دارد. تطور عبارت است از سیر جدالی تناقضاتی که در عالم واقع جریان دارد.

هر پدیده‌ای مرکب از دو ضد (تز و آنتی‌تز) است و تضاد آنها موجب حرکت و دگرگونی پدیده می‌شود تا این که «آنتی‌تز» غالب می‌گردد و پدیده‌ی جدیدی که «سنتز» آن‌هاست به وجود می‌آید. مثال از پدیده‌های فیزیکی: الکتریسیته‌ی مثبت و منفی.

مثال از پدیده‌های اجتماعی: طبقه‌ی کارگر که آنتی‌تز طبقه‌ی سرمایه‌دار است رشد می‌کند و تدریجاً بر آن غالب می‌شود و سنتز آن‌ها که جامعه‌ی کمونیستی است تحقق می‌یابد.

د) قانون ارتقاء از راه جهش: تغییر اشیاء همواره به صورت تدریجی و اتصالی نیست، بلکه می‌تواند به صورت دفعی و انفصالی هم حاصل آید. از این رو است که در طبیعت، پدیده‌های جدیدی خلق می‌شوند که با منشأ خود، سنخیت ندارند.

مثال: گذر آب از حالت میعان به حالت بخار در هنگامی که درجه‌ی حرارت آن به صد برسد.

ه) قانون تطور به شکل حرکت مارپیچی: تطور به صورت مارپیچی است؛ یعنی تطور موجد اوضاع و احوال جدیدتر و عالی‌تری در سیر طبیعت تاریخ می‌شود.

بنابراین، دیالتیک هم به مثابه‌ی روشی برای تحقیق در طبیعت و تبیین آن است و هم نظام منطقی درونی اشیاء.

ماتریالیسم تاریخی

مادیت تاریخی، نظریه‌ی علمی قوانین عمومی تحولات تاریخی جامعه‌هاست. بدین ترتیب، مادیت تاریخی برخلاف مادیت فلسفی که بر سراسر قلمرو هستی حاکم است، فقط به سیر جامعه‌ها و جریان تاریخ محدود است. برخی از مفاد این نظریه عبارتند از:

الف) در جامعه‌ها و تاریخ، هیچ نیروی ماوراءطبیعی وجود و تأثیر ندارد؛ زیرا اولاً وجود با ماده یکی است و ثانیاً محرک جامعه و تاریخ، همان تناقض موجود در درون آن است.

ب) آنچه به منزله‌ی مبنا یا زیر بنای هر جامعه است، مجموعه نیروهای مولد و مناسبات تولیدی است که یعنی همه‌ی پدیده‌های اجتماعی را هدایت و جهت‌دهی می‌کند. روبنای جامعه نیز سیاست، فرهنگ، اخلاق، دین، هنر، فلسفه و ... است که همه تحت تأثیر نیروهای اقتصادی هستند. البته روبنا نیز بر زیربنا تأثیر می‌گذارد، اما تأثیر نهایی و در بلند مدت، از آن زیر بناست. حاصل این که، اقتصاد، محرک اصلی تطور تاریخی است.

ج) محرک حرکت تاریخی هر جامعه، تناقضی است که میان نیروهای تولیدی و مناسبات تولیدی است، چرا که با تغییر نیروهای تولیدی، مناسبات تولیدی همچنان به شکل ثابت باقی می‌مانند و این آغاز جدال و تنش میان این دو است.

د) در هر جامعه‌ای دو طبقه‌ی عمده وجود دارد: طبقه‌ی حافظ وضع موجود و طبقه‌ی طالب وضع جدید. اولی همان طبقه‌ی حاکم و استثمارکننده است و دومی طبقه‌ی محکوم و استثمار شونده.

از این منظر، طبقه‌ی اجتماعی عبارت است از افرادی که در فرایند تولید و مناسبات حقوق و مالکیتی آن، جایگاه یکسانی دارند.

ه) تحول همه‌ی اقوام جهان - که ناشی از تضاد طبقاتی میان طبقات هر عصر است - از پنج مرحله می‌گذرد: اشتراکی نخستین، برده‌داری، زمین‌داری، سرمایه‌داری و کمونیسم نهایی.



از آن‌جا که همه‌ی حرکات، تکاملی است؛ هر یک از این پنج‌گونه نظم اجتماعی، متکامل‌تر از نظام‌های قبلی است. بنابراین، کمونیسم نهایی، مطلوب‌ترین نظم اجتماعی‌ای است که تاریخ بشری به خود خواهد دید.

و) هیچ فردی قادر نیست که به شناخت راستین و مطابق با واقع دست یابد، زیرا او به ناچار به طبقه‌ای تعلق دارد و همین تعلق طبقاتی‌اش موجب می‌شود که جهان را به اعتبار وضع و پایگاه طبقاتی خود بنگرد و حقایق را آن‌گونه که هست درک نکند.

کمونیسم علمی

کمونیسم علمی روش‌ها و چگونگی گذار از نظام سرمایه‌داری به نظام کمونیستی را تبیین می‌کند. این عبور و سیر، جریانی قانون‌مند و اجباری است و تردیدی در آن نیست، ولی می‌توان با استفاده از راه‌کارهایی، این گذار را تسریع و تسهیل کرد.

الف) در جامعه‌ی سرمایه‌داری، دو طبقه‌ی عمده وجود دارند: طبقه‌ی کارفرما یا سرمایه‌دار یا بورژوازی، طبقه‌ی کارگر یا پرولتاریا. نبرد این دو طبقه به زوال نظام سرمایه‌داری می‌انجامد.

ب) دولت وسیله‌ی تسلط طبقه‌ی حاکم و استثمارگر، و کارگزار منافع آن است.

ج) نهاد روحانیت نیز در خدمت منافع سرمایه‌داران است و مظلوم آن را توجیه دینی، جزا و عقاب همه‌ی اعمال را به جهان دیگر موکول می‌کنند.

د) پس از نابودی سرمایه‌داری، دوره‌ی اول کمونیسم، یعنی سوسیالیسم شکل می‌گیرد. در این دوره‌ی گذرا و موقتی، دولت نماینده‌ی استبداد خشونت‌آمیز و انقلابی طبقه‌ی کارگر (دیکتاتوری پرولتاریا) است. همچنین مالکیت خصوصی ابزار تولید از میان می‌رود و در اختیار دولت قرار می‌گیرد و هر فردی نیز به‌اندازه‌ی توانایی‌اش کار می‌کند و به‌اندازه‌ی کارش مزد می‌گیرد. ه) سرانجام، جامعه از سوسیالیسم نیز عبور می‌کند و به نظام کمونیستی پای می‌نهد که ویژگی‌های آن به قرار ذیل است:

۱. دوام ابدی دارد.
۲. کاملاً بی‌طبقه است و حتی از برتری طبقه‌ی کارگر نیز اثری نیست.
۳. بدون دولت است، چرا که هماهنگی اجتماعی به خودی خود و به صورت طبیعی برقرار خواهد شد.
۴. نظام تقسیم کار از بین می‌رود و فعالیت اشتراکی، مالکیت اشتراکی را به همراه می‌آورد. بدین ترتیب، هر فرد می‌تواند در طول زندگی خود، به کارهای مختلفی که به آنها علاقه دارد بپردازد.

۵. به هر فرد نه به قدر کارش، بلکه به قدر نیازش مزد می‌دهند. از این‌رو، هرگونه نابرابری اقتصادی هم رخت بر خواهد بست.
۶. دین که نوعی آگاهی کاذب است، به خودی خود زوال خواهد یافت.

نقد و بررسی:^۱

۱- اگرچه ماده، واقعیت عینی دارد اما سراسر هستی عبارت از ماده و خواص و آثار آن نیست. بسیاری از موجودات، مجرد و غیرمادی‌اند؛ همچون خدای متعال و یا روح انسان. همان‌گونه که طول، عرض، ارتفاع و بعد زمانی از ویژگی‌های ذاتی ماده‌اند، حیات، علم و اراده نیز از خصایص ذاتی روح هستند و ماده هیچ‌گاه نمی‌تواند واجد این خصوصیات باشد.

۲- اگر «نهادهای اجتماعی» را دنبال کنیم و به ریشه‌ی آنها برسیم، می‌بینیم که همه‌ی آنها توسط «انسان» و به سائقه‌ی انگیزه‌ها و برای تأمین مقاصدی خاص احداث شده‌اند. بنابراین، جامعه و نهادهای اجتماعی باید بر حسب طبیعت بشری، تبیین شوند. از سوی دیگر، اصالت در انسان از آن «روح» اوست نه بدن وی، و بدن در حکم ابزار وسیله‌ای برای روح است. بر این اساس، اگر باید نهادی را اصلی و اصیل بدانیم، آن نهاد نهادی است که فرآورده‌ی بعد اخلاقی و معنوی انسان‌ها و معلول انگیزه‌ی متعالی آنان باشد. اهمیت و اصالت هر نهاد اجتماعی، بستگی تام به اهمیت و اصالت منشأ تکوینی فردی آن در ساخت روانی طبیعت انسانی دارد. از این‌رو، اصیل‌ترین و مهم‌ترین نهاد در هر

۱. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۸۷-۳۰۵.

جامعه، نهادی است که منشأ تکوینی روانی آن، اصیل‌ترین و مهم‌ترین بعد از ابعاد وجودی فرد انسانی باشد.

۳- درباره‌ی اصل تناقض مورد نظر مارکس، نکات انتقادی زیر قابل توجه است:^۱

الف) این جریان کلیت ندارد و نمی‌توان آن را به عنوان قانونی جهان شمول پذیرفت.

مثال: حرکت‌های مکانیکی در اثر نیروهای خارجی به وجود می‌آیند، همچون حرکت توپ فوتبال که در اثر برخورد پای فوتبالیست به آن است، نه در اثر تضاد درونی توپ!

ب) وجود چنین تضادی در میان برخی از پدیده‌های مادی، ربطی به تضاد و تناقضی که در منطق و فلسفه، محال شمرده شده است ندارد، زیرا آنچه محال داشته شده اجتماع ضدین و نقیضین در "موضوع واحد" است.

ج) اگر هر پدیده‌ای مرکب از دو ضد باشد، باید برای هر یک از تز و آنتی تز هم ترکیب دیگری در نظر گرفت، زیرا هر یک از آنها پدیده‌ای هستند و طبق اصل مزبور می‌بایست مرکب از دو ضد باشند. در نتیجه باید هر پدیده‌ی محدودی، مرکب از بی‌نهایت اضداد باشد!

د) به فرض این که همه‌ی این اصول به صورت کلی و جهان شمول، ثابت بودند و تنها می‌توانستند مانند قوانین ثابت شده در علوم طبیعی، چگونگی پیدایش پدیده‌ها را بیان کند، اما وجود قوانین کلی و ثابت در جهان به معنای

۱. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، جلد اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات

بی‌نیازی پدیده‌ها از پدید آوردنده و علت هستی بخش نیست. چون ماده و مادیات، ممکن‌الوجود هستند، بالضروره نیازمند به واجب‌الوجود خواهند بود.

۴- درباره‌ی جهش یا تبدیل تغییرات کمی به تغییرات کیفی نیز باید توجه کرد که:

الف) در هیچ موردی کمیت، تبدیل به کیفیت نمی‌شود و حداکثر این است که پیدایش پدیده‌ی خاصی مشروط به وجود کمیت معینی باشد. مثلاً درجه‌ی حرارت آب، تبدیل به بخار نمی‌شود، بلکه تبدیل شدن آب به بخار، مشروط به وجود مقدار معینی از حرارت است.

ب) ضرورتی ندارد که این کمیت لازم، در اثر افزایش تدریجی کمیت‌های سابق، حاصل شود بلکه ممکن است در اثر کاهش کمیت پیشین تحقق یابد، چنان که تبدیل شدن بخار به آب، مشروط به کاهش کمیت است.

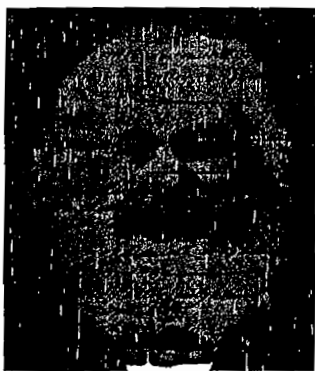
۵- این دیدگاه که هر پدیده‌ی جدیدی، کامل‌تر از پدیده‌ی کهنه است؛ یعنی سیر دیالکتیکی، همیشه صعودی و رو به تکامل است، نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا مصادیق مادی بسیاری بر نفی آن دلالت دارند. به عنوان مثال، آیا آب که تبدیل به بخار می‌شود تکامل می‌یابد، یا بخار که تبدیل به آب می‌گردد؟ آیا گیاه و درختی که می‌خشکد و هیچ دانه و میوه‌ای از آن باقی نمی‌ماند کامل‌تر می‌شود؟ پس تنها چیزی که می‌توان پذیرفت این است که برخی از موجودات طبیعی در اثر حرکت و تحول، کامل‌تر می‌شوند. بنابراین تکامل را به عنوان یک قانون کلی برای همه‌ی پدیده‌های جهان نمی‌توان پذیرفت.

د) اصل تناقض درباره‌ی موجودات مجرد، صحیح نیست؛ زیرا این سنخ از موجودات، بسیط هستند نه مرکب از اجزاء. در باب موجودات مادی نیز

نمی‌توان از اجتماع دو ضد سخن گفت؛ زیرا اجتماع ضدین در محل واحد، محال است.

۶- بسیاری از تضادها و جدال‌ها میان طبقات اجتماعی، بر سر موضوع‌های غیراقتصادی و غیرمادی است، چرا که انسان علاوه بر نیازها و گرایش‌های بدنی و مادی، مطالبات و تمایلات روحی و معنوی نیز دارد و همین امور انسانی نوع دوم، در بسیاری از موارد سبب شکل‌گیری جنگ‌ها و ستیزها در میان گروه‌های بشری می‌شوند.

۷- آیا همیشه نزاع‌های اقتصادی میان دو طبقه‌ی حاکم و محکوم روی می‌دهند، و یا این که ممکن است دو گروه درگیر، در داخل طبقه‌ی حاکم یا



محکوم نیز باشند؟ به عنوان مثال، یکی از بزرگ‌ترین و مستمرترین وقایع در تاریخ قرون وسطای مسیحی، جنگ میان پاپ‌ها و امپراطوران بوده است.

۸- اگر همه افراد به دلیل وابستگی طبقاتی‌شان، از ادراک واقع و نیل به حقیقت عاجزند؛ مارکس که مدافع طبقه‌ی کارگر

است نیز نتوانسته به حقیقت دست یابد. از این رو، افکار و آراء وی نسبت به دیگر مکاتب برتری ندارد! پیداست که این ادعا تنها به شکاکیت کامل و لادری‌گری تام منجر می‌شود که مکتب مارکس در بخش فلسفی خود، از پذیرش آن می‌گریزد. در منطق اسلام، انسان می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها، به حقایقی که برای همگان (و نه فقط برای افراد یک طبقه‌ی اجتماعی) معتبر

است دست یابد. در واقع، بسیاری از علوم و معارف و نظرات انسان‌ها، مطابق با نفس‌الامر هستند.

۹- مارکس، «عدالت» را در «تساوی کامل» می‌بیند و یا به تعبیری دیگر، مساوات را بر عدالت ترجیح می‌دهد. حال آن که، نه عدالت در تساوی کامل است و نه مساوات بر عدالت رجحان دارد. ایده‌های همچون القای تقسیم کار، از بین بردن مالکیت خصوصی (فردی)، دادن مزد به تناسب نیاز (نه به تناسب کار) و برابر ساختن کامل زن و مرد، اگرچه موجب تساوی کامل حقوق و تکالیف انسان می‌شود، اما عادلانه نیست؛ زیرا تفاوت‌های تکوینی و طبیعی را نادیده می‌گیرد و تفاوت‌های اجتماعی و حقوقی‌ای را که دقیقاً ناشی از تفاوت‌های طبیعی و تکوینی هستند از میان بر می‌دارد. مساوات در هر اوضاع و احوالی مطلوب نیست، بلکه اگر مقتضای عدالت باشد مطلوب خواهد بود. این عدالت است که مطلوبیت مطلق دارد نه تساوی. به‌عنوان مثال، کارگری که کار بیشتری انجام داده است، باید مزد بیشتری دریافت کند. افزون بر این، اساساً مساوات مورد نظر مارکس به دلیل ستیز با تفاوت‌های تکوینی و طبیعی که اجتناب‌ناپذیرند، قابل اجرا و اعمال نیست. به‌عنوان مثال، جامعه بدون وجود تقسیم کار، قابل دوام نیست.

۱۰- ماتریالیسم تاریخی از حد یک تئوری بدون دلیل، تجاوز نمی‌کند؛ زیرا یک نظریه‌ی فلسفی - تاریخی یا باید بر تجربه‌ی واقعیت‌های عینی زمان خودش مبتنی باشد و به دوره‌های دیگر تعمیم داده شود و یا باید اساس شواهد تاریخی از واقعیات گذشته بنا شده بود و به زمان حال و آینده تعمیم داده شود و یا باید

به شیوهی قیاسی و استدلال منطقی براساس یک سلسله اصول منطقی و فلسفی به اثبات رسیده باشد.^۱

افزون بر این، شواهد تجربی و تاریخی، نظریه‌ی مارکس را رد می‌کنند. به عنوان مثال، لنین در روسیه که در آن زمان کشوری نیمه صنعتی و نیمه کشاورزی بود، انقلاب کرد و برای اولین بار کشوری سوسیالیستی تأسیس کرد! انقلاب چین نیز که به وسیله‌ی مائو رهبری شد، عملاً سوسیالیسم علمی و ماتریالیسم تاریخی را نقض کرد؛ زیرا چین با یک انقلاب کشاورزی، نظام فئودالیسم را واژگون کرد و نظام سوسیالیسم را به جای آن برقرار کرد! حال آن‌که، کشوری که در مرحله‌ی فئودالیسم قرار دارد باید پس از طی مرحله‌ی کاپیتالیسم به سوسیالیسم برسد.^۲

۱۱- ماتریالیسم تاریخی، خود را نقض می‌کند؛ زیرا براساس آن، هر اندیشه‌ای به حکم این که حاصل تجلی شرایط مادی و اقتصادی خاصی است نمی‌تواند اعتبار و ارزش مطلق داشته باشد، بلکه تنها به زمان خودش تعلق دارد!^۳

۱۲- چنین نیست که هر جامعه‌ای در هر مرحله‌ی تاریخی، لزوماً نسبت به مرحله قبل از خود کامل‌تر باشد. نظر به این که عامل اصلی حرکت تاریخ، انسان است و انسان موجودی مختار و آزاد و انتخاب‌گر است، تاریخ در حرکت خود نوسانات دارد؛ یک جامعه همچنان که تعالی می‌یابد انحطاط پیدا

۱. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، قم: نشر صدرا، ص ۱۴۸.

۲. پیشین، صص ۱۶۰، ۱۵۸.

۳. پیشین، ص ۱۶۸.

می‌کند. ولی تاریخ بشریت در مجموع خود، یک خط سیر تکاملی را طی کرده است.^۱

۱۳- از نظرگاه قرآنی و نقلی نیز می‌توانیم به نکات ذیل اشاره کنیم:

الف) قرآن در درس‌های تاریخی خود، شرح حال مؤمنانی را ارائه می‌دهد که از متن طبقه‌ی ملاً و مستکبر برخاسته و علیه آن طبقه و ارزش‌های آن طبقه شوریده‌اند. مؤمن آل فرعون،^۲ زن فرعون،^۳ سحره‌ی فرعون، قیام حضرت موسی (ع) که در خانه‌ی فرعون پرورش یافته بود، قیام پیامبر اکرم (ص) پس از ازدواج با خدیجه‌ی ثروتمند^۴ و ... از این قبیل افراد هستند. هم چنین، طبقه‌ی مستضعفین نیز همه در زمهری مؤمنان و انقلاب‌گران توحید نبوده‌اند.

البته همیشه اکثریت گروندگان به پیامبران را «مستضعفان» و لااقل گروهی که دستش به استضعاف‌گری آلوده نیست تشکیل داده‌اند و اکثریت مخالفان پیامبران را «استضعفان‌گران» تشکیل داده‌اند؛ زیرا هر چند فطرت انسانی که زمینه‌ی پذیرش پیام الهی را به وجود می‌آورد در میان همه‌ی انسان‌ها مشترک است، ولی طبقه‌ی استضعاف‌گر، مسرف و مترف دچار مانع بزرگی است و آن «آلودگی و عادت به وضع موجود و غرور و تکبر و طغیان معنوی» است.^۵

بنابراین، نه همه‌ی انبیاء و مؤمنان از میان فقرا برخاسته‌اند، و نه همه فقرا، دعوت انبیاء را پذیرفته‌اند. پس تلازمی میان محرومیت مادی و ایمان، یا بهره‌مندی مادی و کفر وجود ندارد.

۱. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی (عج)، تهران، نشر صدرا، صص ۴۴-۴۳.

۲. مؤمن

۳. تحریم/۱۱.

۴. ضحی/۶ و ۸

۵. مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، صص ۱۸۶، ۱۸۸.

شایسته است در اینجا به تبیین و تعلیل روان شناختی این واقعیت که تنعم، مقتضی غرور و طغیان است و فقر، مقتضی تسلیم و تضرع است پردازیم. از دیدگاه اسلام، تنها خداست که غنی مطلق است و سایر موجودات فقیرند و به او نیاز دارند.^۱ از این رو، هرچه انسان به فقر ذاتی خود آگاه‌تر باشد، از لحاظ روحی و معنوی کمال یافته‌تر است. اما کسی که هر چه را بخواهد در اختیار دارد، به تدریج دچار این خیام خیال می‌شود که به موجود دیگری نیازمند نیست. از این گذشته، چنین کسی به عیش و نوش خو کرده و این انس، دلبستگی به لذات دنیوی را در او تقویت کرده است. از این رو، از لحاظ روانی، چندان زمینه‌ی پذیرش آیینی که دائماً از فنای دنیا و نعمت‌های آن سخن می‌گوید و بقای آخرت و عذاب‌های آن را مورد تأکید قرار می‌دهد، ندارد. در مقابل، کسی که از نعمت‌های مادی محروم است، تنبه بیشتری نسبت به فقر ذاتی خود می‌یابد و موانع روانی‌ای که متنعمان و مترفین را از پذیرش دین حق باز می‌دارد در خود نمی‌یابد. البته باز هم تذکر می‌دهیم که نه تنعم، علت تامه‌ی اعراض و انکار است و نه فقر، علت تامه‌ی تسلیم به حق شدن؛ بلکه اختیار انسان می‌تواند بر تمام این اقتضائات محیطی و روحی، حاکم شود. وانگهی، ابتلاء به شداید و مشکلات دنیوی هم، همواره موجب اقبال به حق نمی‌شود.^۲

ب) مخاطب اسلام، «ناس» است؛ اما «ناس» یعنی انسان‌ها، و عموم مردم، نه توده‌ی محروم.^۳

۱. فاطر/ ۱۵ و محمد/ ۳۸.

۲. انعام/ ۴۳.

۳. پیشین، ص ۱۹۰.

ج) پیامبران برخلاف مدعیان دروغین اصلاح بشری، از فکر و عقیده و ایمان و شور معنوی و عشق الهی و تذکر به مبدأ و معاد آغاز می‌کنند. چنانچه رسول اکرم دعوت خود را با «قولوا لا اله الا الله، تفلحوا»؛ یعنی با یک جنبش اعتقادی، آغاز کرد.

پیامبران از آنچه که مارکسیسم روینا می‌نامد آغاز می‌کردند و به زیرینا می‌رسیدند. در مکتب پیامبران، انسان بیش از آن که وابسته به منافع باشد؛ وابسته به ایمان و عقاید حق است.^۱

د) بشر به هراندازه در انسانیت به رشد و کمال برسد، از وابستگی اش به محیط طبیعی و اجتماعی و شرایط مادی کاسته می‌شود و به وارستگی و استقلال می‌رسد.^۲

ه) آن بستری که تاریخ در آن بستر، رشد کرده و تکامل یافته، مبارزات مادی و طبقاتی نیست؛ بلکه مبارزات ایدئولوژیکی میان حق و باطل است. این است ساز و کار طبیعی تکامل انسان و پیروزی نهایی پاکان و صالحان و مجاهدان راه حق.^۳

و) یک فرهنگ و مکتب جامع اگر «خاستگاه خدایی» داشته باشد و مخاطبش «فطرت انسان» باشد، محال است که بی‌طرف و بی‌تفاوت و غیرمتعهد و غیرمسئول باشد، اما آنچه تعهد و مسئولیت می‌آفریند، وابستگی به طبقه‌ی محروم نیست، بلکه وابستگی به «خدا» است.^۴

۱. پیشین، صص ۱۹۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵.

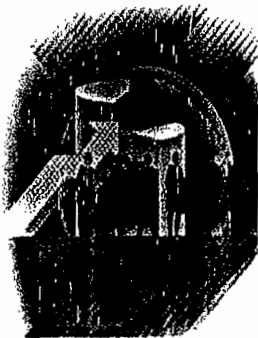
۲. پیشین، ص ۱۹۴.

۳. پیشین، ص ۱۹۹.

۴. پیشین، ص ۲۰۶.

ز) از نظر اسلام، شرایط و موانع پذیرش اسلام، غالباً و یا همیشه حول فطرت دور می‌زند: اسلام شرط پذیرش دعوت خود را پاک بودن،^۱ دغدغه و نگرانی و احساس مسئولیت در برابر آفرینش داشتن^۲ و زنده به حیات فطری بودن^۳ می‌داند. متقابلاً درباره‌ی موانع، به موارد زیر اشاره می‌کند: فساد روحی و اخلاقی، مختوم شدن دل‌ها،^۴ پیروی از عادات پدران،^۵ پیروی از کبرا و شخصیت‌ها،^۶ پیروی از ظن و گمان،^۷ اسراف و تنعم‌زدگی و ... این امور از نظر قرآن، مانع حرکت و جنبش در جهت خیر و صلاح و تکامل جامعه هستند.^۸

ح) منطلق اسلام، آنجا که تشویق می‌کند از مال خود دفاع کن، به منظور تحریک به حرص و آز نیست؛ بلکه به دلیل «دفاع از حق» است که خود یک «ارزش» است.



۱. هدی للمتقین: بقره / ۲.

۲. یخشون ربهم بالغیب: طه / ۳۰.

۳. لیندر من کان حیا: یس / ۴۰.

۴. بقره / ۷.

۵. زخرف / ۲۳.

۶. احزاب، ۶۷.

۷. انعام / ۱۱۶.

۸. پیشین، ص ۲۳۴-۲۳۳.

همچنین آنجا که دفاع از ناموس را واجب می‌شمارد، نه به حساب بزرگ شمردن شهوت مادی است، بلکه به حساب دفاع از یکی از بزرگ‌ترین نوامیس اجتماع، یعنی «عفاف» است که مرد، حافظ آن قرار داده شده است.^۱

ط) در قرآن، به چهار عامل مؤثر بر اعتلاها و انحطاط‌های جوامع بشری اشاره شده که عبارتند از: عدالت و بی‌عدالتی (قصص / ۴)، اتحاد و تفرقه مؤمنین (انفعال / ۴۶)، اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر (مائده / ۷۹) و فسق و فجور و فساد اخلاقی. بنابراین، قرآن برای بسیاری از امور که مارکسیسم آن‌ها را روبنا می‌داند، نقش قاطع، تعیین‌کننده و مستقل قائل است.^۲

مارکسیسم متقدم و متأخر

جامعه‌شناسی مارکسیستی از بدو پیدایش تاکنون به اشکال گوناگونی تجلی یافته است. منظور از جامعه‌شناسی مارکسیستی اندیشه و تفکری است که از قرن نوزدهم با آثار کارل مارکس شروع شده و در مراکز علمی گوناگون مورد بحث قرار گرفته است؛ که به طور مشخص می‌توان از مارکسیسم، مارکسیسم - لنینیسم، استالینیسم، تروتسکیسم، مائوئیسم، مارکسیسم اروپایی و آمریکایی و دیگر گرایش‌های مورد نظر نام برد و در نهایت حکومت‌هایی متأثر از مارکسیسم تأسیس گردیده‌اند. (آزاد، ۱۳۷۶: ۱۷۶)

جامعه‌شناسی مارکسیستی حدود یک قرن و نیم اذهان بسیاری از روشنفکران را به خود مشغول داشته و بر مذاهب، ادبیات، تاریخ، سیاست، اقتصاد، روابط انسانی و به طور کلی اندیشه انسانی تا حدی اثر گذاشته است و البته اثرگذاری

۱. پیشین، ص ۲۲۹.

۲. پیشین، صص ۲۳۵ - ۲۳۷.

مارکسیسم به حدی بوده است که با مذاهب، ملیت، اقتصاد و تفکر فلسفی نوعی ترکیب حاصل کرده است.

به عنوان مثال:

مارکسیسم با فلسفه هگل توسط گرامشی و لوکاج - آغازگر مارکسیسم اروپایی - ترکیب شده است.

ترکیب مارکسیسم با روش تحقیق تجربی زمینه‌ساز مارکسیسم علمی تجربی بوده است.

ترکیب مارکسیسم با ساخت‌گرایی توسط آلتوسر، موجب تشکیل مارکسیسم ساختی گردیده است. (همان: ۱۷۷)

با وجود اینکه سیستم‌های سوسیالیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی افول کرد، اما گرایش‌ات فوق به یکباره دور ریخته نشده است. روشنفکران غربی در مورد مارکسیسم اصل را بر توقف گذاشته‌اند، ولی عده‌ای هم اصرار بر بقای مارکسیسم داشته و در این زمینه به ارائه نظریه پرداخته‌اند. این گروه معتقدند که

مارکسیسم جدای از نظامات سیاسی سوسیالیستی می‌تواند راه نجاتی در تقابل با سرمایه‌داری حاکم بیابد. (همان)



نظریه‌پردازان مارکسیست نیز مانند دیگر نظریه‌پردازان در پی ترکیب مارکسیسم با دیگر نظریه‌ها برآمده، از این راه به دیدگاه‌های جدیدی دست یافته‌اند.



در سده نوزدهم شماری از مارکسیست‌ها به جهت روشن شدن و بسط نظریه مارکس، نظریه‌پردازی نمودند. بعد از مرگ مارکس نظریه‌های مارکسیستی تحت سلطه

کسانی قرار گرفت که در این نظریه جبرگرایی علمی و اقتصادی می‌دیدند. والر اشتاین این دوره را عصر مارکسیسم سنت‌گرا نامید.



فردریک انگلس هم که حامی و همکار مارکس بود، خود جزو نخستین هواداران این چشم‌انداز به شمار می‌آمد. این نظر اساساً مبتنی بر این برداشت بود که نظریه علمی مارکس پرده از قوانین اقتصادی حاکم بر جهان سرمایه‌داری برداشته است. این قوانین سقوطِ گریزناپذیر نظام سرمایه‌داری را نشان می‌دهد.

نخستین اندیشمندان مارکسیست مانند کارل کائوتسکی در صدد برآمده بودند که شناخت درست‌تری از عملکرد این قوانین بیابند. این چشم‌انداز با مسائل گوناگونی همراه بود. از جمله آن که به نظر می‌رسید این نظریه ضرورت عمل سیاسی را که پایه موضع مارکس است، از بین برده است. یعنی دیگر نیازی به فعالیت سیاسی افراد و به ویژه کارگران احساس نمی‌شد. از آنجا که نظام سرمایه‌داری خواه ناخواه فرو می‌پاشید، تنها کاری که برای آنها می‌ماند دست روی دست گذاشتن و ماندن در انتظار سقوطِ گریزناپذیر این نظام بود.

دیالکتیک در یک سطح نظری مارکسیسم جبرگرایانه رابطه دیالکتیکی میان افراد و ساختارهای اجتماعی وسیع‌تر را نادیده می‌گیرد. (ریترز؛ ۵۱: ۱۳۷۴)

این مسائل به واکنشی در میان نظریه‌پردازان مارکسیست و رشد مارکسیسم هگلی در اوایل سده بیستم انجامید. مارکسیست‌های هگلی از فرو کاستن مارکسیسم به یک نظریه علمی که اندیشه و عمل فردی را ندیده گیرد، اکراه داشتند. آنها برای این مارکسیستِ هگلی نامیده شدند که می‌کوشیدند تعلق هگل به آگاهی که برخی مارکس را نیز در آن سهیم می‌دانستند را با علاقه

جبرگرایان به ساختارهای اقتصادی جامعه درآمیزند. از جهت نظری آنها اهمیت فرد، آگاهی و رابطه میان اندیشه و عمل را دوباره گوشزد کردند و از جهت عملی، بر اهمیت عمل فردی در به راه انداختن انقلاب اجتماعی تأکید کردند.



مهمترین هوادار این دیدگاه گنورگ لوکاچ بود به گفته مارتین ژی، لوکاچ بنیانگذار مارکسیسم غربی بود او نویسنده طبقه و آگاهی طبقاتی بود که عموماً سند منشور مارکسیسم هگلی نامیده می‌شود. (همان: ۵۲)

در سال ۱۹۷۷، بخش جامعه‌شناسی

مارکسیستی در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا ایجاد شد. امروز نه تنها نخستین نسل نظریه‌پردازان انتقادی در آمریکا به خوبی شناخته شده‌اند، بلکه نسل دوم آن، به ویژه یورگن هابرماس، شهرت شایانی پیدا کرده‌اند.

یکی از شاخه‌های مهم نظریه‌های مارکسیستی را گروهی از جامعه‌شناسان تشکیل می‌دهند که جامعه‌شناسی تاریخی از چشم‌انداز مارکسیستی انجام می‌دهند (برای مثال، اسکا کپول، ۱۹۷۱؛ والرشتاین، ۱۹۷۴). گروه دیگر، به تحلیل قلمرو اقتصادی از چشم‌انداز جامعه‌شناسی می‌پردازند (برای نمونه، باران و سوییزی، ۱۹۶۶؛ بریورمن، ۱۹۷۴؛ بوراووی، ۱۹۷۹) (همان: ۱۰۱).

مارکسیست‌های هگلی به این علت به مارکسیست‌های سنتی انتقاد دارند که بیشتر مارکسیست‌های سنتی جبرگرای اقتصادی بودند و همه عوامل اجتماعی را تحت الشعاع عامل اقتصادی و تقلیل‌پذیر به اقتصاد می‌دانستند. مارکسیست‌های هگلی مانند لوکاچ و گرامشی به این دیدگاه اقتصادی تک بعدی انتقاد داشتند و علاوه بر عوامل اقتصادی و مادی بر عوامل ذهنی و فرهنگی نظریه مارکس نیز

تأکید می‌کردند. آنها برای تکمیل دیدگاه مارکسیستی و بسط آن به عوامل ذهنی و فکری، به ریشه‌ای هگلی نظریه مارکس به ویژه در آثار اولیه‌اش روی آوردند. (همان: ۲۵۹)



از آنجا نظریات مکتب فرانکفورت به عنوان نظریه‌های انتقادی مشهور شده است که مکتب فرانکفورت بیشتر در برگیرنده انتقاد از جامعه نوین، نظریه‌های مارکسیستی، اثبات‌گرایی، جامعه‌شناسی و فرهنگ موجود بوده است، تا ارائه یک نظریه مثبت جدید. برای همین این مکتب به مکتب انتقادی معروف شده است. این

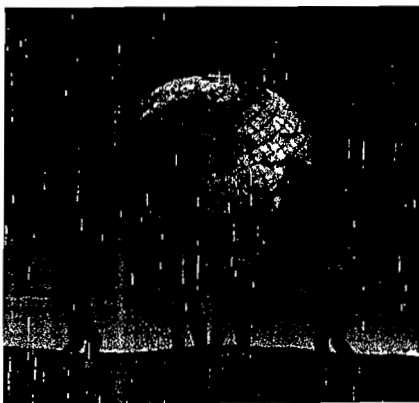
نظریه درصدد افشای ماهیت سرکوب‌گرانه جامعه نوین در ابعاد گوناگون است و می‌خواهد موانع رشد خلاقیت و شکوفایی انسان‌ها را در جامعه سرمایه‌داری و نیز سوسیالیستی تشخیص داده و با تشویق انسان‌ها به رفع این موانع، جامعه بازتر، آزادانه‌تر و انسانی‌تری را محقق سازد. (همان: ۲۶۰)

به اعتقاد هربرت مارکوزه، تکنولوژی در جامعه نوین در خدمت تسلط همه جانبه حاکمیت سرمایه‌داری عمل می‌کند. تکنولوژی بر خلاف ظاهرش، در جهان نوین بی‌طرف نیست و در واقع وسیله‌ای برای تسلط بر مردم به شمار می‌آید. تکنولوژی به حریم آزادی‌های درونی و فردی کنش‌گران تجاوز کرده و توان هرگونه تفکر انتقادی از روابط اجتماعی را از انسان گرفته است اما به نظر مارکوزه تکنولوژی ذاتاً چنین خصلتی ندارد، بلکه جامعه سرمایه‌داری به آن چنین ماهیتی را بخشیده است. (همان: ۲۶۱)

به نظر فرانکفورت، صنعت فرهنگی به ساختارهای عقلانی و دیوانسالاری، چون شبکه‌های تلویزیونی اطلاق می‌شود که روساخت فرهنگی جامعه نوین را ساخته و پرداخته است و به توده‌های مردم القا می‌کنند. صنعت فرهنگی تولیدکننده فرهنگ توده‌ای است که فرهنگی جهت داده شده، غیر خودجوش، چیزوار شده و ساختگی و دروغین است و به صورت افکار بسته‌بندی شده توسط رسانه‌های همگانی وارد ذهن مردم می‌شود. این فرهنگ در جهت ساکت کردن، سرکوبی و خرفت کردن توده‌های مردم عمل می‌کند. (همان)

هابرماس به عنوان آخرین نماینده مکتب فرانکفورت، دانش انتقادی را نظامی معرفتی می‌داند که منفعت آن، آزاد سازی بشر است. نظریه پردازان انتقادی امیدوار بوده‌اند که توده‌ها از طریق توسل به این دانش انتقادی سطح خود آگاهی‌شان را بالا برند و به جنبشی روی آورند که انسان‌ها را از قید و بندهای بازدارنده جامعه نوین رها سازد. (همان)

مارکسیست‌های ساختاری ساختارهای بزرگ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی را



مسلط و حاکم بر کنش‌گران فردی می‌انگارند و افراد را تنها به عنوان اشخاصی تصور می‌کنند که سمت‌ها و جایگاه‌های درون ساختارها را پر و اشغال می‌کنند و معتقدند که کنش‌گران فردی در برابر این ساختار، هیچ قدرتی ندارند و تنها در صورتی می‌توانند در تحولات اجتماعی نقش

بازی کنند که در چهارچوب جمعی و ساختاری عمل کنند. آنها برای کنش فردی و غیرساختاری کنش گران هیچ ارزشی قائل نیستند. (همان: ۲۶۳)

باران و سوییزی جامعه سرمایه‌داری نوین را مانند سرمایه‌داری در سده نوزدهم مبتنی بر رقابت آزادانه صاحبان سرمایه نمی‌دانند، بلکه معتقدند که سرمایه‌داری کنونی در چهارچوب انحصارات و قبضه و مهار فعالیت‌های اقتصادی در دست سرمایه‌داران بزرگ فعالیت می‌کند. به نظر باران و سوییزی، شرکت‌های اقتصادی مسلط بر نظام کنونی سرمایه‌داری، نیازی به رقابت در زمینه ارائه کالا با قیمت کمتر ندارند زیرا این شرکت‌ها با انحصار سرمایه‌ها و صنایع بزرگ در دست‌هایشان، بازار و قیمت‌ها را تحت نظارت خود درآورده‌اند و عامل رقابت اقتصادی را حذف کرده‌اند. (همان: ۲۶۴)

به عقیده بریورمن، شرایط سرمایه‌داری انحصاری کنونی نیاز به کارگران دستی را کاهش داده و بر حجم و تعداد کارگران خدماتی و یقه سفیدها افزوده است. بهبود تکنولوژی ضرورت استفاده از کارِ یدی و استخدام آن را به شدت تضعیف کرده، ولی نیاز به کارکنان خدماتی، تبلیغات و دفتری را سخت تقویت کرده است. برای همین است که بازارِ کارِ نوین سرمایه‌داری، پر از کارکنان یقه سفید شده و در واقع این امر یکی از ویژگی‌های این نظام به شمار می‌آید. (همان: ۲۶۵)

به عقیده بریورمن، ویژگی کارِ انسانی آن است که نخست درباره محصولی که می‌خواهد تولید کند، فکر و اندیشه می‌کند و سپس طرح فکری‌اش را عملی می‌سازد. به نظر او، نظام سرمایه‌داری این وحدت اندیشه و عمل را از هم گسیخته است به گونه‌ای که در این نظام، گروهی به تفکر و طراحی تولیدی می‌پردازند و به گونه‌ای تخصصی این بخش از کار را انجام می‌دهند و گروهی

دیگر تنها به کار عملی و پیاده کردن طرح‌های از پیش‌اندیشیده‌ی تولیدی می‌پردازند. هیچ کدام از این دو گروه درک و احساسی از جامعیت و یکپارچگی کار تولیدی ندارند. (همان)

تخصص بیش از اندازه و پاره پاره شدن اجزای کار در جامعه‌ی بیش از اندازه تخصصی سرمایه‌داری، پدیده کارگر جزئی کار را پدید آورده است، کارگری که نمی‌تواند انواع قابلیت‌ها و توانایی‌های فردیش را متجلی سازد و تنها می‌تواند بخش کوچکی از مهارت‌هایش را به کار بندد. به همین دلیل، رضایت و خرسندی از جریان کار و فعالیت کاری رخت بر بسته و کارگر جزئی کار که محصول این شرایط است، احساس می‌کند بر اثر کار تخصصی و بسیار جزئی‌اش خودش نیز تکه پاره شده است. بریورمن می‌گوید که تکنولوژی به جای آنکه رنج‌ها و سختی‌های کار را برای کارگران نوین کاهش داده و مایه فراغت و برخورداری بیشتر آنها شده باشد، با بهبود تکنیک‌ها و شگردهای نظارت کار، انقیاد آنها را به جریان کار تشدید کرده و اعمال نظارت بر کار آنها را آسانتر کرده و مایه استثمار هر چه بیشتر و کاملتر آنها شده است. (همان)

بر اثر کاربرد کامپیوتر و تجهیزات کامپیوتری و در نتیجه مکانیزه شدن بیش از پیش کار دفتری، این‌گونه کارکنان دیگر به عنوان کارکنان ماهر و بالاتر از سطح کارگران صنعتی چندان مطرح نیستند و از سلسله مراتب کار به سطح پرولتاریا نزول کرده‌اند. این گروه نیز مانند کارگران صنعتی به کارهای ساده و از پیش تعیین شده‌ای چون بایگانی و پانچینگ می‌پردازند و برای انجام دادن این کارها به مهارت و قابلیت تخصصی زیادی نیاز ندارند. (همان: ۲۶۵)

در نظام جهانی والراشتاین جهان به سه منطقه جغرافیایی تقسیم شده است که عبارتند از: منطقه هسته‌ای، منطقه پیرامونی و منطقه نیمه پیرامونی. منطقه هسته‌ای بر اقتصاد جهانی تسلط دارد و بقیه‌ی نظام را استثمار می‌کند. منطقه‌ی پیرامونی مواد خام را برای منطقه هسته‌ای فراهم می‌کند و به شدت تحت استثمار منطقه‌ی هسته‌ای است. منطقه نیمه پیرامونی حوزه‌هایی را در برمی‌گیرد که در حد فاصل استثمار کردن و استثمار شدن قرار دارند. این تقسیم‌بندی بر اساس تقسیم کار و تفوق اقتصادی در سطح بین‌المللی تنظیم شده و با مرزهای دولتی و ملی مشخص نمی‌شود، بلکه نوعی تقسیم‌بندی با اهداف جهانی است. (همان: ۲۶۶)



اسکاک پول بر خلاف مارکسیست‌های ساختاری دیگر برای دولت و نقش آن در تحولات اجتماعی اهمیت زیادی قائل است. او دولت را به عنوان ساختاری در نظر می‌گیرد که منطبق و منافع‌ی خاص خود دارد و منافعش لزوماً

با مصالح طبقه مسلط جامعه یکسان و درآمیخته نیست. او برای عوامل سیاسی نقشی فرعی قائل نیست و معتقد است که این عوامل بر انقلاب‌ها و تحولات اجتماعی تأثیری اساسی و مستقیم دارند و در هرگونه بررسی انقلاب‌های اجتماعی بیشتر باید بر نفوذ عوامل سیاسی و دولتی تأکید داشت تا عوامل اقتصادی. (همان: ۲۶۶)

آخرین باز تولیدهای مارکسیسم در قالب اندیشه‌های پست مدرن را فردریک جیمسون مطرح نموده است. جیمسون معتقد است که نظام سرمایه‌داری با وجود پذیرش یک منطق فرهنگی تازه و ما بعد نوین همچنان بر



جهان اجتماعی تسلط دارد و پیوندهایش را با صورت‌های پیشین سرمایه‌داری همچنان حفظ کرده است. پذیرش منطق فرهنگی مابعد نوین برای ابقای نظام سرمایه‌داری است و تأثیر چندانی بر ساختارهای این نظام ندارد. (همان: ۸۲۸) برای این که سرمایه‌داری همچنان که در عرصه تولید کالاهاى مادى و اقتصادى

خواستار تولید انبوه و نوبه نو است و از باب کردن مدها و سلیقه‌های مصرفی تازه برای آب کردن تولیدات خود استفاده می‌کند، در عرصه فرهنگی نیز می‌خواهد کالاهای فرهنگی و مد روز را با نشان‌ها، رنگ‌ها و شکل‌های تازه، تولید انبوه کرده و به بازار عرضه کند. برای همین است که نه تنها با این نوآوری‌های گذرای فرهنگی مخالفت نمی‌کند، بلکه از طریق انواع حمایت‌های نهادی و کمک‌های مالی این نوع نوآوری‌ها را که باعث گرمی بازار کالاهای فرهنگی می‌شوند، تشویق و تقویت می‌کند. او فرهنگ واقع‌گرایانه را به سرمایه‌داری بازاری، فرهنگ نوگرایانه را به سرمایه‌داری انحصاری و فرهنگ مابعد نوین را به سرمایه‌داری چند ملیتی نسبت می‌دهد.

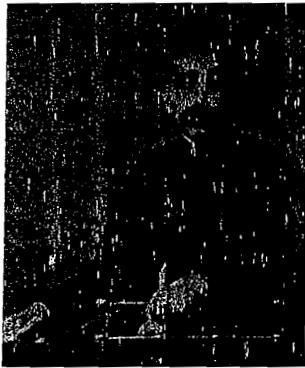
(همان: ۸۲۹)

جریان مارکسیستی در ایران^۱

۴.۱. پیشینه تاریخی و ریشه‌ها:

سابقه ورود مکتب سوسیالیسم به ایران به اوایل قرن گذشته و در اوان جنبش مشروطه باز می‌گردد. اما نحله‌های این تفکر در دهه ۲۰ هجری شمسی و پس از روی کار آمدن کمونیست‌ها در اتحاد جماهیر شوروی تقویت شده و باز نمود مارکسیستی کمونیستی با تلاش چهره‌هایی چون دکتر تقی ارانی و تشکیل گروه ۵۳ تن انجام گرفت.

در مرداد ۱۳۳۲ احزاب و سازمان‌های متمایل به مارکسیسم دو گروه فعال در داخل ایران و یک گروه فعال در تبعید را شامل می‌شد. دو گروه فعال در ایران عبارت بودند از حزب توده ایران که در سال ۱۳۲۰ تأسیس شده بود، و گروه



مارکسیستی بسیار کوچکتری که در سال ۱۳۲۶ از حزب توده منشعب شده و به نیروی سوم معروف بوده است. گروه فعال در خارج از ایران بازمانده‌ی فرقه‌ی دموکرات آذربایجان بود که حکومت آن را در سال ۱۳۲۵ در هم شکسته بود، اما در این زمان حضور نمادین خود را در باکو، پایتخت آذربایجان شوروی حفظ می‌کرد.

۱. منبع: شورشیان آرمان‌خواه: بهروز، مازیار (۱۳۸۰)، ناکامی در ایران، ترجمه: مهدی پرتویی، تمدن، انتشارات

تاریخ کمونیسم در ایران با حزب توده‌ی ایران، حزب عمده مارکسیستی در ایران، مترادف بود. حزب توده تنها یک ماه پس از آن که نیروهای متفقین به حکومت استبدادی رضا شاه پهلوی پایان دادند، تأسیس شد. در حالی که حزب توده خود را وارث به حق حزب کمونیست قدیم ایران (۱۳۱۰-۱۲۹۹) و گروه ۵۳ نفر (دهه ۱۳۱۰) قلمداد می‌کرد اما، واقعیت این است که این حزب در ابتدا به عنوان یک حزب کمونیست پایه‌گذاری نشد، یعنی هدف نهایی آن استقرار یک دولت سوسیالیستی نبود، بلکه به عنوان جبهه متحد نیروهای ضدفاشیستی و طرفدار قانون اساسی شکل گرفت، در واقع نام توده بازیابی از همین واقعیت بود. دبیر حزب در دو سال نخست، سلیمان میرزا اسکندری، یک شاهزاده قاجار بود که تازه سوسیال دموکرات شده بود و به اتحاد شوروی دلبستگی داشت اما یقیناً کمونیست نبود. از این رو بنابر برخی ملاحظات، شوروی‌ها نفوذ خود را به کار بردند تا حزب توده نه به عنوان یک حزب کمونیست، بلکه بیشتر به عنوان یک حزب دموکراتیک عام، شامل همه طبقات اجتماعی، تشکیل شود. از آنجا که شوروی‌ها نقش مهمی در تأسیس و جهت‌دهی حزب توده داشتند، دامنه وابستگی حزب توده به شوروی، در سراسر زندگی این حزب به خصوصیت عمده آن تبدیل شد.

۴.۲. تحولات و دگرگونی‌های درونی

گاه شمار رویدادها (۴۰-۱۳۲۰)

- ۷ مهر ۱۳۲۰ : تأسیس حزب توده ایران.
- فروردین ۱۳۲۳ : تصویب اعتبارنامه‌ی اعضای حزب توده در مجلس چهاردهم.
- مرداد ۱۳۲۳ : نخستین کنگره حزب توده.
- دی ۱۳۲۶ : نخستین انشعاب بزرگ، در حزب توده. شخصیت‌هایی چون خلیل ملکی، انور خامه‌ای، جلال آل‌احمد، نادر نادرپور و ابراهیم گلستان در میان انشعاب‌کنندگان بودند.
- ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۷ : دومین کنگره حزب توده.
- ۲۴ آذر ۱۳۲۹ : ده تن از رهبران بلند پایه حزب توده از زندان فرار کردند. نورالدین کیانوری و خسرو روزبه جزء آنها بودند.
- ۴ مهر ۱۳۳۳ : چاپخانه اصلی و مخفی حزب توده، که نشریه «مردم» را چاپ می‌کرد، کشف و ضبط شد. بازداشت محمد بهرامی، دبیر اول و علی علوی و امان‌الله قریشی، اعضای کمیته مرکزی حزب توده. قریشی مسئول تشکیلات تهران حزب توده بود و بازداشت او نشانه نابودی بخش مهمی از شبکه‌ی حزب بود. بقایای سازمان نظامی حزب توده، به رهبری خسرو روزبه، کشف و نابود شد.
- بهمن ۱۳۳۴ : هنیت نمایندگی حزب توده به ریاست رادمنش در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرد. حزب پیشنهاد استالین‌زدایی را که خروشجف آغازگرش بود پذیرفت.
- آبان ۱۳۳۶ : ایستگاه مخفی حزب توده (پیک ایران) بخش برنامه‌های ضد رژیم را از جمهوری دموکراتیک آلمان و سپس (۱۳۳۸) از بلغارستان آغاز کرد.
- ۱۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ : خسرو روزبه اعدام شد و فعالیت‌های سازمان یافته‌ی حزب توده در داخل ایران متوقف گردید.
- خرداد ۱۳۳۹ : پلنوم هفتم حزب توده وحدت با فرقه دموکرات آذربایجان را تصویب کرد. حزب توده رسماً مارکسیسم - لنینیسم را به عنوان ایدئولوژی حزب پذیرفت.

دهه ۱۳۴۰ با یک دوره سه ساله ناآرامی، تشدید سرکوب سیاسی و اصلاحات و به دنبال آن باز هم یک سرکوب عنان گسیخته آغاز شد. در سال

۱۳۴۱، شاه یک فرایند اصلاحی را آغاز کرد که به تغییر ایران از یک جامعه مبتنی بر کشاورزی، پیش - صنعتی و پیش - سرمایه‌داری به یک جامعه نیمه صنعتی سرمایه‌داری و آماده ی ادغام در نظام اقتصادی جهانی کمک کرد. هسته‌ی مرکزی این برنامه‌ی اصلاحی، که شاه دوست داشت آن را «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» بنامد، اصلاحات ارضی بود.

انشعاب اول در بهمن ۱۳۴۲ و در نتیجه نارضایتی از رهبر حزب، ناتوانی آن در ارزیابی انتقادی گذشته و سازماندهی مقاومت در ایران روی داد. این گروه از انقلاب کویا طرفداری می‌کرد، بی‌آنکه واقعاً اطلاع چندانی از آن داشته باشد، اما بعداً که اختلاف بین خط‌مشی چین و شوروی بالا گرفت، این مخالفان حزب توده را یک حزب تجدیدنظر طلب (رویزیونیست)^۱ و اتحاد شوروی را یک دولت سوسیال امپریالیست که در آن سرمایه‌داری احیا شده است، نامیدند. این حزب جدید که خود را سازمان انقلابی حزب توده ایران می‌نامید، در میان دانشجویان جوان توده‌ای فعال در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپای غربی پایگاه داشت. به گفته‌ی یک منبع، در واقع «انشعاب مائوئیستی بزرگترین انشعاب در تاریخ حزب بود و بخش مهمی از هواداران حزب در غرب، شاید ۹۰ درصد آنها، را با خود بُرد.»

دومین انشعاب در حزب توده هنگامی فرا رسید که سه عضو رده بالای حزب در سال ۱۳۴۴ به خاطر نظرات مائوئیستی اخراج شدند. این سه نفر یعنی

۱. رویزیونیسم (Revisionisme) را تجدیدنظرطلبی ترجمه کرده‌اند و مقصود از آن عبارتست از جریانی در جنبش کارگری که در اصول اساسی مارکسیسم بدون هیچگونه محمل عینی تجدیدنظر می‌کند، این اصول را نفی می‌کند، آن‌ها را تحریف می‌کند و محتوی انقلابی و اساس تعالیم مارکسیستی را از بین می‌برد. به عبارت دیگر رویزیونیسم یعنی تجدیدنظر کردن در برخی احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم بدون آن که شرایط عینی ضرور برای چنین تجدید نظری وجود داشته باشد. رویزیونیسم که نفی اصولی جهان‌بینی پرولتاریاست مستقیماً طبقه کارگر را از سلاح تئوریک خود محروم می‌کند و در نتیجه به سرمایه‌داری خدمت می‌کند.

حسن [عباس] م. سغایی، احمد قاسمی و غلامحسین فروتن به جناح تندرو تعلق داشتند و دو نفر آخر عضو کمیته مرکزی بودند. از آن گذشته، از آن جا که چین به رهبری مائو شروع به ارائه یک بدیل رادیکال تر کرده بود، این سه تن به خط و مشی چینی در حزب توده پیوسته و از آن دفاع می کردند.

بدین ترتیب گروه سه نفره از سازمان انقلابی اخراج شد و سازمان



مارکسیستی - لنینیستی توفان را تشکیل داد که در دفاع از نظراتش جزوه‌هایی را در اروپا منتشر می کرد. سغایی کمی پس از جدایی از سازمان انقلابی درگذشت. قاسمی و فروتن نیز در دهه ۱۳۵۰ با هم اختلاف پیدا کردند. توفان هیچ‌گاه نتوانست در داخل کشور جای پای ایجاد کند و تا انقلاب سال ۱۳۵۷ به صورت یک گروه مخالف در خارج از کشور باقی ماند.

مبارزه سیاسی حزب توده در دهه ۱۳۵۰، نسبت به دهه پیش از آن دشوارتر بود. از آغاز دهه ۱۳۵۰ حزب نه تنها می‌بایست با مسئله تجدید سازمان در داخل کشور بلکه همچنین با چالش‌های به وجود آمده از طرف گروه‌های مائوئیست منشعب از خود یعنی سازمان انقلابی توفان و نیز گروه‌های چریکی داخل کشور روبرو شود.

مارکسیست‌های ایران از میان خاکسترهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوباره قد علم کرده و پس از ۳۰ سال مبارزه در نهایت دوباره در ۱۳۶۰ زمین خوردند. در سال ۱۳۶۲، حزب توده و فداییان اکثریت غیرقانونی اعلام شدند و آخرین فعالیت قانونی سازمان‌های مارکسیستی در ایران به پایان رسید. طی

بقیه‌ی سال‌های دهه‌ی ۱۳۶۰ برخی فعالیت‌های مخفی ادامه یافت، اما با پایان یافتن این دهه، این فعالیت‌ها نیز در نتیجه مستقیم فروپاشی و از دست دادن حمایت عمومی، روبه زوال رفت. آغاز اصلاحات گورباچف در اتحاد شوروی و به دنبال آن فروپاشی سوسیالیسم در اروپای شرقی آخرین ضربه را به مارکسیسم سازمان یافته در ایران وارد ساخت اما ریشه‌ی نابودی آن نبود، چرا که این فرایند مدت‌ها پیش از آنکه پرسترویکا و گلاسنوست^۱ به اصطلاحات رایجی تبدیل شوند، آغاز شده بود.

در نمایی کلی این جریان نتوانست مشکل جدی برای جمهوری اسلامی بوجود آورد ادعای آنها این بود که شکست در عرصه عمل بر شکست به واسطه انفعال و بی‌عملی ترجیح دارد.

۱. واژه‌ی (پرسترویکا) کلمه‌ای روسی به معنای (تجدیدبنا یا تجدیدساخت مکانیسم اقتصادی) است. اما این واژه از زمانی رایج شد که (میخائیل گورباچف) در سال ۱۹۸۵م در اتحاد جماهیر شوروی سابق به رهبری کشور برگزیده شد (۱۱ مارس ۱۹۸۵) و سپس در بیست و هفتمین کنگره‌ی حزب کمونیست شوروی (۲۵ فوریه تا ۶ مارس ۱۹۸۶) ضمن انتقادات بسیار بر سیاست‌های دوره‌ی برژنف (بدون این که از او نامی ببرد) خواهان ارائه‌ی برنامه‌ای برای (پیشرفت اقتصادی کشور) (۱۹۸۶ - ۲۰۰۰) گردید که در زمینه‌ی اقتصادی به نام (پرسترویکا) نامیده شد و در قلمرو سیاسی خواهان (گلاسنوسف) (فضای باز سیاسی) بود. اصطلاح (گلاسنوسف) را (آندره پوف) دبیرکل قبلی حزب کمونیست شوروی به سال ۱۹۸۲ میلادی به کار برده بود. گورباچف به عنوان رهبری شوروی در سخنان خود در شهر (خاباروفسک)، اصلاحات یا (پرسترویکا) را (انقلابی دیگر) یا (دومین انقلاب روسیه) (پس از انقلاب ۱۹۱۷) نامید. جوهر (پرسترویکا)ی گورباچف (لیبرالیزه کردن اقتصاد و ساختار سیاسی قدرت در اتحاد شوروی و گام برداشتن بسوی اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال و مبتنی بر بازار آزاد و نیز دست کشیدن شوروی در عرصه‌های جهانی از داعیه‌های انقلابی و ایدئولوژیک و ضد آمریکایی بود).

۴.۳. طیف‌های درونی

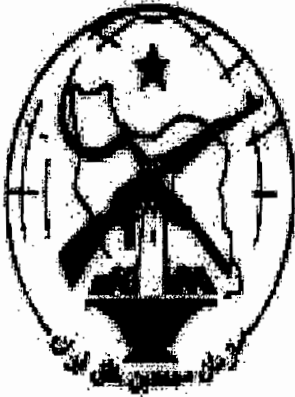
رقابت درونی از آغاز در حزب توده وجود داشت و اذامه یافت و در قلعج کردن حزب در برابر کودتا نقش مهمی ایفا کرد. به گفته یکی از رهبران سابق حزب، «وجود دو جناح در رهبری حزب توده ایران را می‌توان مثل خط قرمزی در تاریخ ۳۸ ساله حزب توده در ایران و در تبعید مشاهده کرد.»

برای این دو جناح نام‌های مختلفی را می‌شد به کار برد: افراطی و محافظه کار، چپ و راست، یا تندرو و میانه رو. هر دو جناح در ستایش اتحاد شوروی مشترک بودند و به تدریج که حزب به یک حزب کمونیست طرفدار شوروی تبدیل شد، از روایت شوروی از مارکسیسم - لنینیسم طرفداری می‌کردند و در برابر گروه انشعابی خلیل ملکی (نیروی سوم)

موضع مشترکی داشتند. کنگره دوم حزب به این جناح‌ها شکل قطعی تری بخشید و نهضت ملی شدن نفت اختلاف این دو را تشدید کرد.

اعضای اصلی جناح تندرو فعالان جوانی چون نورالدین کیانوری، احسان‌الله طبری و امان‌الله طبری، امان‌الله قریشی و احمد قاسمی، غلامحسین فروتن و همچنین اعضای سالمندتری چون آوانسیان و عبدالصمد کامبخش بودند.

اعضای اصلی جناح راست یا میانه‌رو عبارت بودند از مرتضی یزدی، ایرج اسکندری (هر دو از قدیمی‌های گروه ۵۳ نفر)، رضا رادمنش، فریدون کشاورز، حسین جودت و نادر شرمینی. این جناح گرچه در ابتدا مخالف مصدق بود اما به تدریج به طرف پذیرش رهبری او حرکت کرد.



دو هسته از مهمترین هسته‌های مارکسیستی دهه ۱۳۴۰ گروه جزنی - ظریفی و گروه احمدزاده - پویان بودند. اهمیت این دو گروه از دو جهت است: نخست اینکه هر دو گروه پیشگام تدوین و برداشتن نخستین گام‌های عملی مبارزه چریکی در ایران بودند؛ دوم اینکه از هر دو گروه تعداد کافی باقی ماندند تا در دهه ۱۳۵۰ به حملات چریکی علیه رژیم شاهنشاهی دست بزنند. در واقع، چریک‌های فدایی از ادغام این دو گروه در [فروردین] سال ۱۳۵۰ به وجود آمد.



سازمان مجاهدین خلق ایران (مارکسیست - لنینیست) در سال ۱۳۵۴ از درون سازمان مجاهدین مسلمان تولد یافت. اکثریت سازمان، که معمولاً مجاهدین مارکسیست نامیده می‌شدند، به دیگران پیوستند تا در بهمن ۱۳۵۸ سازمان پیکار را به وجود آورند. روشنفکران مسلمان مبارز در سال ۱۳۴۴ به قصد دست زدن به مبارزات مسلحانه علیه رژیم، سازمان مجاهدین مسلمان را تشکیل دادند. افزون بر این گروه‌ها، سازمان‌ها و حزب‌هایی که به نحوی در ایران فعال بودند، دهه ۱۳۵۰ شاهد ظهور گروه‌هایی بود که در خارج فعال بودند. اهمیت آنها در این بود که بخشی از جنبش عمومی ضد رژیم شاه در خارج بودند که عمدتاً در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی متمرکز شده بودند و در پشتیبانی از جنبش چریکی نقش ایفا می‌کردند و یا این که پس از انقلاب فعال شدند.

۴.۴. رویکردها و اهداف

جنبش کمونیستی ایران در دهه ۱۳۴۰ دستخوش یک تغییر نسل شد. رخدادهای پر آشوب دهه ۱۳۴۰ مَهر و نشان خود را بر این جنبش نهاد و جنبش آماده رویارویی با چالش‌های تازه شد. شکست سال ۱۳۴۲، رقابت بین‌المللی ابرقدرت‌ها بر سر ایرانیان، شکاف بین چین و شوروی و ظهور مائوئیسم به عنوان بدیل روایت شوروی از سوسیالیسم، و از همه مهم‌تر پیروزی نهضت‌های رهایی بخش در گوشه و کنار جهان، همه بر مارکسیسم ایران اثر گذاشت.

در حالی که ضربه‌های دهه‌ی پیشین موجب پدید آمدن جو ناکامی و ناامیدی در آغاز دهه ۱۳۴۰ شده بود، در پایان این دهه بخش عمده‌ای از مارکسیست‌ها با برنامه‌ی تازه‌ای به میدان آمدند و با وجود دشواری‌های بزرگ، آماده‌ی اجرای آن بودند. این دهه مظهر یک دوران گذار و احیای جنبش بود. نسل جدید مارکسیست‌ها از سازماندهی به سبک حزب توده - که تنها در شرایط قانونی و نیمه قانونی قادر به عمل بود و به قدرت‌های بیگانه تکیه داشت - فاصله می‌گرفت تا تشکیلاتی مستقل از نفوذ خارجی و متناسب برای شرایط سرکوب شدید و حکومت پلیسی فراهم آورد.

جناح چپ یا تندرو حزب توده برداشت جزمی‌تری از مارکسیسم داشت و بر رهبری طبقه‌ی کارگر و قواعد حزبی بیشتر اصرار می‌ورزید. تندروها در کل، مخالف دولت ملی‌گرا بودند.

تندروها برای پیشبرد مقصود خویش، از توان تشکیلاتی قابل ملاحظه‌ی خود در درون حزب بهره می‌بردند که نتیجه آن سیاست‌های افراطی و چپ روانه در مخالفت با دولت ملی‌گرا بود، و این سیاست‌ها تنها در زمانی تغییر کرد. که به دنبال قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، چرخشی در اوضاع پدیدار شد.

میان‌روهای حزب توده بر نقش رهبری طبقه کارگر و حزب تأکید نداشتند و بر این نظر بودند که می‌توان یک جبهه متحد با نیروهای غیر کمونیست را بدون نقش مسلط حزب پذیرفت. آنها از مارکسیسم برداشتی مردم باورانه‌تر داشتند و به حزب توده نه به عنوان حزب طبقه کارگر، بلکه به عنوان حزب زحمتکشان، که دیگر طبقات محروم را نیز نمایندگی می‌کرد، می‌نگریستند. سیاست پشتیبانی ملی‌گرایان تا حد پیروی حزب توده از سیاست‌های ملی‌گرایان پس از سی تیر ۱۳۳۱، نتیجه دست بالا گرفتن این جناح بود.

مجاهدین مارکسیست در شهریور ۱۳۵۴ گرویدن خود را به مارکسیسم اعلام کردند و تا سقوط رژیم شاه به استفاده کامل از نام سازمان، که در این هنگام تناقض‌آمیز می‌نمود، ادامه دادند و حتی آرم مجاهدین را با اندکی تغییر حفظ کردند. تا آنجا که به دامنه انشعاب مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد که مجاهدین

مارکسیست توانستند کنترل بخش عمده‌ی سازمان را در اختیار گیرند، گرچه مجاهدین مسلمان تأکید داشتند که تنها ۲۰ درصد طرفدار انشعاب هستند.



مجاهدین مارکسیست، در پذیرش مارکسیسم، توجه خاصی به نظرات مائو

مبذول داشتند و سازمان از ابتدا به استالینیست - مائوئیست مشهور بود. مجاهدین مارکسیست دیرآمدگان به خانواده مارکسیست‌های ایران بودند، اما در مورد چگونگی پیشبرد مبارزه نظرات سرسختانه‌ای داشتند. به نظر می‌رسد با وجودی که از فرایند تغییر مواضع رهبران اصلی به مارکسیسم در سال ۱۳۵۴ تنها دو سال می‌گذشت، رویکرد و برخورد سازمان با دیگر گروه‌های مارکسیستی توأم با

اعتماد به نفس بود. باید خاطرنشان کرد که مجاهدین، چه مسلمان چه مارکسیست بر خلاف فداییان، هیچ‌گاه تحلیلی عمیق یا نظام‌مند از برنامه‌ی اصلاحات ارضی، تحولات اقتصادی - اجتماعی اوضاع ایران، و شاید از همه مهم‌تر، مبارزه‌ی مسلحانه ارائه نکردند. مختصر تحلیلی که از جامعه‌ی ایران وجود داشت، مربوط به دوره اسلامی پیش از انشعاب بود. از آن گذشته، با وجود آن که شاید این تغییر مواضع، بنا به گفته یکی از محققین، ناگهانی و نامنتظره نبود، اما به نظر می‌رسد که این تنها برای اعضای کلیدی صادق بوده است و اعضای عادی در یک دوره نسبتاً کوتاه تغییر موضع دادند.

مجاهدین مارکسیست در رخدادهای انقلابی‌ای که به سرگونی رژیم انجامید شرکت کردند، اما به اعتراف خودشان نقش آنها، در مقایسه با فداییان، غیرنظامی و حاشیه‌ای بود.



فصل دوم - جریان مارکسیسم دانشجویی در ایران

تاریخچه و روند شکل‌گیری

الف) پیش از انقلاب شکوهمند اسلامی

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های دانشجویی به نام جریان چپ نامگذاری گردید. جنبش دانشجویی نه تنها خصلت رادیکالی خود را از مشرب اندیشه چپ به ارث برده بلکه در شیوه و عمل، انتخاب شعارهای خود را از ایدئولوژی مبارزاتی چپ‌گرایان الهام گرفته است. به فاصله اندکی پس از آنکه سنگ بنای دانشگاه تهران در دوره رضاخان (۱۳۱۳) پایه‌گذاری شد، اولین گروه از دانشجویان چپ‌گرای ایرانی عزم ورود به صحنه سیاست را پیدا کردند. طیف سوسیالیست‌ها و هواداران حزب توده با تکیه بر تحولات دنیای چپ و روابط تشکیلاتی گسترده خود به ایجاد شاخه جوانان و دانشجویان همت گماشتند. فعالین این جریان در دانشگاه تحت عنوان سازمان دانشجویان دانشگاه تهران فعالیت می‌نمودند و گفتمان آنها مبارزه با امپریالیسم، مساوات و برابری بود. این گرایش در بحث اصلاح و دگرگونی جامعه ایران بر تر معروف «راه رشد غیر سرمایه‌داری» تأکید می‌کرد.

ب) بعد از انقلاب اسلامی

با شکل‌گیری نظام نوپای اسلامی در پهنه گسترده ایران و با توجه به خلأهای جامعه‌شناختی موجود گروه‌های مختلف دانشجویی چپ در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی فعالیت نمودند و توانستند به عنوان یک جریان منسجم سیاسی در دانشگاه‌ها بخشی از جوانان این مرز و بوم را با استفاده از شعارهای گمراه‌کننده، جذب نمایند.

دوره جدید فعالیت جریان‌های دانشجویی چپ، با گفتمان آزادی و برابری و نفی هرگونه مالکیت خصوصی در فضای دانشجویی بعد از سال‌های ۱۳۷۸ در دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر با انتشار دو نشریه دانشجویی با عنوان مشترک «گون» آغاز می‌گردد. می‌توان انتشار این نشریه را اولین نماد عینی شکل‌گیری جریان چپ دانشجویی در دانشگاه‌ها نامید.

در دو دهه گذشته آرمان اصلی جنبش دانشجویی ایران رسیدن به عدالت واقعی مبتنی بر اسلام بود. در سال‌هایی که شعارهای دموکراسی خواهی، توسعه سیاسی، اصلاحات در قانون اساسی و... فضایی کاذب را برای حرکت دانشجویی ایجاد نموده بود، قسمت عمده‌ای از بدنه‌ی جریان دانشجویی همواره به نحوه و چگونگی اجرای عدالت توجه نشان می‌دادند. این آرمان و هدف متعالی (وصول به عدالت در تمامی جنبه‌ها) از آنجا که با اصول اولیه جنبش دانشجویی مطابق بود به تدریج در بطن حرکت‌های دانشجویی تثبیت شد و به صورت ظاهری، نمود شکلی خود را در درون دانشگاه‌ها نیز پیدا کرد.

در این میان گروه‌هایی نظیر انجمن اسلامی (دفتر تحکیم وحدت) وجود داشتند که در سخنان، برنامه‌ها و بیانیه‌های خود به ایجاد تنش و بحران‌آفرینی

در مسائل سطحی و غیرمرتبط با دانشگاه

مشغول بودند و اگرچه بعضی اوقات

توانستند قسمتی از بدنه دانشجویی را با خود

همراه نمایند ولی در بلندمدت به دلیل مبتنی

نبودن حرکت و اهدافشان با آرمان‌های

اصیل حرکت دانشجویی (ستیز با استکبار،

برقراری عدالت و حقیقت‌جویی) به تدریج



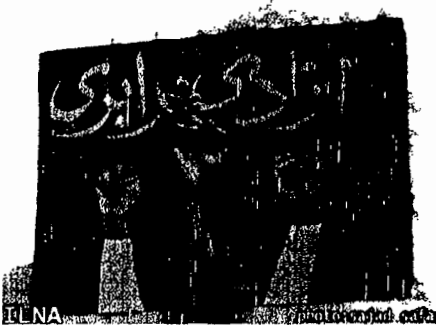
در دانشگاه‌ها تنها ماندند و به طیف‌ها و نحله‌های متعدد تقسیم شدند. این گروه‌ها در زمانی که دیگر تمامی آرمان‌ها و اهداف مورد نظر این گروه‌ها از سوی مردم و دانشجویان مورد تردید قرار گرفته و نفی شده بود. بازگشت دوباره به میان دانشجویان، مجاری فکری آنها را دوباره به جریان انداخت. لذا سعی نمودند که این بار با زبانی آشنا و مورد توجه دانشجویان به میدان عرض اندام سیاسی و اجتماعی دانشگاه بیایند.

برخی از مسئولین این جریان که دارای اختلاف شدیدی با دیگر اعضاء بودند مبادرت به تشکیل گروه‌هایی تحت عنوان «گروه‌های چپ» با مرام «سوسیالیستی» نمودند. چرا که در این گروه‌ها هم فریاد حمایت از خلق توده و فقرا بود و هم مبارزه با امپریالیسم سلطه‌جوی آمریکا. تنها یک قضیه باقی می‌ماند که چگونه دموکراسی و آزادی که سال‌ها مدعی آن بودند را در کنار مرام سوسیالیستی سرکوب‌گر توجیه نمایند که برای آن راه‌کاری جز ابداع برخی واژه‌ها پیدا ننمودند و در این راه نیز از برخی تحکیمی‌های سابق که آشنا به علوم فلسفی بودند کمک گرفتند.

اولین حضور

پس از وقایع خرداد ۸۲ که با اعتراض به پولی شدن دانشگاه شروع شد، گروه‌های یاد شده به این نتیجه رسیدند که می‌توان با شعار دادن در حوزه برابری و عدالت‌طلبی

از فرصت به دست آمده برای متهم نمودن نظام به بی‌عدالتی و طرح خود به عنوان حامی اصلی «برابری و عدالت» استفاده کنند.



این چنین بود که در ۱۶ آذر ۸۲ پس از سال‌ها غیبت جریان چپ در دانشگاه‌ها بار دیگر با پلاکاردهایی با شعار «پیوند دانشجوی و کارگر» و شعارهای «برابری طلبی» و «آزادی طلبی» که آشکارا نماد مارکسیستی را نیز به همراه داشت و در مقیاس گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفت به صحنه آمد. همچنین حضور افرادی با ژست چپ (اورکت و کلاه چه‌گوارایی) توجهات ویژه‌ای را به خود جلب نمود.

عوامل شکل‌گیری و گسترش رویکردهای مارکسیستی در دانشگاه‌ها^۱

الف) مهم‌ترین مسئله، فقر است. اگر دانشجویی خانواده‌اش جزء طبقات متوسط به پایین جامعه باشد بحث‌های عدالت‌محور و مسائل مبارزه‌ی طبقاتی برایش خیلی جذاب و مهم خواهد بود. این [امر]، مخصوصاً در طیف «خاک» بسیار مشهود است. بقیه‌ی طیف‌ها مثل «دانشگاه و مردم» چون خودشان خانواده‌های مرفهی دارند اکثراً مباحث جهانی‌سازی و محیط‌زیست و ... را کار می‌کنند.

ب) بحث دیگر مربوط به تجارت جهانی، سبزه‌ها و اعتراضات راجع به سازمان‌های مالی بین‌المللی است که در رسانه‌ها و اینترنت دانشجویها می‌بینند و برای اطلاع از چند و چون کار به سراغ کسانی می‌روند که نشریه چپ منتشر می‌کنند.

۱. اظهارات ع.ت «از فعالین چپ مؤثر در دانشگاه‌ها».

ج) یک عامل دیگر هم شکست سیاست‌های اصلاح‌طلبان دوم خردادی بود و مسائلی که سر قضیه انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری بوجود آمد و اینکه راست‌ها بعد از شکست در انتخابات و عدم پذیرش اصل ماجرا در بن‌بست گیر کرده‌اند ولی برای چپ‌ها انتخابات یک عامل مهم است که تأکید می‌کند دو قطب جامعه، آزادی و استبداد نیست بلکه فقر و غناست.

استقبال دانشجویان از تفکرات چپ به نقل از ع.ت از فعالان چپ^۱

الف) در دانشگاه امیرکبیر اصلاً رویکردی نبود. هم نفوذ فعالان راست و پایگاهشان در دانشگاه خیلی قوی بود و هم لیبرال‌ها، مشارکتی‌ها و کلاً همه با چپ خیلی مشکل داشتند. اکثراً هم با صفت‌هایی مثل زیرخاکی، احمق، فسیل و این‌ها حرف می‌زدند و طعنه می‌زدند. اکثر بچه‌های امیرکبیر هم از نظر مالی و اقتصادی فوق‌العاده راحت بودند و این حرف‌ها برایشان اصلاً جذاب نبود. حرف‌های من در دانشگاه امیرکبیر مثل حرف زدن اعضای بسیج برای آنها بود.

ب) در دانشگاه تهران اوضاع بهتر بود چون هم سطح درآمد و زندگی اکثر بچه‌ها بالا نبود و هم آنجا جای بحث‌های تئوریک، فلسفی و اقتصادی بود. برای همین هم در صحن دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی همیشه بحث به راه بود و راست‌ها، چپ‌ها، لیبرال‌ها و مشارکتی‌ها همه می‌آمدند، نشریه‌ی خاک را می‌خریدند و به مقالات آن پاسخ می‌دادند.»

بخش اول: موقعیت و جایگاه؛ از دیروز تا امروز

اگرچه جریان تشکل‌های مارکسیستی - دانشجویی در اوایل دهه شصت از قوت نسبی برخوردار بودند اما در اواخر این دهه و با ظهور و بسط گرایش‌های لیبرالی در میان برخی از مسئولان حاکمیت و روشنفکران و دانشجویان، به تدریج منزوی و خاموش شدند.

در سال‌های پایانی زمامداری اصلاح‌طلبان، گفتمان دو جریان دیرینه ولی مهجور، توأم گردید. «گفتمان اسلامی انقلابی» برخاسته از منطق حضرت امام(ره) و «گفتمان مارکسیستی» که در بردارنده نحله‌ها و گرایش‌های متفاوتی بوده است. بنابراین تحولات اجتماعی سالیان اخیر حاکی از «اهمیت یافتن گفتمان مارکسیستی در درون جنبش دانشجویی» است.

فعالین دانشجویی جریان چپ به تدریج از سال ۸۲ دست به اقداماتی برای ابراز وجود مجدد خود در صحنه دانشگاه‌ها زدند. به گونه‌ای که اوج حضور آنها در مراسم سالروز دانشجو در ۱۶ آذر ۸۵ بسیار ملموس و چشمگیر بود. نکته مهم و قابل تأمل این که تحرکات از سوی جریان چپ که دارای افکار انقلابی و رادیکال می‌باشند، از دهه ۶۰ به بعد بی‌سابقه بوده است.

تشکیل «ائتلاف دموکراتیک آزادی‌خواهان» توسط نیروهای چپ و برخی نیروهای سکولار در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و تأکید بر عناصر فمینیسم و جلب آرای دختران دانشجو از دیگر فعالیت‌های تبلیغی آنان تا به حال بوده است. شرکت در تجمعات دانشگاه امیرکبیر توسط گروه‌های چپ و حمل پلاکاردهای سرخ و درج شعارهایی با مضامین مارکسیستی نیز از دیگر فعالیت‌های آنان به شمار می‌رود. اما آنچه که به هیچ وجه نمی‌توان انکار کرد و

با هیچ ترفندی حتی جمله‌سازی‌های فلسفی نیز نمی‌توان توجیه نمود، روحیه و فعالیت‌های خشن این نوع گروه‌ها در تاریخ معاصر ایران است، که توأم با ترور و حمایت از دیکتاتورهاست. حداقل، سوابق موجود در ایران چنانچه بیان شد، گویای این مطلب است.

تحلیل محتوای نمودهای عینی (طی سال‌های ۸۶-۸۳)

۱- تحلیل محتوای تعدادی از نشریات دانشجویی مارکسیستی دانشگاه‌های تهران

شناسایی و تحلیل افکار و مشی رفتاری دانشجویان مارکسیست دانشگاه‌های تهران و کشف ارتباط احتمالی آنان با جنبش‌های اجتماعی از قبیل کارگران، معلمان، زنان، رانندگان شرکت واحد و ... و شناخت دیدگاه آنان در قبال دین مبین اسلام و ارکان اساسی نظام از طریق بررسی و تحلیل محتوای نشریات دانشجویی مارکسیستی در دانشگاه‌های تهران ممکن است و لذا دیده‌بانی دقیق و متدیک نشریات دانشجویی به عنوان تریبون رسمی بیان نظرات و اعتقادات نحله‌های مختلف فکری، اعم از هدایت شده یا التقاطی و اغواگر است که می‌تواند در سعادت و شقاوت دانشجو و دانشگاه مؤثر باشد. بدین معنا، که دانشجوی حاضر در دانشگاه نهایتاً طی یک دهه، با پیمودن مدارج تحصیلی و ورود به بازار کار و دستیابی به مدیریت‌های اجرایی و میانی، زمام امور کشور را در دست خواهد گرفت؛ و یا با حضور خود در دانشگاه با کسب رتبه استادی اندیشه‌های فراگرفته خود را به حوزه عمل یا نشر وارد خواهد کرد. بدین روی رصد نشریات دانشجویی منجر به جریان‌شناسی نحله‌های فکری موجود و یا حتی در حال شکل‌گیری خواهد شد؛ و این بدان معناست که راه‌کارهای مقابله با جنگ نرم رسانه‌ای در دانشگاه بدست آمده است. شناخت جریان‌های موجود

خود باعث انجام تحرک در حوزه خواص و اندیشمندان هر مکتب خواهد بود که با اتخاذ سیاست‌های مناسب و کارشناسی شده در میدان حریف، طرفدار عوام وی را می‌توان از چنگال جهل و ناآگاهی‌های رهایی بخشیده، از آن خود کرد. نظر به مطالب پیش گفته و رشد و افزایش نگران‌کننده طرفداران مارکسیسم در فضای علمی کشور و برقراری ارتباطات میان دانشگاهی ضروری است، محورهای تفکر و عملکرد، رهبران فکری، نویسندگان، مبانی ایدئولوژیک، تعامل با دیگر نحله‌های عقیدتی از قبیل فمینیسم، نقاط ضعف و قوت افعال و افکار ایشان و تهدیدات بالقوه و بالفعل و ... این نحله فکری در دانشگاه شناسایی گردیده، مبنای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران در نهادهای مربوط گردد.

بنابراین در جهت کشف و شناخت اهداف نشریات دانشجویی با گرایشات مارکسیستی و اشراف بر نوع نگاه دانشجویان مارکسیست، موضوعات ذیل را طرح و بررسی و مطالب به دست آمده در پنج مقوله اصلی و به موضوعاتی که در زیر به آنها اشاره می‌شود، تقسیم شده:

- مباحث ایدئولوژیک: موضوعات تبلیغ در جهت لزوم تغییر نظام سیاسی، تبلیغ مبانی اقتصاد مارکسیستی، معرفی چهره‌ها و اندیشمندان مارکسیست، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مارکسیسم

- ترویج اندیشه فمینیسم: موضوعات حوزه حقوق قضایی، تبلیغ آزادی و برابری در حوزه زنان، فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان

- مبارزه علیه نظام شامل موضوعات حمایت از جنبش کارگری، حمایت از اعتراضات معلمان، حمایت از اعتراضات دانشجویی، تلاش در جهت ایجاد اتحاد جنبش چپ با مردم، تبلیغ تحرکات قهرآمیز توده‌ای علیه نظام، ترویج

مبارزه مسلحانه چریکی، تبلیغ علیه سیاست خارجی دولت، تبلیغ علیه سیاست‌های اقتصادی دولت

- سیاه‌نمایی علیه نظام: موضوعات متهم نمودن نظام به ایجاد جو اختناق در جامعه، ناکارآمد جلوه دادن نظام در برقراری عدالت، تبلیغ علیه ارکان و اجزای نظام مردم‌سالاری دینی

- القای ناکارآمدی آموزه‌های دینی: موضوعات تبلیغ علیه مبانی دینی و شعائر اسلامی، ترویج آزادی امیال و غرایز جنسی

بخش دوم: بررسی یافته‌های تحقیق

جدول مشخصات نشریات مورد بررسی

عنوان نشریه	موضوع	قطع	مدیر مسئول	مرکز انتشار
آغازی نو	فرهنگی، اجتماعی، انتقادی	A۳	شیما فرزادمنش	دانشگاه علامه
بیل و کلنگ	فرهنگی، اجتماعی	A۵	محمدجهانگیری	دانشگاه تهران
پویان	فرهنگی، اجتماعی	خشتی	آیدین اخوان	دانشگاه علامه
تلنگر	ادبی، سیاسی، هنری	A۴	احمد عشقیار	دانشگاه تهران
خاک	اجتماعی، سیاسی، فرهنگی	A۴	شاهو رستگاری	دانشگاه تهران
دانشگاه و مردم	فرهنگی، اجتماعی، سیاسی	A۴, A۵	پ.ن	دانشگاه تهران (فنی و حقوق)
گون	فرهنگی، اجتماعی، سیاسی	A۴	سمانه اسدخانی	دانشگاه امیرکبیر
نسل سوم	فرهنگی، اجتماعی، سیاسی	A۴	فرشید مقدم	دانشگاه علامه (علوم اجتماعی)

تفسیر نمایه کلی بدست آمده از تحلیل محتوای نشریات مارکسیستی

نتایج بدست آمده از تحلیل محتوای ۸ عنوان نشریه دانشجویی مارکسیستی در مقوله‌های پنجگانه زیر بدین شرح است:

مقوله مباحث ایدئولوژیک در مجموع ۶۲.۱ درصد از مطالب این نشریات را به خود اختصاص داده است.

از این میان ۳۳.۵ درصد از این مطالب به موضوع تبلیغ مبانی نظری، فلسفی و اقتصادی مارکسیستی اختصاص یافته است.

موضوع تبلیغ در جهت لزوم تغییر نظام سیاسی ۱۸.۴ درصد مطالب و نیز موضوع معرفی چهره‌ها و اندیشمندان مارکسیست ۸.۱ درصد از مطالب نشریه را به خود اختصاص می‌دهد.

مقوله مبارزه علیه نظام با ۲۱ درصد فراوانی اولویت دوم این نشریه در ارائه مطالب خود بوده است.

هر یک از موضوعات حمایت از اعتراضات دانشجویی ۹.۸ درصد، حمایت از جنبش کارگری ۵ درصد، تبلیغ تحرکات قهرآمیز توده‌ای علیه نظام ۱ درصد، تلاش در جهت ایجاد اتحاد جنبش چپ با مردم ۱.۴ درصد، ترویج مبارزه مسلحانه چریکی ۲ درصد و تبلیغ علیه سیاست‌های اقتصادی دولت ۰.۷ درصد از پوشش مطالب را به عهده داشتند.

مقوله سوم به ترتیب اولویت ارائه این نشریات سیاه نمایی علیه نظام بوده که ۹.۵ درصد از این مطالب را پوشش می‌دهد:

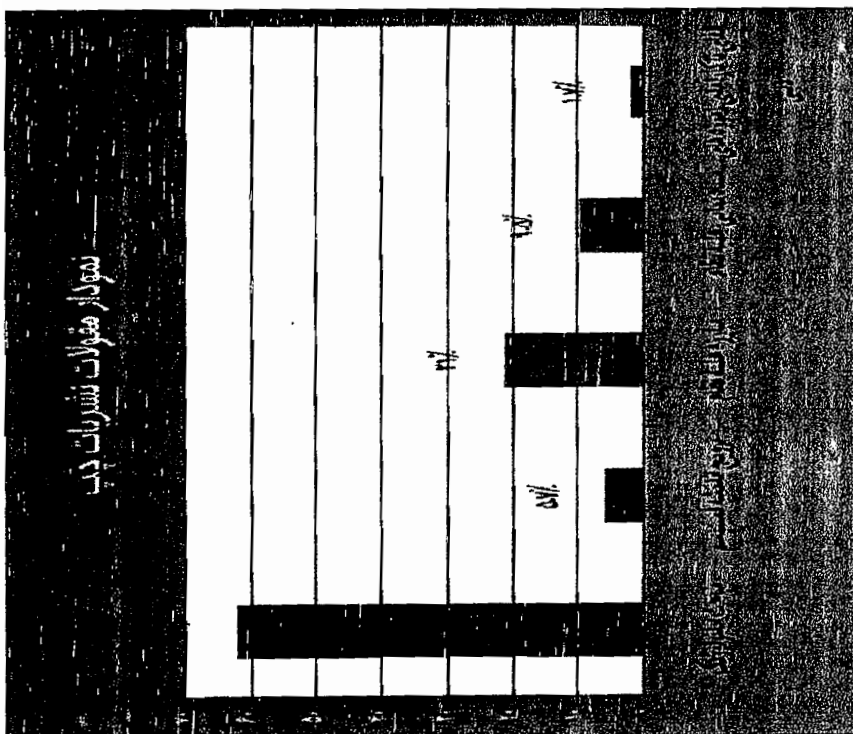
متهم نمودن نظام به ایجاد جو اختناق در جامعه با ۵.۴ درصد، تبلیغ علیه ازکان و اجزای نظام مردم‌سالاری دینی با ۱.۲ درصد و ناکارآمد جلوه دادن نظام در برقراری عدالت با ۴ درصد موضوعات این مقوله می‌باشند.

چهارمین مقوله مورد عنایت نشریات مارکسیستی با ۵.۷ درصد، ترویج اندیشه فمینیسم می‌باشد.

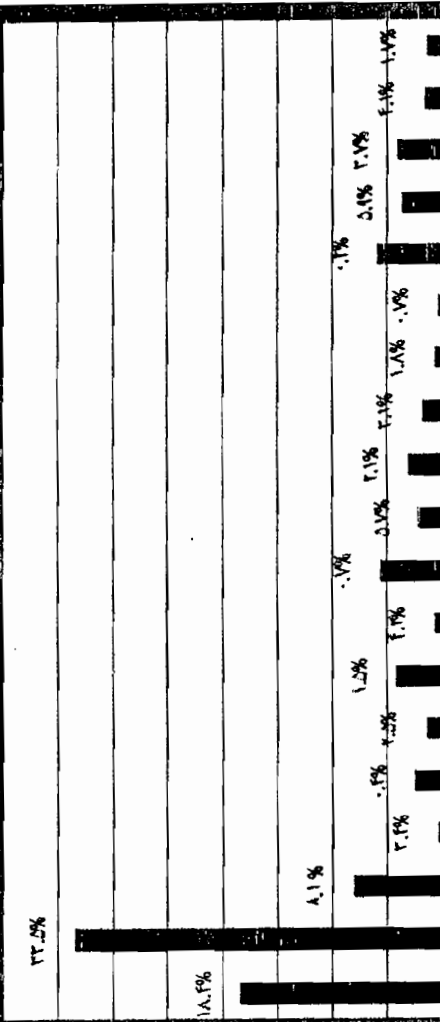
تبلیغ آزادی و برابری در حوزه زنان ۲.۳ درصد از مطالب و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی زنان ۱ درصد را شامل می‌شوند.

مقوله القای ناکارآمدی آموزه‌های دینی با ۱.۷ درصد فراوانی آخرین اولویت مدنظر نشریات مارکسیستی می‌باشد.

موضوعات این مقوله عبارتند از تبلیغ علیه مبانی دینی و شعائر اسلامی و ترویج آزادی امیال و غرائز جنسی.



مقدار موضوعات نشریات دکترا



بخش سوم: مفاهیم و اصطلاحات مندرج در نشریات مارکسیستی

در این بخش اصطلاحات و مفاهیم مندرج در نشریات دانشجویی به ترتیب بیشترین فراوانی در قالب جداول نتایج شمارش، عرضه می‌گردد.

الف - مقوله مباحث ایدئولوژیک

موضوع تبلیغ مبانی نظری، فلسفی و اقتصادی مارکسیستی

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	بورژوازی	۱۵۳۵	۶	پرولتاریا	۲۷۷
۲	سرمایه‌داری (کاپیتالیسم)	۶۷۰	۷	مارکسیست	۷۴
۳	امپریالیسم	۳۴۹	۸	بهره‌کشی اقتصادی (استثمار)	۳۷
۴	سوسیالیسم	۳۴۰	۹	زیربنا	۳۳
۵	اقتصاد	۳۰۱	۱۰	روبن	۵

موضوع تبلیغ در جهت تغییر نظام سیاسی

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	جامعه طبقاتی	۴۳۵	۸	دیالکتیک	۵۷
۲	انقلاب	۳۴۷	۹	ماتریالیسم تاریخی	۳۸
۳	اعتراض	۳۱۳	۱۰	برده داری	۳۱
۴	توده	۲۶۷	۱۱	برابری	۱۸
۵	سوسیال،دموکراسی	۲۵۷	۱۲	بلوک شرق	۱۷
۶	روشنفکری	۲۰۱	۱۳	تکرار تاریخ . جبر تاریخی	۳
۷	شوروی	۱۰۴			

موضوع معرفی چهره‌ها و اندیشمندان مارکیست

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	کارل مارکس	۳۸۶	۷	تروتسکی	۱۹
۲	لنین	۱۹۶	۸	صمد بهرنگی	۱۷
۳	انگلس	۶۹	۹	فیدل کاسترو	۱۶
۴	چه گوارا	۶۹	۱۰	هابرماس	۱۳
۵	استالین	۲۷	۱۱	برتون	۲
۶	خسرو گلرخی	۲۴	۱۲		

ب - مقوله مبارزه علیه نظام

موضوع حمایت از اعتراضات دانشجویی

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	جریان‌ات چپ دانشجویی	۱۶۹	۴	تلاش برای ایجاد همبستگی با سایر تشکل‌های دانشجویی	۹۷
۲	روز ۱۶ آذر (دانشجو)	۱۲۷	۵	تحصن	۹۰
۳	۱۸ تیر و خیزش دانشجویی	۱۲۰	۶	اعتراض به تعطیلی نشریات دانشجویی	۲۰

موضوع حمایت از جنبش کارگری

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	تبلیغ جنبش کارگری	۳۳۷	۳	اعتراض به تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی تولیدی	۲۵
۲	روز جهانی کارگر	۸۵	۴	دعوت از کارکنان شرکت واحد برای اعتصاب	۷

موضوع تبلیغ تحرکات قهرآمیز توده‌ای علیه نظام

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	رادیکالیسم	۱۵۱	۳	انقلاب مخملین (رتگین)	۵۹
۲	شورش و هرج و مرج	۱۱۳	۴	انسداد سیاسی	۱۲

موضوع ترویج مبارزه مسلحانه چریکی

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	ترویج مبارزه مسلحانه	۹۸	۳	حرکت سازمانی	۲۴
۲	مبارزات چریکی	۶۰	۴	غانله سیاهکل	۱۵

موضوع تبلیغ علیه سیاست خارجی دولت

ردیف	شاخص	فراوانی
۱	القای ماجراجویانه بودن سیاست‌های دولت	۳۳
۲	انرژی هسته‌ای	۲۷
۳	جنگ طلبی	۲۳

موضوع تبلیغ علیه سیاست‌های اقتصادی دولت

ردیف	شاخص	فراوانی
۱	پرداخت دستمزدهای کم توسط دولت	۲۶
۲	تعطیلی کارخانه‌ها	۱۲
۳	اعتراض به انعقاد قراردادهای کار موقت	۸

موضوع حمایت از اعتراضات معلمان

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	دعوت معلمان برای شرکت در جبهه مشترک	۴	۲	روز معلم	۴

ج - مقوله سیاه نمایی علیه نظام

موضوع متهم نمودن نظام به ایجاد جو اختناق

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	وجود استبداد	۱۸۴	۷	دانشجویان ستاره‌دار	۳۱
۲	نبود آزادی بیان	۱۶۰	۸	نبود آزادی فرهنگی	۲۸
۳	برقراری نظام دیکتاتوری	۱۲۴	۹	صدور حکم اعدام	۱۴
۴	نبود آزادی سیاسی	۸۰	۱۰	بازگشت به قرون وسطی	۱۲
۵	تفکر ارتجاعی	۶۰	۱۱	عدم رعایت حریم خصوصی توسط نظام	۱۰
۶	احضار فعالین دانشجویی	۳۸	۱۲		

موضوع تبلیغ علیه ارکان و اجزای نظام مردم‌سالاری دینی

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	متهم نمودن حاکمیت به اعمال فاشیسم	۱۷۰	۶	انتخابات مجلس	۱۱
۲	نقض حقوق بشر	۱۰۴	۷	انتخابات شورای شهر	۱۰
۳	تضعیف جایگاه رهبری و حکومت دینی	۷۸	۸	کنوانسیون منع شکنجه	۹
۴	گسترش سرمایه‌داری	۳۱	۹	عدم مشارکت در عرصه اجتماعی - سیاسی	۳
۵	نقص در قانون اساسی	۳۰	۱۰	انتخابات خبرگان	۲

موضوع ناکارآمد جلوه دادن نظام در برقراری عدالت

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	وجود نظام کاستی (طبقاتی)	۸۶	۴	عدم رعایت حقوق شهروندی و مدنی	۷۲
۲	آلقای وابستگی نظام به سرمایه‌داری بین‌الملل	۸۰	۵	توسعه فقر	۴۴
۳	وجود نظام ناعادلانه اقتصادی	۷۸	۶	عدم وجود فرصت‌های برابر برای افراد	۴۳

د - مقوله ترویج اندیشه فمینیسم

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	فقدان برابری زنان و مردان	۹۵	۷	تفکیک جنسیتی در اماکن	۳۴
۲	تأکید بر حضور سیاسی اجتماعی زنان	۶۷	۸	بهره‌کشی یا نگاه جنسی به زن	۳۱
۳	تبلیغ و پوشش اخبار روز جهانی زن ۸ مارس	۵۷	۹	آزادی انتخاب پوشش و آرایش	۲۳
۴	اعتراض به خشونت علیه زنان	۵۵	۱۰	عدم امکان حضانت فرزند	۷
۵	تبلیغ فعالین جنبش زنان	۴۵	۱۱	عدم تساوی دبه و ارث	۵۵
۶	اعتراض به نظام مردسالاری	۴۱	۱۲	عدم وجود بیمه برای زنان خانه‌دار و ادای شهادت	۱۰۱

هـ - مقوله القای ناکارآمدی آموزه‌های دینی

موضوع تبلیغ علیه مبانی دینی و شعائر اسلامی

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	سنت و تجدد	۴۸	۵	تخریب چهره زن در اسلام	۱۱
۲	نفی اعتقاد به مقدسات	۳۳	۶	نفی اعتقاد به ائمه	۲
۳	نفی آداب و رسوم دینی	۳۰	۷	نفی اعتقاد به معاد	۱
۴	نفی اعتقاد به خدا	۲۵	۸		

موضوع ترویج امیال و غرایز جنسی

ردیف	شاخص	فراوانی	ردیف	شاخص	فراوانی
۱	اشاعه ادبیات جنسی مبتدل	۷۰	۴	تبلیغ اشتراک جنسیتی	۸
۲	نفی لزوم ازدواج	۳۳	۵	نفی آداب و رسوم ازدواج	۶
۳	کمرنگ کردن نقش خانواده	۱۱	۶	تعریف جدید زندگی مشترک	۲

بخش چهارم: نتایج و دستاوردها

۱. نظر به اوضاع نامناسب اقتصادی کشور و تشخیص دادن این امر توسط دانشجویان فعال در نشریات مارکسیستی، موضوع تبلیغ مبانی نظری، فلسفی و اقتصادی مارکسیستی در صدر مطالب مورد توجه آنان بوده است.
۲. موضوع ضرورت تغییر نظام سیاسی که با فراوانی بالایی مورد توجه این نشریات بوده است، نشان از پایداری نویسندگان آنها به اصول اندیشه‌های بزرگان مارکسیسم دارد.
۳. نشریات مارکسیستی به پشتوانه نویسندگان خود، بالاترین توان خود را در جهت تبیین و طرح نمودن اندیشه‌های مارکسیستی بکار بسته‌اند و این خود هشداری است در این زمینه که شیوه برخورد و مواجهه با این جریان، باید بیشتر تئوریک و فرهنگی و فکری باشد.
۴. مبارزه و سیاه‌نمایی علیه نظام حاکم، مأموریت مهم دیگر این نشریات است. شکایت از اختناق، حمایت از اعتراضات دانشجویی به هر شکل، حمایت از جنبش کارگری، تبلیغ علیه ارکان و اجزای نظام مردم‌سالاری دینی به همراه دیگر موضوعات از مؤلفه‌های این مورد می‌باشند. از طرفی شاید بتوان با کمی اغماض این مأموریت را به عنوان یک مأموریت مشترک در بین نشریات دانشجویی معترض به وضع موجود - فارغ از سمت و سوی سیاسی - قلمداد کرد.
۵. می‌توان گفت مقوله آموزه‌های دینی تا زمان تحریر این تحلیل از تابوهای این جریان بوده است. واکنش مراجع رسمی و دیگر تشکلهای دانشجویی به انتشار مطالب موهن در سال‌های گذشته، از دلایل این ادعا می‌باشد.

۶. مطلب قابل توجه دیگر در عملکرد نشریات مارکسیستی، استفاده ابزاری از جنبش فمینیستی موجود در دانشگاه است. تأمل در باب نتایج به دست آمده از این تحلیل مؤید این نکته است. آنجا که حقوق شخصی و انسانی زن مورد بحث است، یعنی حقوق قضایی زن از قبیل ارث، دیه، حق حضانت، بیمه، شهادت و ... تمامی این موارد تنها ۱٪ درصد از مطالب نشریات را شامل می‌گردد. لیکن در حوزه تبلیغ آزادی و برابری زنان و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی آنان حدود ۴/۴ درصد مطالب نشریات به پوشش این موضوعات می‌پردازد! در نهایت نشریات مارکسیستی به جنبش فمینیسم توجه چندانی از خود بروز نداده‌اند.

۷. طول عمر انتشار نشریات مارکسیستی، نشان از پیروی از مشی اعتدال و میانه‌روی در عملکرد آنان دارد و همان‌گونه که بیان گردید این خود حاکی از انجام کار تئوریک توسط اینان می‌باشد.

۸. گروه نویسندگان ۸ نشریه که نمونه آماری تحلیل حاضر بودند، حدود ۱۶۰ تن را شامل می‌شوند. به طور متوسط هر نشریه در طول ۲ سال با ۸۰ نفر نویسنده مرتبط بوده است.

۹. درج مطلبی واحد در بیش از ۲ نشریه خود قابل توجه بوده و ۲ گمانه را به ذهن متبادر می‌سازد:

- ✓ اداره ۲ نشریه یا بیش از آن به عهده فرد یا گروهی واحد است.
- ✓ کمیته‌ای مشترک از نویسندگان، مسئولیت تغذیه محتوای ۲ نشریه یا بیش از آن را به عهده دارد.

۱۰. پایین بودن میزان همکاری جنبش معلمان و جنبش کارگران حاکی از وجود دو احتمال است:

✓ احتمال اول: جنبش‌های مذکور تمایلی به همکاری با چپ دانشجویی ندارند.

✓ احتمال دوم: چپ دانشجویی تمایلی به همکاری با آنان ندارد. لیکن با توجه به تحلیل حاضر، با وجود تلاش از سوی چپ دانشجویی، جنبش معلمان تمایلی به نهادن دست خود در دست چپ دانشجویی ندارد.

وبلاگ‌ها

بخش اول: اهداف و سؤالات تحقیق

نظر به محتوای یکسان وبلاگ‌ها و نشریات مارکسیستی، بخش اول تحلیل محتوای وبلاگ‌های دانشجویی مارکسیستی - اهداف و سؤالات تحقیق شامل طرح مسأله، هدف تحقیق، سؤالات اصلی تحقیق، روش تحقیق، تعاریف مفهومی و عملیاتی و مقوله‌های تحقیق - عیناً همانند تحلیل محتوای نشریات در نظر گرفته شد؛ لیکن جامعه آماری و واحد تحقیق و نیز نحوه گردآوری داده‌ها متفاوت می‌باشد که بدان‌ها اشاره می‌گردد.

جامعه آماری و واحد تحقیق

در این پژوهش وبلاگ‌های منتشره توسط دانشجویان مارکسیست دانشگاه‌های تهران، طی سال‌های ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۸۷ مورد توجه قرار گرفتند؛ که از میان خیل کثیر آنها ۲۶ عنوان وبلاگ انتخاب گردید که به نظر می‌رسد مرجعیت بیشتری نسبت به دیگر وبلاگ‌ها داشتند. این وبلاگ‌ها شامل عناوین: اخگر، اندیشیدن با پتک، پرچم سرخ، ثبات، جوجو، جهانی دیگر ممکن است، خاک، چپ کارگری، دانشجویان سوسیالیست، دختری از جنس خاک، رؤیای توپچی، زیستن برای باز گفتن، شهز شب ظلمت، عسل نگاشت، علیه وضعیت

موجود، عماد برقی، عمو کیوان، فرهنگ و توسعه، فریاد کارگر، کارنوشت، کوخ، میلیتانت، ندای بشر، نسل سوم، نشریه به پیش و نشریه طلوع می‌باشند. واحد تحقیق در این پژوهش کلمه می‌باشد.

❖ مطالب منتشره در وبلاگ‌ها اعم از بیانیه‌ها، گزارش تجمعات و دیگر فعالیت‌های دانشجویان چاپ است.

نحوه گردآوری داده‌ها

در این تحقیق وبلاگ‌های مورد نظر با روش‌های زیر شناسایی و جمع‌آوری گردیده‌اند:

۱. جستجوی اینترنتی در موتور جستجوگر **google** با تایپ کلید واژه‌هایی چون مارکیست، مارکسیسم دانشجویی، چاپ دانشجویی و ...
۲. استفاده از پیوندهای روزانه و پیوندهای دوستان که در وبلاگ‌ها به عنوان لینک قرار داشتند.
۳. استفاده از آدرس‌های موجود در نشریات مکتوب یا بیانیه‌های موجود در

دسترس

بررسی یافته‌های تحقیق

جدول مشخصات و بلاگ‌های مورد بررسی

عنوان و بلاگ	نویسنده	عنوان و بلاگ	نویسنده
اخگر	م.گ	شهر شب ظلمت	---
اندیشیدن با پتک	روزبهان امیری	عماد برقی	ع.ب
پرچم سرخ	مبارز سوسیالیست	فرهنگ و توسعه	خ.م.ف
ثبات	م.ق.چ	عمو کیوان	ک.الف
جو جو	ع.الف	فریاد کارگر	س.س
جهانی دیگر ممکن است	ش.ف.م	کوخ	کوخ
خاک	ک.ع	ندای بشر	چه گوارای ایران
چپ کارگری	چپ کارگری	نسل سوم	گروهی
دانشجویان سوسیالیست	---	نشریه به پیش	گروهی
دختری از جنس خاک	نسیم	نشریه طلوع	م.الف
روای توپچی	الف.ی.ع	کارنوشت	ک.م
زیستن برای باز گفتن	---	میلینانت	---
عسل تگاشت	ع.الف	علیه وضعیت موجود	ع.ت

نتایج بدست آمده از تحلیل محتوای ۲۶ وبلاگ دانشجویی مارکسیستی در

پنج مقوله زیر به ترتیب اهمیت فراوانی بدین شرح است:

۱- مباحث ایدئولوژیک

مقوله فوق با ۷۲٪ فراوانی صدرنشین مقولات وبلاگ‌های مورد بررسی

می‌باشد. این مقوله متشکل از موضوعات زیر است:

(۱) تبلیغ مبانی نظری، فلسفی و اقتصادی مارکسیسم با ۳۲٪ فراوانی

(۲) تبلیغ در جهت لزوم تغییر نظام سیاسی با ۳۰٪ فراوانی

(۳) معرفی چهره‌ها و اندیشمندان مارکسیست با ۱۰٪ فراوانی

۲- سیاه‌نمایی علیه نظام

دومین رتبه در مقولات با ۱/۱۳٪ فراوانی مربوط به مقوله سیاه‌نمایی علیه نظام می‌باشد. سه موضوعی که در این مقوله مورد توجه قرار گرفته‌اند، بر اساس فراوانی به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) متهم نمودن نظام به ایجاد جو اختناق در جامعه با ۳/۶٪ فراوانی
- ۲) ناکارآمد جلوه دادن نظام در برقراری عدالت با ۴/۴٪ فراوانی
- ۳) تبلیغ علیه ارکان و اجزای نظام مردم‌سالاری دینی با ۴/۲٪ فراوانی

۳- مبارزه علیه نظام

این مقوله نیز با فراوانی ۵/۱۰٪ حائز رتبه سوم می‌باشد. فراوانی موضوعات این مقوله بدین شرح است:

- ۱) حمایت از جنبش کارگری با ۶/۲٪ فراوانی
- ۲) تلاش در جهت ایجاد اتحاد جنبش چپ با مردم با ۲/۲٪ فراوانی
- ۳) تبلیغ تحرکات قهرآمیز توده‌ای علیه نظام با ۵/۱٪ فراوانی
- ۴) حمایت از اعتراضات دانشجویی با ۵/۱٪ فراوانی
- ۵) تبلیغ علیه سیاست‌های اقتصادی دولت با ۱٪ فراوانی
- ۶) تبلیغ علیه سیاست‌های خارجی دولت با ۹/۰٪ فراوانی
- ۷) ترویج مبارزات مسلحانه چریکی با ۷/۰٪ فراوانی
- ۸) حمایت از اعتراضات معلمان با ۲/۰٪ فراوانی

۴- ترویج اندیشه فمینیسم

این مقوله با فراوانی ۲/۴٪ و ۳ موضوع مورد بررسی چهارمین مقوله در این حوزه می‌باشد:

- ۱) تبلیغ آزادی و برابری زنان با ۱/۶٪ فراوانی
- ۲) فعالیت سیاسی اجتماعی زنان با ۰/۸٪ فراوانی
- ۳) حوزه حقوق قضایی با ۰٪ فراوانی

۵- القای ناکارآمدی آموزه‌های دینی

این مقوله با ۲٪ فراوانی آخرین مقوله از مقولات پنج‌گانه می‌باشد. با ۲ موضوع مطروحه زیر:

- ۱) تبلیغ علیه مبانی دینی و شعائر اسلامی با ۱/۵٪ فراوانی
- ۲) ترویج آزادی و امیال و غرایز جنسی با ۰/۴٪ فراوانی

مقایسه نتایج بدست آمده از تحلیل محتوای نشریات و وبلاگ‌های دانشجویی مارکسیستی

ردیف	مقوله	درجانه	وبلاگ‌ها	موضوع	درجانه	وبلاگ‌ها
۱	مباحث ایدئولوژیک	٪۶۰	٪۷۲	معرفی چهره‌ها و اندیشمندان مارکسیست	٪۸۰	٪۱۰
				تبلیغ مبانی نظری، فلسفی و اقتصادی مارکسیسم	٪۳۳	٪۳۳
				تبلیغ در جهت لزوم تغییر نظام سیاسی	٪۳۰	٪۱۸
۲	ترویج اندیشه فمینیسم	٪۵۴	٪۱۹	فعالیت سیاسی اجتماعی زنان	٪۱۰	٪۰
				تبلیغ آزادی‌وی‌برابری در حوزه زنان	٪۱۶	٪۲۶
				حوزه حقوق قضایی	٪۰	٪۰
۳	مبارزه علیه نظام	٪۱۸	٪۱۰	حمایت از اعتراضات دانشجویی	٪۱۰	٪۵
				حمایت از اعتراضات معلمان	٪۰	٪۰
				حمایت از جنبش کارگری	٪۳	٪۴
				تلاش در جهت ایجاد اتحاد جنبش چپ با مردم	٪۳	٪۲
				تبلیغ تحرکات فهرآمیز توده‌ای علیه نظام	٪۱۰	٪۳
				ترویج مبارزه مسلحانه چریکی	٪۰	٪۰
				تبلیغ علیه سیاست خارجی دولت	٪۰	٪۰
				تبلیغ علیه سیاستهای اقتصادی دولت	٪۰	٪۰
				متهم نمودن نظام به ایجاد جواختناق در جامعه	٪۶	٪۵
۴	سیاه‌نمایی علیه نظام	٪۱۳	٪۱۳	ناکارآمد جلوه دادن نظام در برقراری عدالت	٪۳	٪۳
				تبلیغ علیه ارکان و اجزای نظام مردم‌سالاری دینی	٪۴	٪۴
				تبلیغ علیه مبانی دینی و شعائر اسلامی	٪۱	٪۱
۵	القای ناکارآمدی آموزه‌های دینی	٪۳	٪۱	تبلیغ علیه مبانی دینی و شعائر اسلامی	٪۱	٪۱
				ترویج آزادی امیال و غرایز جنسی	٪۰	٪۰

❖ نکته قابل توجه در این مقایسه آن است که با کمی اغماض می‌توان مطالب منتشره در نشریات و وبلاگ‌ها را با مقولات و موضوعات دسته‌بندی شده یکسان فرض نمود و هم از این روست که در صورت عدم دسترسی به نشریات، وبلاگ‌ها نیز خود به تنهایی مرجعی برای بررسی و تحلیل محتوای آنها می‌باشند.

❖ نکته دیگر اینکه با توجه به مسئولیت حقوقی ناچیز نویسندگان وبلاگ‌ها، همانگونه که مشاهده می‌شود موضوع تبلیغ در جهت لزوم تغییر نظام سیاسی حدوداً ۲ برابر بیشتر از آنچه در نشریات آمده است، مورد توجه قرار گرفته است.

❖ پرچم سرخ

وبلاگ‌های پرمخاطب مارکسیستی است که در ماه تقریباً ۳ بار به روز می‌شود. بازدیدکنندگان به هر کدام از مطالب آن تقریباً ۳۵ نظر می‌دهند.



❖ میلیتانت

از وبلاگ‌های معروف مارکسیستی است که روزی دو یا سه بار به روز می‌شود.



❖ اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی

از مرداد ۸۴ فعالیت خود را آغاز کرده است. در ماه تقریباً ۵ بار بروزرسانی می‌شود.

این وبلاگ از وبلاگ‌های پرمخاطب مارکسیستی است. این وبلاگ به طور میانگین در ماه ۳۸۰ بازدیدکننده دارد.



❖ چریک‌های آزادی‌بخش خلق ایران

در ماه ۱۰ بار به روز می‌شود. نظرسنجی با عنوان کدام مطلب خواندنی‌تر است؟

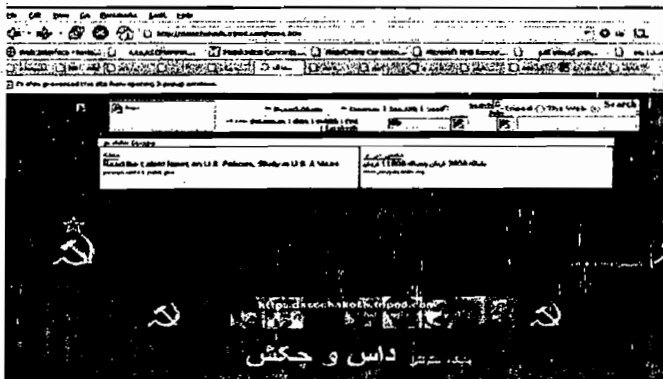
۱. تنوریک ۸/۵۳٪
۲. اجبار ۶/۷۲٪
۳. یادواره مبارزان ۲/۳۰٪
۴. دیبات ۶/۵٪



❖ داس و چکش

سایتی کامل است که دارای مطالب متنوعی است. دارای کتابخانه الکترونیکی است.

کتابخانه این سایت بسیار پرمخاطب است.



❖ آرشیو مارکسیست‌ها در اینترنت

این سایت به ۴۳ زبان مطالب خود را ارائه می‌دهد. این سایت دارای کتابخانه الکترونیک جامعی در مورد مارکسیسم است.



❖ انقلاب کمونیستی

این وبلاگ فعالیت خود را از مرداد ماه سال جاری شروع کرده است. به طور متوسط هر ماه یکبار بروزرسانی می‌شود. بازدیدکنندگان به طور متوسط به هر مطلب ۱۰ نظر می‌دهند.



❖ خاک

فعالیت خود را از شهریور ۸۵ آغاز کرده و آخرین مطلب آن نیز در خرداد ۸۶ به طور متوسط هر ماه ۱۱۰۰ بازدیدکننده دارد. این وبلاگ متعلق به نشریه دانشجویی خاک است. بازدیدکنندگان به طور متوسط به هر مطلب ۲۰ نظر می‌دهند. این وبلاگ با نام اصلی منتشر می‌شود.



چهره‌های سرشناس و رهبران

۱- ب. ک

دانشجوی رشته اقتصاد دانشگاه تهران و سردبیر نشریه خاک می‌باشد که در ناآرامی‌های کوی دانشگاه تهران در خرداد ماه ۸۴ در میان دانشجویان حضور داشت و با بیان مطالبی ضدنظام مذهبی حاکم، خواستار مبارزه فعال دانشجویان با حاکمیت شد. وی از تندروترین عناصر جریان چپ می‌باشد و با جریانات تئوریک چپ در داخل کشور مانند «ب.پ» و جریانات فعال کارگری چون سندیکای آزاد کارگری، سندیکای حمایت از کارگران بیکار ارتباط نزدیکی دارد. وی هم‌چنین در دنیای مجازی در وبلاگی با عنوان «سنگر سرخ» فعالیت می‌نماید.

۲- الف. الف

دانشجوی رشته مهندسی شیمی دانشکده فنی دانشگاه تهران و مدیر مسئول و سردبیر سابق نشریه «دانشگاه و مردم» است. مقالات وی درون‌مایه فلسفی دارد و حامی ماتریالیسم (مادی‌گرایی) می‌باشد. وی در حال حاضر از کشور خارج شده است.

۳- م. ف

مدیر مسئول نشریه «هومان» و دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است که دارای گرایش‌های شدید مارکسیستی است. وجه بارز این نشریه، توهین و هتاک‌ها به روحانیت و نظام اسلامی می‌باشد.

۴- ک.ع

دانشجوی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، مدیر مسئول نشریه‌ی خاک و مؤسس وبلاگی با همین عنوان و از رهبران جریان کمونیستی در این دانشگاه است. عباسیان مؤسس و مدیر تشکل «جامعه فرهنگی» در دانشکده است که آن را محلی برای اجتماع دانشجویان لائیک و تندرو کرده است. وی بعد از کریمی‌زاده نفر دوم جریان کمونیستی در دانشگاه تهران است. ک.ع در کلیه جریانات غیرقانونی نقش محوری داشته و در تجمع عناصر کمونیست مقابل روزنامه شرق و مراسم روز جهانی کارگر در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و تجمع عناصر کمونیست در مقابل سردر دانشگاه حضوری فعال و جدی داشته است. وی هم‌چنین به جمع‌آوری امضاء از دانشجویان در حمایت از مطالبات کارگران نساجی کردستان پرداخته و در نشریات متعدد از سندیکا‌های آزاد کارگری حمایت کرده است.

۵- الف.ح

وی از دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران می‌باشد که در بدو ورود فعالیت‌های خود را در انجمن اسلامی آغاز کرده است. حسینی ائتلافی بین جنبش دمکراتیک آزادی‌خواهان از طرف گروه کمونیستی دانشکده حقوق دانشگاه تهران با هدف تشکیل گروه‌های مختلف سیاسی و اعتقادی مانند گروه‌های فمینیستی تشکیل داد. او دارای تفکرات فمینیستی است و در راهپیمایی‌های غیرقانونی حضوری محوری داشته است. حسینی هم‌چنین به عنوان مسئول واحد حقوق زنان در نشریه کمونیستی تابوت فعالیت داشته و در اکثر نشریات کمونیستی چون پیشرو، خاک و ... قلم می‌زند.

۶- س.ح

وی دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه در دانشگاه تربیت مدرس و دبیر سابق دفتر تحکیم وحدت و دارای وبلاگی با عنوان «دانش سرخ» می‌باشد. حبیبی نزدیک به ۱۰ سال عضو انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم بوده و یکی از باسابقه‌ترین افراد محسوب می‌شود. وی گرایش‌های سوسیالیستی داشته و همراه با ع.ت، م.الف.چ و م.الف.ن طیف چپ دفتر تحکیم را تشکیل می‌دهند. این گروه با افرادی چون ر.د، ع.م، م.ه (موسوم به طیف راست لیبرال تحکیم) موضع داشته و کشمکش‌های زیادی بین این دو گروه صورت گرفته که همین امر باعث استعفای حبیبی از سمت دبیری دفتر تحکیم شد. وی مسلط بر مباحث فلسفی است و علاقه زیادی به گلسرخی دارد. بین او و افراد و نشریاتی چون حجاریان، باوند، نامه، نقد نو و ... به علت قدیمی بودن، بیان بلیغ و اطلاعات قوی، ارتباط وجود دارد.

۷- م.الف

وی دانشجوی کارشناسی فلسفه و دبیر انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) می‌باشد. اصلاح‌چی از فعالان اینترنتی است و وبلاگی به نام «فردای سرخ» دارد و مصاحبه‌های زیادی با رادیو دویچه وله - از رادیوهای کمونیستی کشور سوئد - انجام داده است. او در تحکیم نفوذ زیادی داشته و سعی در شکست فراکسیون راست و تشکیل فراکسیون جدیدی (چپ) را دارد.

۸-م.الف.ن

الف. ن دانشجوی عمران و دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم شهید رجایی و یکی دیگر از فعالین عرصه‌ی وبلاگ‌نویسی با عنوان **revolt** می‌باشد. وی در ناآرامی‌های دانشگاه شهید رجایی در اردیبهشت ۸۵ نقش داشته و فرد مؤثری در دانشگاه به حساب می‌آید. وی دارای مطالعاتی در زمینه چپ بوده و حامی سرسخت س.ح می‌باشد و با طیف راست به خصوص عبدالله مؤمنی موضع دارد. شایان ذکر است قرارداد ضمن خدمت او با آموزش و پرورش به علت فعالیت‌های سیاسی‌اش ملغی شده است.

۹-ع.ت

ع.ت دانشجوی رشته معدن (وردی ۸۰) دانشگاه امیرکبیر و از فعالین مؤثر چپ در این دانشگاه می‌باشد. وی در بدو ورود به دانشگاه به فعالیت‌های صنفی پرداخته و مسئولیت خوابگاه را بر عهده گرفت و پس از آشنایی با دلبری وارد انجمن اسلامی شد و سپس ضمن آشنایی با وضعیت انجمن و دفتر تحکیم وحدت به یاشار قاجار (دبیر سابق انجمن اسلامی) نزدیک شده و از طریق شرکت در جلسات انجمن با س.ح، م.الف و م.الف.ن نزدیکی فکری احساس کرد و پس از آن با همکاری یکدیگر گروه چپ را در مقابل گروه راست تحکیم [ر.د، ع.م و ...] تشکیل دادند و درصدد حذف فراکسیون راست و تشکیل یک فراکسیون جدید [چپ] برآمدند. توانچه پس از مطالعات کتب سوسیالیستی به این تفکر متمایل شد و در همین راستا در اعتصابات و تجمعات کارگری (اردوی روز جهانی کارگر در آبشار خور، اعتصاب رانندگان اتوبوس شرکت اتوبوس‌رانی) شرکت کرد. وی هم‌چنین نقش مؤثری در ناآرامی‌های

دانشگاه پلی‌تکنیک (ناآرامی‌های انتخابات انجمن اسلامی) داشت. این فعال دانشجویی با ایجاد وبلاگی به نام "beyade ۶۷" اقدام به نشر اخبار ناآرامی‌های دانشگاه‌ها (دانشگاه شهید رجایی و ناآرامی‌های کوی دانشگاه) نمود. وی هم‌چنین پس از آزادی از زندان در آبان ۸۵ اقدام به تأسیس وبلاگ دیگری با عنوان «انفرادی» نمود، و فعالیت‌های مارکسیستی خود را از سر گرفت که با فیلتر شدن آن در وبلاگ دیگری با عنوان «۱۹ بهمن»^۱ ادامه داد. هم‌چنین ایشان یکی از نویسندگان نامه‌ مشهور به ۶ نفر می‌باشد که پیرامون مسائل هسته‌ای نگاشته شده بود. از ارتباطات ع.ت می‌توان به ارتباط وی با ن.ز [زندانی سیاسی] و حزب ملت اشاره کرد. فقر خانواده و مطالعه کتب شریعتی، سروش، مجتهد شبستری، سارتر، تاریخ شوروی، کاپیتال (سرمایه) مارکس، دست‌نوشته‌های فلسفی، اقتصادی، مانیفست پس از ۱۵۰ سال، جهانی‌سازی با کدام هدف، آینده سوسیالیسم و کتاب‌های ژیزک، زمینه‌ساز ترویج تفکرات سوسیالیستی در او شده است.

وی در مورد اعتقادات مارکسیستی دانشجویان چپ می‌گوید:

«من اصلاً قبول ندارم که روی بچه‌هایی با تیپ فکری من اسم مارکسیست گذاشته شود، این‌ها را فقط می‌شود بهشان گفت چپ. این‌ها از کل افکار مارکس دنبال مسائل اقتصادی هستند، برای همین هم هست که جدیداً روی آوردند به مباحث جدید مثل جهانی‌سازی و خصوصی‌سازی، نقد سازمان تجارت جهانی و اینطور مسائل. در بین ما کسی کمونیست نبود، همه به دنبال یک اقتصاد سوسیالیستی

۱. ۱۹ بهمن، نام وبلاگ گروهی تعدادی از فعالین چپ می‌باشد.

بودند. همه را می‌توان بهشان گفت چپ ولی نمی‌توان گفت مارکسیست. همه منتقد خصوصی‌سازی بی‌حساب و کتاب بودیم. همه منتقد یک اقتصاد دولتی متمرکز بودیم. همه می‌گفتیم با این پول نفت و صندوق ذخیره‌ی ارزی امکان سیر کردن شکم همه نیست. من از کل افکار مارکسیستی فقط و فقط به مناسبات بین کار و سرمایه، سرمایه‌های صنعتی، سرمایه‌های تجاری، سرمایه‌های مالی و این مسائل علاقه داشتم و الآن هم طبق تعریفی که در تمام دنیا از چپ است، چپ هستم، مخالف جهانی‌سازی، مخالف اقتصاد متمرکز، مخالف استخدام موقت، مخالف بیمه‌های نصفه و نیمه، مخالف تخریب محیط‌زیست و موافق تغییر قوانین به سود گرسنگان.»

و دیگر فعالین: پ.ن.آ، ک. مظفر، ف. شمس، م. گک، م. ق.چ، پ. پ و ...

طیف‌ها و فراکسیون‌های درونی

هم‌اکنون چپ دانشجویی ایران یک پدیده اجتماعی یک دست و همگون نبوده بلکه طیف‌ها و گرایش‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد. به علاوه یک پدیده اجتماعی تمام شده و ساختار نهایی یافته نیز نیست، بلکه جریانی در حال

تحول و شدن است، طیف‌های چپ موجود عبارتند از:

الف - سوسیالیست‌های غیرکارگری (چپ رادیکال)

ب - سوسیالیست‌های کارگری (چپ کارگری)

ج - سوسیال دموکرات‌ها (چپ‌های میانه رو)

د - چپ شورایی

ه - چپ انتقادی

الف - سوسیالیست‌های غیرکارگری (چپ رادیکال)

۱- پیشینه

طیف چپ رادیکال که با عنوان «دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب» فعالیت می‌کند با سابقه‌ترین گرایش چپ در سطح دانشگاه‌ها طی سال‌های اخیر بوده است. نحوه ورود این طیف به صحنه عمل سیاسی و اجتماعی از زبان ک.ع (سخنگوی دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب) این چنین است:

«برای اولین بار در ۱۶ آذر سال ۱۳۸۲ پرچمی در دانشگاه تهران بلند شد که در آن روز موجب غافلگیری و موضع‌گیری‌های متفاوت بسیاری از جریان‌ات شد. در آن مراسم برای اولین بار دانشجویان چپ با بالا بردن پلاکارد آزادی برابری و پلاکاردهایی در حمایت از اعتصاب‌های طبقه کارگر و به خصوص اعتصاب کارگران پتروشیمی که در آن سال در اوج بود موجودیت خود را در دانشگاه اعلام کردند.

در ادامه این روند و با گذشت چند سال همگام با جامعه‌ای که هر روز از توهّمات اصلاح‌طلبی دور می‌شد، جنبش چپ در دانشگاه نیز با سرعت تبدیل به یکی از جریان‌ات تأثیرگذار شد و هر روز که جریان‌هایی همچون مشارکتی‌ها و دوم خردادی‌ها دستشان برای دانشجویان رو می‌شد روی آوردن سراسری به جنبش چپ در دانشگاه‌های ایران بیشتر می‌شد و این مسأله تا جایی پیش رفت که تعداد زیادی از اعضای انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت نیز پس از مدتی اندیشه چپ را برای ادامه فعالیت‌هایشان برگزیدند.

اوضاع بدین گونه پیش رفت تا ۱۶ آذر سال ۸۵ که در آن سال طی مذاکراتی که با دفتر تحکیم وحدت، لیبرال‌ها و دانشجویان کُرد داشتیم، قرارمان بر این شد که مراسم ۱۶ آذر را به صورت مشترک برگزار کنیم. در این راستا بر آن شدیم تا نامی برای خود برگزینیم که نشان‌دهنده اصیل‌ترین خواسته‌های جنبشی‌مان و تمایزمان با دیگر جریان‌های شرکت‌کننده در مراسم باشد و بدین ترتیب در ۱۵ آذر سال ۱۳۸۵ برای اولین بار از نام «دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب» استفاده شد و از آن پس این نام تعدیل به نام «جنبش دانشجویان چپ» در سراسر کشور شد و همانطور که می‌دانید با سرعت در شهرهای دیگر کشور نیز دانشجویان چپ تحت این عنوان اعلام موجودیت کردند.»

این طیف با گرایش مارکسیسم - لنینیسم طرفدار رادیکالیسم، انقلاب اجتماعی، براندازی و تحرکات تند و مسلحانه، ساختاربندی چریکی، خانه‌های تیمی، انسجام زیاد دورن تشکیلاتی و انتقاد زیاد به حکومت است. طیف چپ رادیکال مبارزاتش را بر پایه سه جنبش کارگری، دانشجویی، زنان و هم‌چنین جریانات سیاسی چپ رادیکال استوار می‌سازد. شیوه مبارزاتی‌اش را بر مبنای جنبش‌های اجتماعی همین نیروها یعنی جنبش طبقه کارگر و بخش‌های چپ و رادیکال جنبش زنان و دانشجویان استوار می‌کند و مشکل مطلوب حاکمیتش را ضرورت‌های حاکم بر نوع نیازهای همین اقشار تعیین خواهد کرد.

از نظر چپ رادیکال استقرار یک حکومت دموکراتیک، مطلوب ارزیابی می‌شود و آنها این خواست را با سیاست خاص طبقاتی خود، تنها از طریق رشد

و ارتقای جنبش‌های اجتماعی و جهت‌گیری خاص آنها ممکن می‌دانند و طرق پیشنهادی دیگری چون زمینه‌چینی برای وقوع انقلاب رنگی، تحریم و... را مورد پذیرش چپ رادیکال نمی‌دانند.

۲- اهداف کمونیست‌های ایرانی از دید چپ رادیکال

۱) ایجاد آگاهی در این بخش از طبقه کارگر ایران (صنایع نفت، خودروسازی، فولاد، سیمان، معادن و...) تمرکز و دقت روی این صنایع از طریق ایجاد هرگونه محفل، هسته و یا تشکلی به منظور تسهیل دستیابی به مقاصد اصلی.

۲) تمرکز بر روی قشر معلمان و پرستاران؛ با توجه به تحرکات این قشر در سال‌های اخیر و داشتن آگاهی‌های سیاسی نسبی زمینه مساعدی برای تکثیر افکار چپ دارند.

۳) دادن برتری و نیرومندی جریان چپ در دانشگاه‌های تهران به سایر دانشگاه‌های کشور و تقویت آنها؛ (در استان‌های مازندران، کردستان و ... دانشجویان چپ فعال هستند. در دیگر مناطق مانند استان‌های اصفهان، مرکزی، لرستان، خوزستان و ... دانشجویان چپ باید فعال شوند.)

الف - دانشجویان چپ وظیفه انتقال و پخش اخبار، اطلاعات، مقالات، نشریات و... را بین فعالان چپ و فعالان کارگری در سراسر جامعه باید به عهده گیرند. از آنجایی که فعالان کارگری علاقه زیادی به نشریات چپ دانشجویی نشان می‌دهند، نشریات چپ دانشجویی باید به تشویق و ترغیب کارگران به سبک آگاهی و انسجام فعالیت‌های صنفی و سیاسی بپردازند.

ب - چپ دانشجویی هم چنین باید به عنوان گیرنده‌های حساسی عمل کند که پیشاپیش بسیاری از حوادث، موضعگیری‌ها و فعالیت‌ها را به جنبش منتقل کند.

ج - از آنجایی که برای انجام حرکت سیاسی باید توان اطلاع‌رسانی داشت، چپ این موضوع را باید تقویت نماید. اطلاع‌رسانی در محدوده فضای اینترنتی کافی نیست. تنها ابزار اطلاع‌رسانی بُرش‌دار در طبقه کارگر و اقشار مورد نظر، نشریه است.

ب.ک. ز (یکی از فعالین این طیف) خطوط عمده حرکت چپ رادیکال در شرایط حاضر ایران را به این صورت توصیف می‌کند:

«۱- نفی ورود قطعی هرگونه دخالت‌گری امریکا و سرمایه‌داری

جهانی

۲- تأکید بر جنبش از پایین و رادیکالیسم اجتماعی: این دو عنصر سلامت جنبش‌های اجتماعی دانشجویان، زنان، معلمان و پرستاران را در مقابل تبدیل این جنبش به صورت ابزاری در دست جناح‌های حاکمیت تضمین می‌کند.

چپ رادیکال باید پیشگام ایجاد جنبش رادیکال دانشجویی در کنار جنبش چپ رادیکال باشد. در این حرکت، چپ رادیکال باید به تثبیت خطوط نظری خود حول دیدگاه‌های مارکس، انگلس و لنین بپردازد، چرا که موضع‌گیری و عمل سیاسی چپ رادیکال بدون حرکت روی این ریل نظری مطمئناً به شکست می‌انجامد. چرا که

کاربست خلاق مارکسیسم برای تحلیل و تغییر مناسبات ستمگرانه
موجود، جزئی جدایی‌ناپذیر از ارکان هویتی آن است.»

۳- توان و قابلیت‌های تشکیلات چپ رادیکال

فعالین دانشجویی شناخته شده طیف چپ رادیکال عبارتند از: ع.ت،
ب.ک.ز، ه.پ، پ.ع، ا.ق، م.گ، ش.ر، ک.ع، م.الف.چ، س.ح، م.د، ب.
ب، آ.ح، م.ان، ی.پ، ع.س و س.ک.

وبلاگ‌هایی که افکار این طیف را منتشر می‌نماید بدین شرح است:
دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب، دانشجویان سوسیالیست پلی‌تکنیک،
به سوی سوسیالیست، سلام دموکرات، ۱۹ بهمن، دانشجویان سوسیالیست، علیه
وضعیت موجود (ع.ت)، حواری خورشید (ه.پ)، بافنده (ا.ق)، دانش سرخ
(س.ح)، فردای سرخ (م.الف.چ)، ندای سرخ (پ.پ)، فریاد سرخ (ص.پ.ح)،
سلام سوسیالیسم، پژواک دانشجو، طنین دانشجو، انجمن دانشجویان
آزادی‌خواه، گاهی برای آگاهی.

هم‌اکنون این طیف با همان عنوان «دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب» در
دانشگاه‌های شهرهای ذیل اعلام موجودیت نموده‌اند و همه آن‌ها دارای وبلاگ
هستند:

شاهرود، کرمانشاه، قزوین، شیراز، میبد، یزد، مشهد، اهواز، ارومیه، سنندج،
اصفهان و کرج.

فراخوان‌ها:

این طیف فراخوانی دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب دانشگاه‌های ایران در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۰۷ (برابر ۷ دی ماه ۱۳۸۶) را به سازمان‌ها، نهادها، مراجع بین‌المللی، به عنوان روز جهانی اعتراض به حکومت اسلامی در رابطه با دستگیری دانشجویان در ایران را داده بود. هم‌چنین دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب روز ۱۶ فوریه ۲۰۰۸ (برابر با ۲۷ بهمن ۱۳۸۶) فراخوان یک آکسیون سراسری در اعتراض به جمهوری اسلامی برای اعلام خواست آزادی بی‌قید و شرط همه دانشجویان زندانی را داده‌اند. در این زمینه قابل ذکر است که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از این فراخوان حمایت و از نیروهای آزادی‌خواه خواسته که به این فراخوان بپیوندند.

ب - سوسیالیست‌های کارگری (چپ کارگری)

۱- پیشینه

پس از تشکیل جبهه چپ رادیکال در پاییز سال ۱۳۸۵ و همکاری چند ماهه رادیکال‌ترین نیروهای بدنه چپ جنبش دانشجویی در قالب «جبهه چپ رادیکال» و برگزاری مراسم ۱۶ آذر (روز دانشجو) و ۸ مارس (روز جهانی زن - برابر با ۲۴ اسفند ۱۳۸۵)، گروهی از افراد با انتقاد نسبت به برخی سیاست‌ها و نحوه عمل جریان غالب جبهه چپ رادیکال و اعتراض به عدول این جریان از قوانین فعالیت جبهه‌ای و طرح بحث اخراج کسانی که در برابر سیاست‌گذاری کلی جریان چپ رادیکال تمکین نمی‌کنند، اعلام به خروج از جبهه چپ رادیکال نمودند و با توجه به اینکه جبهه چپ رادیکال، عملاً به یک «جریان واحد» تقلیل یافته، اما گرایش‌ات گوناگونی در بین معترضین موجود بود، اقدام

به تشکیل جبهه چپ کارگری در اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ نمودند. این طیف با بیانیه‌ای از طرف پ.ن.الف و الف.ص اعلام موجودیت نمود.

در این بیانیه، بر ارتباط با جریان‌های کارگری و احزابی که مسایل کارگری را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند تصریح گردیده است. ارتباط این طیف با احزابی چون راه کارگر و تریبون آن یعنی رادیو برابری و نیز شورای همکاری تشکل‌های کارگری محرز می‌باشد.

۲- چپ کارگری و اصلاحات

از دید چپ کارگری مبارزه اقتصادی کارگر و تلاش برای بهبود وضعیت طبقه کارگر از طریق تحمیل اصلاحات سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری (Capitalism) جزء جدایی‌ناپذیر مبارزه کارگری است. پ.ن.الف یکی از فعالین این طیف تمایز مارکسیست‌ها را از اصلاح‌طلب‌ها این گونه شرح می‌دهد:

«آنچه ما مارکسیست‌ها را از رفمیست‌ها (اصلاح‌طلب‌ها)

(Reformist) متمایز می‌سازد، آن است که ما در جریان مبارزه

برای اصلاحات، هرگز اهداف سوسیالیستی را از نظر دور نمی‌داریم.

این وظیفه کمونیست‌ها است که در مبارزات روزمره کارگران علیه

سرمایه‌داران شرکت فعال داشته باشند و از این منظر اصلاحات

می‌تواند موقعیت و شرایط مبارزه زحمتکشان را بهبود بخشد. بنابراین

هدف از اصلاحات ایجاد شرایط مساعدتر برای مبارزه طبقاتی

کارگران است که به واسطه آن بیاموزند که از طریق سازماندهی و

فعالیت جمعی می‌توانند بر نظام سرمایه مطالبات خود را تحمیل کنند

و نهایتاً به برقراری مالکیت عمومی بر ابزار تولید و لغو کارِ مزدی دست یابند.»

چپ کارگری بر عکس رادیکالیسم غیر کارگری که برای اعضایش پیروزی را حتمی و قطعی تصویر کرده و معتقد است برای چپ کارگری پیروزی به هیچ وجه حتمی نیست. این عمل انسان‌هاست که نتیجه را مشخص می‌نماید.

۳- تاکتیک اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری

اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری، برای چپ کارگری تاکتیکی است که برای برون‌رفت از وضع موجود (بی‌افقی جنبش دانشجویی برای رسیدن به مطالبات خود)، توسط چپ دانشگاهی، پیش‌روی آن قرار داده شده است. در واقع چپ کارگری شعار «دانشجو، کارگر، اتحاد اتحاد» را به مثابه تاکتیک مشخص برای دستیابی به سوسیالیسم کارگری در دستور کار خود قرار داده است.

اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری به این معناست که جنبش دانشجویی، بایستی بکوشد تا موانع ورود طبقه کارگر به عرصه سیاسی - اجتماعی را (در حد توان) برطرف سازد:

۱- طرح مطالبات توده‌های کارگر درون دانشگاه. آن‌ها نه فقط در آستانه یک‌می (روز جهانی کارگر) بلکه در کل سال. انعکاس اخبار جنبش کارگری درون دانشگاه و مطرح کردن شرایط طبقه کارگر برای توده‌های دانشجو که باعث می‌شود ذهنیت روشن از وضعیت جنبش طبقه کارگر و مطالبات کارگران در هر مرحله از مبارزه طبقاتی درون دانشگاه به وجود آید.

۲- فعالین چپ در دانشگاه باید به توضیح این استراتژی برای توده‌های دانشجو بپردازند. از یک سو عینی شدن شعار «اتحاد دانشجویان با کارگران» و

تبدیل شعار به امری فعال و واقعی به میزان زیادی در گرو فعالیت دانشجویان (مشخصاً دانشجویان فعال) است. از سوی دیگر طرح و تکرار این تاکتیک و برداشتن گام‌های جدی در این راستا بهترین راه برای به چالش کشیدن، مقابله و حمله به جریان‌ات راست می‌باشد.^۱ چرا که با دادن یک طرح اساسی به چپ، تکیه‌گاه لازم برای نشان بی‌اعتباری استراتژی راست را در اختیار چپ قرار می‌دهد که با استفاده از آن، جریان چپ می‌تواند جنبش دانشجویی را به تسلط خود درآورد.

۴- استراتژی قطب سوم

جریان چپ شعار «نه به امپریالیسم، نه به ارتجاع» را در راستای سیاست قطب سوم مطرح می‌نماید. از نظر این جریان نظام جهانی سرمایه‌داری، سه ایدئولوژی را در منطقه خاورمیانه تولید می‌کند. ایدئولوژی اسلام سیاسی، ایدئولوژی امپریالیستی، ایدئولوژی کارگری - کمونیستی، این سه ایدئولوژی جهان شمول در تضاد و رقابت‌اند و فقط یکی از میان این سه ایدئولوژی، برنامه‌ای است که می‌تواند ساختار جامعه را شکسته و آن را باز آفریند. فقط یکی از آنها پیش شرط مادی ظهور یک جامعه دیگر است. به همین دلیل تقویت موضع ضدیت

۱. استیضاح «س.ح» از سمت دبیر تشکیلات دفتر تحکیم وحدت آغازی بر اختلافات دو طیف لیبرال و چپ بوده است. اوج این اختلافات را باید در تجمع ۳۰ مهر دانشگاه پلی‌تکنیک (امیرکبیر) در اعتراض به صدور احکام علیه سه دانشجوی پلی‌تکنیک و مراسم روز دانشجو (۱۸ آذر) که در دانشگاه تهران برگزار شد، دانست. در این دو تجمع طیف چپ سعی در مصادره به مطلوب کردن این تجمعات به نفع خود داشت که اعتراض انجمن اسلامی را به صورت هلنی با صدور اطلاعیه‌ای در پی داشت. در این اطلاعیه آورده شده که مواضع مشترک میان دانشجویان فعال در انجمن‌ها و فعالین چپ طی سال گذشته انگشت شمار بوده و این دو طیف در نوع نگاه به مسائل با هم اختلاف اساسی دارند.

با هر دو بطور عینی موقعیت قطب کارگری را تقویت می‌کند. نشریه حقیقت (ارگان حزب، کمونیست ایران) در شماره ۳۷ در این باره می‌نویسد:

«در زیر بنای فلسفی، اقتصادی و سیاسی ما برای تبیین سیاست قطب سوم در شرایطی که امپریالیسم و بنیادگرایی اسلامی به تخاصم با هم بلند شده‌اند، همین است. برای تقویت موضع ضدیت با قطب‌های ارتجاع و امپریالیسم باید مرتباً «یگانگی و وحدت» آن دو قطب و تفاوت کیفی قطب پرولتاریا با آنها را روشن کنیم و مانع از آن شویم که این «یگانگی» اساسی آنان در پرده ابهام فرو رود. فقط به این ترتیب می‌توانیم توده‌های مردم به خصوص توده‌های زحمتکش را به موضع فعال، ترجیحاً مترقی و مصمم بکشانیم.»

در نشریه حقیقت (همان شماره) در این خصوص آمده:

«اهمیت جنبش دانشجویی فقط به آگاه‌گری ضدامپریالیستی و دموکراتیک محدود نیست اگر چه مطالبات دموکراتیک، آزادی‌خواهانه و ضداستبدادی از محرک‌های مهم این جنبش است، اما انگیزه‌ها و کارکرد این جنبش به تحقق این خواست‌ها محدود نیست. این جنبش نقش مهمی نیز در نوسازی و بازسازی جنبش کمونیستی ایران دارد ... بازسازی، نوسازی و تقویت جنبش کمونیستی که هنوز از ضربات سهمگین کمر راست نکرده است، بدون جریان‌یابی این خون تازه به درون پیکرش، بسیار مشکل خواهد بود. جنبش کمونیستی نیز با نوسازی ایدئولوژیک و سیاسی خود باید امکان جذب این خون تازه را فراهم کند. بدون ارائه یک جمع‌بندی

نقادانه تاریخی از تجارب گذشته جنبش کمونیستی در سطح ملی و بین‌المللی و بدون پاسخگویی به سؤالات نوین، این خون تازه جذب جنبش کمونیستی نخواهد شد.

فعالین چپ دانشجویی نیازمند سیاست‌های روشن برای هدایت جنبش دانشجویی هستند. سیاست‌هایی که باید ناظر بر صف‌بندی‌های سیاسی و آرایش قوای طبقاتی در جامعه باشد. در مقطعی نه چندان دور، مرزبندی با جریان دوم خرداد برای حفظ سلامت ایدئولوژی سیاسی و پیشرفت جنبش دانشجویی ضروری بود. در دوره اخیر تبلیغ سیاست قطب سوم و مخالفت با جنگ ارتجاعی برای سد کردن راه طرفداری از این یا آن قطب ارتجاعی بسیار ضروری است. جا افتادن این سیاست در جنبش دانشجویی از دستاوردهای مهم مبارزات مردم ایران است.»

۵- انشعاب در طیف چپ کارگری

آنچه در ارزیابی چند ماهه این جبهه (چپ کارگری) از نظر پ.ن.الف و الف.ص (از پایه‌های اصلی تشکیل جبهه) بیش از همه جلب نظر می‌نمود، بی‌قانونی، نوعی فرصت‌طلبی (Opportunism) و انحراف از اهداف اولیه تشکیل این جبهه است که توسط برخی افراد که خود را از رهبران و سیاستگذاران چپ کارگری نامیده‌اند صورت گرفته است. بنابراین پ.ن.الف و الف.ص طی بیانیه‌ای (بیانیه اعلام مواضع پیرامون جبهه چپ کارگری) در تاریخ ۱۳۸۶/۰۸/۱۱ پروژه چپ کارگری را خاتمه یافته تلقی نمودند. در مقابل، جبهه چپ کارگری با صدور اطلاعیه‌های درخصوص این بیانیه، آن را نشانه

خروج این دو از جبهه چپ کارگری اعلام نمود. به دنبال این قضایا، ۳ تن از اعضای جبهه چپ کارگری (ه.ب.ن، م.ث و الف.ص) در اعتراض به اقدامات برخی اعضاء در عدم انتشار بولتن، انحراف جریان چپ کارگری از اهداف مارکسیستی بنیانگذاران خود و توافق در برگزاری مراسم ۱۶ آذر با همراهی چپ شورایی، با صدور بیانیه‌ای (بیانیه اعلام خروج از جبهه چپ کارگری) خروج خود را از این جبهه در تاریخ ۱۳۸۶/۰۹/۰۹ اعلام نمودند. درخصوص این جریان باید خاطر نشان ساخت که برخی از افراد تشکیل‌دهنده این بخش از جریان چپ مارکسیستی همچون ک.الف و ف.ش به علت عدم رعایت مسایل حفاظتی، نداشتن نظم سیاسی و نیز گذشته سیاسی آنها در شاخه دانشجویی حزب مشارکت از این جریان اخراج شدند. افراد اخراج شده به همراه برخی از عوامل اخراجی چپ و رادیکال که به دستور ن.ز و با هدایت م.الف.چ (دانشجوی دانشگاه علامه) و س.ح (دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس) تحقق یافت، توانستند خود را در سازمانی تحت عنوان چپ دموکراسی (سوسیال دموکراسی) سازماندهی نمایند.

فعالین دانشجویی شناخته شده طیف چپ کارگری عبارتند از: ف.ش، ک.الف.الف.پ.ن، الف.ص، ه.ب.ن، م.ث، ک.الف، نسیم سلطان بیگی. وبلاگ‌هایی که افکار این طیف چپ را منتشر می‌نماید عبارتند از: وبلاگ پراود، میلیتانت، روزمرگی‌های شهری (ف.ش)، عمو کیون (ک.الف.الف) و آوای دانشگاه.

ج - سوسیال دموکرات‌ها (چپ‌های میانه رو)

سوسیال دموکراسی اعتقادی به نابودی نظام سرمایه‌داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا ندارد، در حقیقت این طیف آرمان و امر انقلاب کارگری را از دستور کارشان خارج کرده است. این جریان معتقد است که برای رسیدن به سوسیالیسم باید «اصلاحات» را درون نظام سرمایه‌داری به انجام رسانید. این جریان در درون نظام سرمایه‌داری فعالیت می‌کند و به دنبال کسب قدرت سیاسی با روش‌های دموکراتیک است و به جای مخالفت با دموکراسی و نقض حقوق بشر، به فکر کسب قدرت سیاسی با روش‌های دموکراتیک است و به جای مخالفت با نظام سرمایه‌داری به فکر راه سومی برای سرمایه‌داری سودمند برای طبقه‌های بی‌بضاعت و کارگران است.

پیشینه

پیشینه شکل‌گیری طیف سوسیال دموکراسی در دانشگاه‌ها به سال ۸۲ - ۸۱ و با انتشار نشریه دانشجویی «تابوت» در دانشگاه تهران به همت سمانه اسدخانی و م.ن.ص، برمی‌گردد که از گروه دانشجویی «گون» منشعب شدند. در شرایط کنونی بخشی از جریان چپ دموکراسی‌خواه (سوسیال دموکرات‌ها) از الحاق نیروهای اخراجی جریان چپ رادیکال و کارگری تقویت شده است. افرادی چون ک.الف، الف.زل، ف.ش، ب.د.ز و ک.م از شاخص‌های این جریان بوده که به طور عمده در قالب سایت اینترنتی سلام دموکرات (Salam democrat) سازماندهی پیدا می‌کنند. همچنین این دانشجویان با الهام از اولین رادیو اینترنتی جریان چپ دانشجویی بعد از انقلاب (رادیو آشوب)، رادیو

اینترنتی آوای کار را تأسیس و فعال نمودند. این رادیو اقدام به مصاحبه با برخی از فعالین همفکر این جریان از جمله ف.ش نموده است.

به فراست می‌توان دریافت با توجه به نوع فعالیت‌ها و نحوه تعامل این جریان با سایر جریان‌های شاخه راست، جریان چپ دموکراسی‌خواه (سوسیال دموکرات‌ها) و چپ رادیکال سم‌پاشی‌هایی را علیه یکدیگر آغاز نموده‌اند. در این راستا اشاره به مصاحبه م.گک (از فعالین چپ رادیکال) با اخبار روز خالی از فایده نیست:

م.گک در پاسخ به سؤال اخبار روز مبنی بر اینکه دفتر تحکیم وحدت برای مقابله با «چپ رادیکال» از «سوسیال دموکراسی» برخی فعالین چپ قدیمی خارج از کشور یاری گرفته است می‌گوید:

«علم کردن سوسیال دموکراسی در برابر چپ موجود در دانشگاه که به حق خود را رادیکال می‌نامد، بیشتر یک لطیفه است. تلاش آنها برای ساختن یک اپوزیسیون نرم برای رژیم و یک مخالف متمدن برای ماست... کسانی که امروز با استفاده از سایت تحکیم و نشریاتی که شاید از دسترس شما به دور باشد (چون در سطح دانشگاهی توزیع می‌شود) به تبلیغ سوسیال دموکراسی پرداخته‌اند، اکثراً خود ذره‌ای اعتقاد به محتوای سیاسی و پایه‌های تئوریک و پیشینه تاریخی و امکان تحقق و اجرایی شدن آن ندارند... برای ما مشخص است که لیبرال‌ها هم تعلق خاطری به این جریان ندارند. این تلاشی است برای مهار استقبالی که امروز به چپ رادیکال در جامعه بوجود آمده است.»

د - چپ شورایی

محور اساسی اندیشه این جریان، تشکیل شوراهای کارگری به صورت خودجوش است. این جریان باور به توان ایجاد این شوراها توسط کارگران در شرایط انقلابی دارد و با ایجاد حزب مخالفت می‌کند. آنتون پانه کوک یکی از بینانگذاران چپ شورایی است. نوشته‌های او در مورد شوراهای کارگری است. پانه کوک شوراهای کارگری را شکل جدیدی از سازمانی که قادر به فائق آمدن بر محدودیت‌های سازمان‌های قدیمی جنبش کارگری، اتحادیه‌های تجاری و احزاب سوسیال دموکرات است، تلقی می‌کرد. او نظریه‌اش را بر مبنای عملکرد شوراهای کارگری خود انگیخته و به شکل دموکراتیک سازماندهی شده، در انقلاب روسیه پروراند.

جملات زیر در تشریح این جریان از پانه کوک انتخاب شده است:

«در شرایط واقعاً انقلابی، مثل روسیه ۱۹۰۵ و مجدداً در ۱۹۱۷، همین طور در آلمان و اتریش ۱۹۱۸ شوراهای کارگری و سربازان به طور خودجوش پدید آمدند و از طریق گسترش نظام شورایی در مقیاس ملی، تلاش در سازماندهی حیات اقتصادی و سیاسی جامعه کردند.»

«... کارگران می‌توانند از طریق شوراهای کارگری یک اتحاد محکم برای به دست‌گیری کامل اداره کل جامعه به وجود بیاورند، به بیان دیگر ثابت می‌کنند که آن چنان هم که به نظر می‌رسید برای انقلاب ناتوان نیستند. در آن صورت، بنابر ضرورت، تضادها با حزبی پدیدار می‌شود که می‌خواهد خود قدرت را به دست گیرد و در طبقه

کارگر تنها بی‌نظمیِ آنارشیستی می‌بیند. احتمالاً کارگران جنبش خویش را توسعه داده و حزب را خواهند روید، یا حزب عوامل بورژوازی کارگران را شکست می‌دهد. در هر حالت، حزب مانعی در راه انقلاب است که می‌خواهد چیزی بیش از ابزار تبلیغ و روشنگری باشد، چرا که خود احساس می‌کند به عنوان حزب، از آن خواسته شده که رهبری و حکومت کند.»

«برای ما سنت درخشان انقلاب روسیه مبتنی بر این واقعیت است که در انفجارهای اولیه‌اش در سال‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ برای اولین بار شکل سازمانی فعالیت انقلابی آتونومی کارگری - یعنی شوراها - را پرورش داده و به کارگران همه جهان نشان داد. از آن تجربه که بعداً در مقیاس کوچک‌تری در آلمان تأیید شد، ما عقایدمان را در مورد اشکال فعالیت توده‌ای که برای طبقه کارگر مناسبند و باید برای سبک‌رهای خودشان به کار بسته شود بیرون کشیدیم.»

چپ شورایی از جمله انشعاباتی است که در حوزه چپ در سطح دانشگاه علامه طباطبایی توسط برخی از فعالان این حوزه صورت پذیرفته است. جمعی از دانشجویان چپ دانشگاه علامه با صدور بیانیه‌ای تحت عنوان «وقت سکوت نیست!» در خصوص اعتراض به برخوردهای صورت گرفته با دانشجویان چپ، موجودیت خود را تحت عنوان دانشجویان چپ شورایی دانشگاه علامه تهران در تاریخ ۸۶/۰۹/۲۱ اعلام داشتند. به ادعای یکی از فعالین این شاخه تعداد فعالان این طیف از چپ تقریباً ۴۰ نفر می‌باشد که یکی از اعضای اصلی آن ع.الف است. فعالان این حوزه درخصوص نحوه فعالیت و ساختار این نوع از

گرایش اظهار داشته‌اند: «چپ شورایی یک طیف فکری متفاوت از انجمن و چپ است. تشکیلات نیست و عضوگیری ندارد.» این فعال چپ افزود: «ما چپی هستیم که دموکرات است و با چپ کارگری (طبقه انقلابی کارگر) متفاوت است ما طیفی از مارکسیست‌ها هستیم که عضوگیری در این طیف معنی ندارد.» وی هم‌چنین درخصوص چپ‌های موجود ادامه داده است: «چپ‌های موجود آزادی‌خواهان، چپ کارگری، چپ رادیکال و چپ دانشجویی می‌باشند.»

و - چپ انتقادی

طیف چپ انتقادی طی سه مقاله در «نشریه دانشجویی تیر» در سطح دانشگاه شیراز در دی ماه ۱۳۸۶ موجودیت خود را اعلام نمود. این طیف درخصوص اعلام موجودیت خود در مقاله «وجدان معذب، چپ انتقادی و اراده معطوف به تغییر» اظهار داشته‌اند:

«باید بر امحاء و تغییر واقعیت برای رسیدن به فضایی انسانی‌تر پافشاری کرد. این تغییر واقعیت خود حکایت از نوعی مبارزه‌دار... در ساختار موجود محذوفین وجود دارند که در سلسله مراتب اجتماعی هیچ جایگاه استوار و معینی ندارند اینان در جریان تصمیم‌گیری‌ها غایبند و از حق مالکیت بر خویشتن برخوردار نیستند تغییر برای محذوفین واجد اهمیت اساسی است و تنها آنها هستند که ضرورت آن را درک می‌کنند... ما در اینجا از موضع این محذوفین حرف می‌زنیم و به نام آنها اعلام موجودیت می‌کنیم. اعلام موجودیت به عنوان حذف شده، خود از نوعی مقاومت در برابر

ایدئولوژی مسلط حکایت دارد... محذوفین برای تغییر و امحای واقعیت ناچار به ورود به عرصه قدرت و سیاست هستند. این اعلام موجودیت محذوفین از میل آنها برای تصاحب قدرت نیز پرده بر می‌دارد چرا که رهایی یک محذوف تنها به مدد کسب قدرت میسر است... اجتماع محذوفین برای تغییر و رهایی همان چیزی است که ما از آن به عنوان جنبش اجتماعی یاد می‌کنیم... گرد هم آمدن معلم، کارگر، دانشجو، زنان و تمام کسانی که فصل مشترکشان نبودن و عدم حَضَر است، نقطه‌ی شروع جنبش اجتماعی است.»

فعالین چپ انتقادی درخصوص چگونگی انتخاب صفت انتقادی برای ما به معنای عقیم کردن چپ و عزلت‌نشینی آن نیست بلکه دقیقاً به معنای انقلابی کردن آن است. برای ما سنت عظیم فلسفی چپ، ایده‌هایی است تاریخی که باید به زمان حال ترجمه و استفاده استراتژیک از آن شود. ما فقط به شناسایی و تحلیل امر واقع بسنده نمی‌کنیم بلکه تفسیر [تئوری‌پردازی] را مقدمه‌ای برای تغییر [دگرگون کردن حاکمیت سیاسی] می‌دانیم. ما منتقدیم و قدرت نقد را در راستای تغییر به کار می‌گیریم. بنابراین شعارمان «نقد مشخص و انضمامی [عینی] از چیزی مشخص و انضمامی» است.

برخی ویژگی‌های چپ‌های انتقادی به نقل از خودشان این چنین ارزیابی می‌گردد:

۱- این طیف خود را منتقد لنینیسم و مارکسیسم ارتدوکس می‌داند و بیان می‌دارد مبارزه تئوریک با مارکسیسم ارتدوکس و انواع برداشت‌های عهد بوقی و ارتجاعی از آن‌ها یکی از کارهای عمده ماست.

۲- خود را رادیکال می‌دانند، از آن جهت که قصد دستیابی به ریشه‌ها را دارند و همیشه به دنبال ریشه امور هستند.

۳- خود را جزئی از طبقه کارگر می‌دانند.

۴- خود را سیاسی می‌دانند. برای آن‌ها همه چیز از پیش سیاسی است. چرا که از نظر آن‌ها رد پای کلیت تمامیت خواه در هر عملی و هر واقعیتی قابل مشاهده است. سیاست برای آن‌ها یعنی صدا دار کردن بی‌صدایان، یعنی به صحنه آوردن آنان که از بازی حذف شده‌اند.

۵- خود را مطلقاً مدرن می‌نامند و اعتقادات (بنیادگرا از هر نوع) را نمی‌پسندند و چرا که معتقدند این اعتقادات زودتر از بین می‌رود.

۶- خود را لامکان می‌دانند از آن جهت که در همه جا هستند.

۷- خود را مشوش کننده اذهان می‌دانند و اتفاقاً آزادی را نیز نتیجه همین تشویش می‌دانند.

لازم به ذکر است که «نشریه دانشجویی تیر» منعکس کننده نظرات و دیدگاه‌های این طیف چپ است. هم چنین از فعالین شناخته شده این طیف می‌توان به ک.ر.ع.الف اشاره کرد.

نقاط اشتراک و افتراق طیف‌های چپ بر اساس دسته‌بندی فوق

طیف‌های چپ رادیکال، کارگری، شورایی و انتقادی در نفی نظام سرمایه‌داری و براندازی آن از طریق انقلاب و برپایی یک جامعه بی‌طبقه «کمونیستی» اشتراک نظر دارند. اما در چگونگی دستیابی به این هدف در عمل اختلاف دارند. چپ رادیکال توسل به اعمال خشن مسلحانه و چریکی را در پیروزی انقلاب ضروری دانسته و بر این باور است که برای حصول به هدف

نهایی نیازی به طی مراحل انقلابی مارکس نیست و هر کشوری با توجه به شرایط خود می‌تواند از راه میانبر شرایط انقلاب را ایجاد نماید. اما در مقابل، چپ کارگری توسط به اعمال فوق را هزینه‌بردار تلقی کرده و معتقد است با انجام یکسری اصلاحات و تحمیل آن به نظام برای بهبود اوضاع طبقه کارگر و دادن خود آگاهی‌های لازم به این طبقه شرایط را برای انسجام انقلاب مهیا کرده‌ایم. این طیف به طی مراحل انقلابی مارکس پایبندی خاص نشان می‌دهد. چپ شورایی با انتقاد از لنین با ایجاد حزب مخالفت کرده و آن را مانعی بر سر راه حرکت طبقه کارگر و انقلاب دانسته و بر خود مختاری طبقه کارگر از طریق ایجاد شوراها برای به دست‌گیری اختیار و کنترل کارها برای انجام انقلاب تأکید می‌نماید.

دومین نقطه اشتراک طیف‌های فوق در بکارگیری پتانسیل جنبش‌های اجتماعی دیگر (دانشجویان، زنان، معلمان، پرستاران، اقوام و ...) در خدمت جنبش خود و اتحاد تمام این جنبش‌ها به رهبری طبقه کارگر برای تقویت چپ و تسهیل دستیابی به هدف است.

در مقابل دیگر طیف‌ها، تنها طیف سوسیال دموکراسی است که به دنبال نفی نظام سرمایه‌داری و براندازی آن نیست؛ بلکه به اصلاح طبقه کارگر در درون نظام می‌اندیشد. چرا که معتقد است «دیکتاتوری پرولتاریا» با نظام سرمایه‌داری تفاوتی نمی‌کند. در حقیقت این طیف اصلاح را جایگزین انقلاب نموده و درصدد کسب قدرت سیاسی از راه‌های دموکراتیک برای انجام اصلاحات است.

چپ دانشجویی و تقسیم‌بندی گرایش‌های آن بر اساس گروه‌های دانشگاهی

پس از قریب یک دهه سکون و سکوت چپ در ایران، اولین نشانه‌های حیات آن در درون دانشگاه و این بار از طریق گروه‌ها و نشریات و متعاقب آن، وبلاگ‌های دانشجویی مشاهده گردید. از جمله این گروه‌ها در سال‌های اخیر می‌توان به رستا، اشتراک، کانون امروز، نما، چپ نو، بذر، خاک، هومان، دانشگاه و مردم و توقیف شد و وبلاگ‌هایی با عناوین دانش سرخ، فریاد سرخ، ندای سرخ، ۱۹ بهمن، خاک، مطالعات فرهنگی رادیکال، چپ نو و ... که همگی ماهیت سوسیالیستی دارند و در دانشگاه‌های تهران، خراسان، قزوین، آذربایجان شرقی و اصفهان فعالیت می‌نمایند اشاره کرد. پایگاه عمده این گروه‌ها و نشریاتشان در دانشگاه‌های تهران و امیرکبیر متمرکز شده‌اند و نویسندگانی که ظهور پیدا کرده‌اند، هر یک بنا به مقتضای خود با ایجاد نشریه و یا وبلاگ به بازخوانی جنبه‌هایی از تفکرات مارکس و تابعان وی و تطبیق آن با اوضاع کنونی کشور پرداخته‌اند. نقش دانشگاه علامه طباطبایی (ره) نیز در این راستا می‌تواند در خور توجه باشد. جالب توجه است که بر خلاف سایر مکاتب فکری، نویسندگان این حوزه فکری از ویژگی کار تشکیلاتی و سامان‌مند و ارتباط قوی و منسجم میان خویش بهره می‌برند. این میراث بری از گذشتگان مارکسیست در کار تشکیلاتی، سبب شده است تا نام نویسندگانی را به طور تکراری در سایر نشریات این طیف مشاهده کنیم؛ از جمله ب.ک.ز، پ.پ، س.ح، م.الف، ک.ع و

جریان چپ و گرایش‌ات موجود در سطح خرد در بین فعالان دانشجویی در سطح خرد در بین افراد فعال چپ دانشجویی گرایش‌ات خاصی نیز وجود دارد. لازم به ذکر است این نوع گرایش‌ات با توجه به تحلیل و تفسیرهای فردی از چپ به وجود آمده است، که در ذیل به اختصار به آن می‌پردازیم.

- مارکسیسم اکونومیست: (مارکسیسم جبرگرا) از آمیختگی با مارکسیسم روسی یک جریان انقلابی تشکیل می‌دهد که در دانشگاه تهران غالب است. رهروان این نوع از مارکسیسم الف.ص را می‌توان نام برد.

- مارکسیسم لنینیسم: جریانی است که به واسطه عصیت کارگری به قصد به هم زدن نظم موجود از دنیای نظریه‌پردازی فاصله می‌گیرد و به عمل خشن و انقلاب رو می‌آورد از این رو به این نوع از مارکسیسم، مارکسیسم انقلابی نیز اطلاق می‌شود مثل پیروان و مسئولین نشریه خاک در دانشگاه تهران

- مارکسیسم انتقادی: این نوع از مارکسیسم بیشتر دغدغه نشریه‌پردازی دارد و کار مطبوعاتی را به عنوان پروژه اصلی عمل سیاسی تبلیغ می‌کند. از طرفداران این گرایش به پ.ن.الف می‌توان اشاره نمود.

- مارکسیسم ساختارگرا: آن نوع مارکسیسم است که به ساختارهای اصلی مارکسیسم توجه دارد. روزه صف شکن، ک.الف و الف.ح از این گروه‌اند.
- چپ چریکی: معتقد به مشی چریک‌های فدایی هستند و از مصادیق آن ع.ت را می‌توان برشمرد.

- مائوئیسم: مارکسیسم اعتقاد به انقلاب‌های دهقانی دارد که برگرفته از عقاید مائو رهبر چپ چین می‌باشد.

- آپوئیسم: معتقد به تشکیل گروه‌های مسلحانه چند نفره در سطح شهرها می‌باشد.

تقسیم‌بندی گروه‌های چپ از نگاه ع.ت

ع.ت نمونه بسیار خوب از فرایند افراط و تفریط در انجمن‌های اسلامی دفتر تحکیم است.

افراطی‌گری‌ها و زیاده‌روی‌های اعضای انجمن در قبال مسائل مختلف و روزمره و نیز دارا بودن نگاه غیرعلمی به پدیده‌ها و انجام اقداماتی به نفع نیروهای معاند سبب شکل‌گیری و ظهور افرادی با مزام مارکسیستی آن هم در درون اندیشه‌های به اصطلاح دموکراسی‌خواهانه و آزادی‌گرایانه انجمن اسلامی که نمونه یک تفریط بارز است می‌گردد.

ظهور این‌گونه جریانات هر چند ضعیف و یا مجازی یادآور تمامی نصیحت‌ها و هشدارهایی است که دستداران دانشجو و دانشگاه نسبت به عملکرد افراطی و وابسته به خارج برخی از انجمن‌های اسلامی دفتر تحکیم می‌دادند. چرا که گفته‌های «ع.ت» نشان می‌دهد ریشه‌های فکری این گروه‌ها در دوران انجمن‌های اسلامی دفتر تحکیم بسته شده است. گویی افرادی که برای افزوده شدن خلوص ارتباط مذهب و سیاست خود وارد انجمن‌های اسلامی شده بودند به دلیل وجود اشتباهات فراوان مسئولان آن در تعریف وظایف یک تشکل دانشجویی به هویتی کاملاً متضاد با اندیشه‌ها و اهداف انجمن‌های اسلامی پناه بردند.

ع.ت که خود را «مارکسیست لنینیست» می‌خواند و به نوعی ماهیت این گروه‌ها را عنوان می‌کند اندیشه‌های خشن این نظام فکری را نیز از همین آغاز به خوبی آموخته است. این موضوع مطلب از محتوای وبلاگ او هویدا است، آنجا که خطاب به یکی از هم مسلکانش که با او اختلاف پیدا کرده می‌نویسد:

«من از امروز با اسلحه به دنبال تو هستم. هر جا هستی و هر کجا که هستی مطمئن باش که من با اسلحه دنبال تو هستم. وسط انقلاب من با اسلحه دخل تو و امثال تو را می‌آورم ...»

ع.ت در بخشی از مصاحبه خود در پاسخ با س.ح مبنی در پاسخ به سؤال وی بر چگونگی وضعیت چپ در ایران می‌گوید:

«در بخش چپ دانشجویی (علنی - سیاسی) ما شاهد حضور سه جریان مطرح در عرصه عمومی دانشگاه هستیم. «چپ رادیکال»، «چپ کارگری» و «سوسیالیست‌های دانشگاه امیرکبیر». البته من واقعاً نمی‌دانم که ملاک این اسم‌گذاری‌ها چیست چون من نمی‌توانم یک جریان چپ واقعی را تصور کنم که رادیکال، کارگری و سوسیالیستی نباشد. خوشبختانه این گروه‌ها، سایر گروه‌های غیرجدی و انحرافی را حذف کرده‌اند و من فکر می‌کنم که عاقبت اتحاد عمل جالبی بین آنها ایجاد گردد. به نظر من هیچ یک از این گروه‌ها به این شکل نمی‌تواند پایدار بمانند. مسلماً به دلیل ماهیت، افکار، نوع نیروها و طراحی تاکتیک‌ها هرگز اینها توانایی جذب کامل یکدیگر را ندارند. طیف سوسیالیست پلی تکنیک یک طیف جوان است که هنوز مرحله اصطکاک داخلی خود را طی نکرده است و وارد تعامل برون گروهی هم نشده است باید صبر کرد و دید این طیف تا کجا جلو می‌رود و به کجا می‌رسد. گرچه این طیف از نظر تعداد مهره‌ها و گستردگی در حد دو طیف دیگر نیست و حتی از همسو بودن این جریان با طیف چپ کارگری صحبت می‌شود، اما با توجه به تفکری

که پشت این جریان وجود دارد احتمال آنکه در آینده اثرات خاصی بر کل چپ دانشجویی بگذارند هست. طیف چپ کارگری صرف نظر از اینکه نطفه به وجود آمدنش به واسطه مقابله با این طیف رادیکال بود، اکنون با یک افت جدی به نام «مسمومیت رسانه‌ای» رو به رو است. اعضای این طیف به جای حضور در دنیای واقعی در دنیای مجازی سرگرم شده‌اند. طیف چپ رادیکال که قدیمی‌ترین طیف چپ فعال در میان این سه جریان مطرح در دانشگاه است هم از «درون‌گرایی بیش از حد» و هم از عدم توانایی در ایجاد تعامل خارجی خود رنج می‌برد.»

توضیحی در مورد رادیکالیسم از نگاه حامیان آن در دانشگاه رادیکالیسم به معنای امروزی آن یعنی تندروی و «چپ رادیکال» اصطلاحی است که دارای یک معنی عجیب و آمیخته از دموکراسی غربی و سوسیالیسم شوروی است که برخی از اعضای سابق انجمن‌های اسلامی مبدع آن هستند. به نظر می‌رسد یکی از مبدعان این نظریه «م.الف.چ» دبیر سابق انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی است وی در توضیح این واژه در وبلاگ خود می‌نویسد:

«جریان چپ همواره درصدد بوده است تا امور اداره جامعه را به مردم و زحمتکشان بازگرداند و جامعه‌ای ایجاد کند، تا در آن مردم به صورت واقعی و نه به شکل صوری حاکمان جامعه گردند. چپ رادیکال، دموکراسی سیاسی را برای رهایی طبقه کارگر و دیگر اقشار فرو دست جامعه بسیار لازم و حیاتی می‌داند. برخلاف

دموکراسی لیبرالی که هر چند بر آزادی‌های فردی تأکید می‌کند، اما به دلیل اینکه از آزادی کامل جامعه وحشت دارد و با تعمیق دموکراسی سیاسی و گسترش آن به مقوله اقتصاد مخالف است، ناچار با عمومیت یافتن آزادی‌های فردی در زندگی واقعی یعنی با برقراری فرصت‌های برابر برای همه، جهت بر خورداری واقعی از آزادی مخالفت می‌ورزد. از منظر سوسیالیستی ایراد اصلی به دموکراسی همین جدا قلمداد شدن مسأله دولت و قدرت سیاسی از اقتصاد سیاسی و مبارزه طبقاتی در جامعه است.»

چنانچه ملاحظه می‌شود اصطلاح چپ رادیکال برای رهایی از انتقادهای گروه‌های دانشجویی و مردمی نسبت به اشکال مختلف چپ طراحی شده است. چرا که ویژگی عمده تفکر چپ مقابله با آزادی و دموکراسی، سرکوب و اختناق کامل در جوامع است که تاریخچه نظام‌های سوسیالیستی به خوبی این مدعا را تأیید می‌کند. لذا طرفداری از این گونه تفکر به همان صورت موجود در صد و پنجاه سال گذشته برای افرادی مثل «م.الف.ج» که از سران دفاع از دموکراسی لیبرال و غربی در انجمن‌های اسلامی در سال‌های نه چندان دور بوده‌اند، اندکی سخت می‌آید؛ لذا جعل و وضع این گونه الفاظ می‌تواند او را از اتهامات رایج به کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها تا حدی مبرا کند.

به طور کلی درباره این گروه‌ها باید گفت اسامی، هیچوقت تضمین‌کننده ماهیت‌ها نیستند؛ مگر اینکه مثلاً کسانی که خود را رادیکال می‌نامند بگویند ملاک این اسم‌گذاری چه بوده است و در مقابل چه چیزی خود را رادیکال نامیده‌اند. هم‌چنین کسانی که خود را چپ کارگری می‌نامند از اقدامات و میزان مقبولیت خود در بدنه کارگری جامعه صحبت کنند.

هر یک از این طیف‌ها در فضای ضعف دیگری شکل گرفته است و این یعنی اینکه این طیف‌ها ضعف عمده و محتوایی دارند.

نسبت‌یابی با دیگر جریان‌های دانشجویی

۱- جریان چپ و لیبرال‌ها

تفاوت دموکراسی لیبرال و مارکسیسم:

اکنون معمولاً به کسی لیبرال می‌گویند که از نظر اقتصادی موافق عدم دخالت یا کاهش نظارت دولت در فعالیت‌های اقتصادی و به بیان دیگر طرفدار اقتصاد اجتماعی مبتنی بر بازار و محدود کردن قدرت انحصارات اقتصادی است و از نظر سیاسی موافق حکومت پارلمانی (پارلمانتاریسم) و آزادی‌های فردی باشد. لیبرال‌ها با هر شکلی از سوسیالیسم و برنامه‌ریزی دولتی مخالفند و به سرمایه‌داری انحصاری نیز گرایش ندارند. در ادبیات سیاسی چپ، لیبرال به کسی اطلاق می‌شود که طرفدار آشتی‌طلبی غیراصولی به ضرر اندیشه‌های مارکسیستی، نرمش بیجا در مقابل خطا، رفتار غیراصولی سازش‌کاری و ریاکاری می‌باشد.

در این حوزه، ادبیات گفتمانی چپ دانشجویی در نبردی آشکار با اندیشه‌های لیبرال‌ها بوده و تاکنون نمود این نبرد در مقالات و مباحثات مکتوب آنان رخ نموده است.

افزون بر این در حوزه فعالیت‌های درون دانشگاهی، ملاحظه جریان‌های حاضر در تجمعات دانشگاهی ۳۰ مهر ۸۶ در دانشگاه امیرکبیر و ۱۸ آذر ۸۷ در دانشگاه تهران مؤید این نکته است که نشوونامه‌های دوشادوش دفتر

تحکیم، سهم خواه اداره تجمعات دانشجویی بوده و بالاتر از آن تحکیم را پرچم پوسیده‌ای بیش نمی‌دانند و ادعای رهبری جنبش دانشجویی در دانشگاه‌ها را دارند. هم از این روست که مصادره کردن تجمعات با برافراشتن پرچم‌های سرخ را آغاز کرده و با سخنرانی در تجمع دیگر جریان‌های دانشجویی در حال محکم کردن جای پای خود می‌باشند. این موضوع باعث گل‌آلود نمودن روابط چپ‌ها با لیبرال‌ها شده به نحوی که در تریبون‌های رسمی از ورودی این‌گونه، به تجمعات از سوی چپ‌ها ابراز نگرانی و ناراحتی نموده‌اند.

۲- جریان چپ و فمینیسم

یکی از تاکتیک‌های مشترک طیف‌های چپ حمایت از جنبش زنان است که در قالب جریان فمینیسم تجلی یافته است. در واقع فعالینی از چپ در این حوزه در کنار سایر گروه‌ها فعالیت می‌کنند.

فمینیست‌ها برای پیشبرد و تحقق اهداف خود به ایجاد کمپین یک میلیون امضاء مبادرت ورزیده‌اند. هم‌چنین تجمعی اعتراض‌آمیز را در میدان هفتم تیر در تاریخ ۱۸ خرداد (۸ مارس روز جهانی زن) برگزار نمودند. علاوه بر این در وبلاگ‌هایی همچون کمپین یک میلیون امضاء، زنانه، رؤیای توپچی و... به فعالیت مشغول هستند. از فعالین این طیف می‌توان به افرادی چون ع.الف، الف.ی، ک.م، پ.ک و الف.الف اشاره کرد.

علاوه بر این یکی از مسائلی که به صورت مشترک در بیانیه‌ها و شعارهای جریان چپ به آن تأکید می‌شود، پیوند سایر اعتراضات اجتماعی با اعتراضات دانشجویان است. به گونه‌ای که بازخورد این تأکیدات در تحرکات دانشجویی قابل مشاهده است:

«این یورش بخش دیگری از هجوم رژیم اسلامی به جنبش زنان، جنبش کارگری، جوانان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران است.»
نمونه ذیل این تاکتیک را بیشتر روشن می‌کند:

«در شرایطی که از یک سو بخش بزرگی از بدنه و پایگاه جنبش دانشجویی را دختران و زنان تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر بخش اعظم فعالین جنبش زنان را دانشجویان و جوانان تشکیل می‌دهند، طبیعتاً مسائل جنبش زنان از اهمیت بسیار بالا برای جنبش دانشجویی برخوردار می‌باشد.»

۳- جریان چپ و اقوام

جریان چپ تاکتیک ورود جنبش‌های اجتماعی مختلف از جمله اقوام را به داخل این جریان در دستور کار خود قرار داده است. در همین راستا در بین فعالین قوم‌گرا نفوذیافته، به نحوی که هماهنگی و هم‌سوئی این دو جریان در سازماندهی و برنامه‌ریزی مراسم و تجمعات گوناگون قابل توجه است. در میان اقوام گوناگون در پهنه سرزمینی جمهوری اسلامی قومیت آذری‌ها و اکراد به تفکر ناسیونالیستی علاقه بیشتری نشان داده و در حال فعالیت می‌باشند. در میان قومیت ترک، فرقه دموکرات آذربایجان و در میان قوم کرد، کومله را می‌توان نام برد.

هر چند جریانات مذکور در ایدئولوژی و اقدامات خود دارای اختلافاتی هستند، اما در هدف دارای مبانی فکری واحدی می‌باشند. به طور کلی اهداف جریانات مذکور به شرح ذیل است:

- ۱- مخالفت با نظام طبقاتی حاکم و تلاش برای سرنگونی آن از طریق برهم زدن نظم کنونی و سرنگونی دولت و نظام
 - ۲- فعالیت در حوزه مسایل کارگری و مباحث مربوط به دانشجویان، معلمان و پرستاران، زنان و حوزه فمینیسم
 - ۳- تشدید حس ناسیونالیستی اقوام بالاخص قوم ترک و کرد
- جلب توجه قومیت‌ها با خطاب قرار دادن مستقیم آنها می‌تواند زمینه مناسبی را برای رشد اندیشه‌های سوسیالیستی در درون دانشگاه‌های مرزی و دانشجویان قومی در شهرهای دیگر فراهم آورد. مطلب ذیل که از وبلاگ فردی به نام «م.ف» نقل می‌گردد که در وبلاگ خود به بسط اندیشه‌های چپ می‌پردازد، مصداق این نکته است. وی می‌نویسد:

«جنبش دانشجویی کردی به عنوان بازوی دانشجویی ناسیونالیسم و قوم‌پرستی کرد به دنبال حمله نظامی بوش پدر رو به رشد نهاد، در دوران دوم خرداد همزیستی برادرانه پ.ک.ک با جمهوری اسلامی هم نیرو گرفت، حمله دوم آمریکا در عراق نیز پروسه سرگردانی‌اش را شروع کرد. جنبش دانشجویی کردی همزاد سرگردانی و بی‌افقی جنبش مادرش جنبش ناسیونالیسم کرد، بی‌افق شده است و اکنون در خلأ و بلا تکلیفی بسر می‌برد.

اما تحرک دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب که نه تهرانی و اصفهانی و تبریزی سنندجی است، نه کردی و ترکی و فارسی است، و نه قومی و قبیله‌ای و ملی است، تازه دارد راه پیشروی پیدا می‌کند. این جنبش، بازوی جنبش وسیع‌تری در جامعه است که می‌خواهد

فقر، فلاکت، فحشا، اعتیاد، تبغیض، نابرابری، استبداد، عقب افتادگی فرهنگی، ستم جنسی و طبقاتی و ملی و مذهبی و جنگ و همه مصائب سیستم اقتصادی جامعه حاکم همراه حاکمیتش را از جامعه جارو کند. دانشجو و جوان این جامعه که نفعی در بقای دنیای کهنه ندارد، چرا طوق قومی و ملی باید مانع همراهی اش با جنبش شود؟ یک بحث دیگری هم هست و آن همین گرایشات قومیتی است که نمونه‌های عینی آن را ما با اتفاقاتی که خوزستان و کردستان و آذربایجان افتاد می‌بینیم و از آنجایی که تعداد دانشجویانی که از این مناطق به مرکز می‌آیند زیاد است و این دانشجویان به تدریج با مسائلی که در مرکز هست برخورد می‌کنند، این گرایش هم در حال تقویت شدن است و در دو جنبه هم تقویت می‌شود یک جنبه‌ی به نظر من منفی‌تر آن، این است که یک گرایش ناسیونالیستی در حال شکل‌گیری است که به نظر من ضعیف است و عمق خاصی ندارد؛ ولی گرایش دیگری هست که منوط به حقوق ملی و حقوق از دست رفته اقلیت‌ها است که این گرایش کم‌کم دارد قوی‌تر می‌شود و به گفتمانی غالب تبدیل می‌شود.»



تأثیر امزاب کمونیست بر طیف‌های چپ

۱- حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست‌ها)

(پیشینه، تحولات و رویکردها):

دفتر مرکزی سازمان دانشجویان حزب کمونیست

کارگری ایران (حکمتیست) در انگلستان می‌باشد و

سرپرستی آن به عهده فردی به نام «کوروش مدرسی» است که ظاهراً با تقی مدرسی، رهبر این جریان نیز دارای نسبت فامیلی می‌باشد. این حزب در سال ۱۳۸۲ از سازمان کمونیستی حزب کمونیست کارگری ایران (که در سال ۱۳۷۴ به دنبال انشعاب از جریان کوموله «سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» توسط منصور حکمت پایه‌ریزی شده بود) منشعب شد. علامت X آرم این جریان است.

اعضای این سازمان در ۱۶ آذر سال ۱۳۸۳ در دانشگاه تهران تجمع کردند و پلاکاردی با آرم سازمان را حمل می‌کردند که روی آن عبارت «آزادی، برابری» درج شده بود. این سازمان اقدام دانشجویان چپ در بالا بردن پلاکاردهای مربوط به این سازمان را یک پیروزی برای جریان چپ دانشجویی در کشور عنوان کرد.

اعضای این سازمان از مهر ماه ۱۳۸۵ مبادرت به صدور بیانیه‌های مختلف در خصوص ۱۶ آذر نمودند و در آن با دعوت از گروه‌های مختلف برای حضور در تجمع ۱۶ آذر جهت سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی تأکید می‌کردند. این سازمان اعتقاد دارد ۱۶ آذر محمل یک تحرک سیاسی در دانشگاه و به تبع آن در جامعه است و نبض این حرکت در دست کمونیست‌ها و نیروهای چپ است.

«جوانان حکمتیست» نام نشریه این سازمان است که هر چهارشنبه منتشر می‌شود. سردبیر آن فؤاد عبداللهی و آدرس اینترنتی این نشریه ww.gavanx.com می‌باشد.

در شماره ۱۰۹ نشریه که در تاریخ ۸۵/۸/۲۶ در دانشگاه تهران توزیع شد، در اطلاعیه‌ای با اشاره به اعتراضات صورت گرفته در دانشگاه علامه طباطبائی به

خاطر اخراج دانشجویان و به هم خوردن مراسمی که توسط طیف سنتی انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی برگزار شده بود و قضیه دانشجویان ستاره‌دار، از عموم دانشجویان دعوت شد تا در روز ۱۶ آذر در اعتراض به موارد فوق با هم متحد شده و حول شعارهایی نظیر: لغو آپارتاید جنسی، لغو فوری احکام کمیته‌های انضباطی و ... اعتراضات خود را سازماندهی کنند. از جمله کسانی که در این نشریه قلم می‌زنند می‌توان به حامد راد، عباس رضایی و دریا.ک اشاره کرد.



طی فراخوانی در تاریخ ۸۵/۰۷/۱۲ از سوی فراکسیونی از حزب کمونیست کارگری به مناسبت ۱۶ آذر جهت گردهمایی و تدارک یک اتحاد عمل سراسری بین نیروهای انقلابی و تشکیل نیروهای دموکراسی خواه و عدالت محور، شورای انقلاب سوسیالیست‌های ایران (حکمتیست) به عنوان مبارزین دانشجویی، خواستار پاسخ مثبت به

این فراخوان شدند و آدرس Bahram-modarresi@freenet.de

را جهت برقراری ارتباط ارائه نمودند. 1375shorae@yahoo.com

بهرام مدرسی از اعضای حزب حکمتیست در بیانیه‌ای اعلام کرده، هدف از این حرکت را تثبیت شعارها و مطالبات معین و ایجاد یک صف متحدتر و قوی‌تر مقابل جمهوری اسلامی بیان کرد و گفت:

«شعارهای پیشنهادی ما در ۱۶ آذر عبارتست از آزادی، برابری،

لغو آپارتاید جنسی، خروج نیروهای انتظامی از دانشگاه‌ها، آزادی

فوری زندانیان سیاسی، لغو فوری احکام کمیته انضباطی، آزادی بی‌قید و شرط بیان و تشکیل بیمه بیکاری مکفی برای افراد بالای ۱۶ سال.

وی در ادامه می‌افزاید:

«قصده داریم در سطح کشور، اعم از دانشگاه‌ها، دبیرستان‌ها، انستیتوها و... با هر اقدامی که مناسب می‌بینیم این مطالبات و شعارها را مطرح کنیم و جمهوری اسلامی را عقب‌بزنیم و آزادی بیشتری کسب کنیم.»

بیانیه‌های این سازمان

سازمان جوانان حکمتیست در تاریخ ۱۳۸۵/۰۷/۲۳ بیانیه‌ای با عنوان «۱۶ آذر سرخ و سراسر علیه جمهوری اسلامی» صادر نموده است. در این بیانیه با ذکر اینکه جمهوری اسلامی، نظامی وحشی است که اوضاع درونی و بین‌المللی آشفته‌ای دارد خطاب به گروه‌های مختلف آمده است:

«۱۶ آذر امسال باید سرخ‌تر، رادیکال‌تر و سوسیالیستی‌تر از همیشه باشد، روز اعتراض جوانان، کارگران و زنان، روز تعرض به حکومت اسلامی.»

همچنین در ادامه این بیانیه آمده است:

«در این روز باید علیه دخالت مذهب در دانشگاه به پاخاست و علیه آپارتاید جنسی و جداسازی، مبارزه کرد. باید به حکومت جنایت و قتل و کشتار بگوییم تنها نیستیم، باید جواب محکمی به اخراج استادان سکولار و احضار و پرونده‌سازی برای دانشجویان

بدهیم. باید اجتماعات وسیعی را به خیابان‌ها و مقابل دانشگاه‌ها بکشانیم. ۱۶ آذر فرصتی است تا کل چپ‌های جامعه با قدرت، پرچم آزادی و برابری خود را، نه به جنگ، نه به بمب اتم، نه به تحریم، بلکه به مرگ بر جمهوری اسلامی برافزاد.»

مؤلفه‌های فکری سازمان حکمتیست

در خصوص تفکرات سازمان حکمتیست می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ✓ به حق دانستن سوسیالیسم و ضدیت با سرمایه‌داری
- ✓ ممنوع شدن حجاب
- ✓ حضور اساتید سکولار در دانشگاه
- ✓ لغو آپارتاید (تبعیض یا نژادپرستی) جنسی
- ✓ غیرمذهبی شدن فضای دانشگاه‌ها
- ✓ بیرون کردن نهادهای مذهبی از محیط‌های علمی
- ✓ معرفی دفتر تحکیم به عنوان تشکل دانشجویی وابسته به حکومت
- ✓ اعتقاد به شکست ناسیونالیسم آمریکا، جنبش دوم خرداد و ... و موفقیت سازمان حکمتیست^۱

۲- حزب کمونیست ایران (سازمان فداییان خلق ایران و اکثریت) قطعنامه مصوب کنگره نهم حزب کمونیست ایران با موضوع (جنبش دانشجویی ایران، چشم‌اندازها و وظایف) به ارائه راه‌کارهایی به بخش چپ جنبش دانشجویی پرداخته که به مفاد مهم آن اشاره می‌گردد.

۱. وبلاگ جوانان حکمتیست j-h-m.blogfa.com

بخش چپ جنبش دانشجویی ضمن عبور آگاهانه و هدفمند از مرحله اثبات وجود و حضور به مرحله پاسخ به (چه باید کرد؟) های این دوره رسیده که الزامات و محورهای آن در ذیل خواهد آمد:

الف) تعریف و تثبیت یک راهبرد مستقل و روشن چپ برای بخش چپ جنبش دانشجویی برای تبدیل به یک جریان خودآگاه و متشکل که تاکتیک‌های آن عبارتند از:

۱. با مراجعه به جامعه، مطالبات دموکراتیک موجود در سطح جامعه را به پیگیرترین و رادیکال‌ترین شکل معرفی و طرح و نمایندگی کند و مورد حمایت قرار دهد. در واقع گزینه رجوع به جنبش‌های اجتماعی را، با هدف تقویت قطب چپ و سوسیالیستی طرح و معرفی نماید. (مشخصاً جنبش‌های کارگری، زنان، رفع ستم ملی در کردستان و دفاع از آزادی‌های دموکراتیک در سطح جامعه)

۲. اعتقاد به مکان یگانه طبقه کارگر در پیشروی سوسیالیسم. چرا که طبقه کارگر در مبارزات خود به سطوح اقتصادی بسنده نمی‌کند و آن را معطوف به فاز سیاسی به منظور کسب قدرت دولتی می‌نماید. فعالین کمونیست در جنبش دانشجویی، این جنبش را به ظرفی برای طرح و تبلیغ اتحاد جنبش‌های اجتماعی به محوریت طبقه کارگر مبدل می‌سازد.

۳. بخش چپ جنبش دانشجویی بخشی از نیروی خود را به شکل تخصصی و سیستماتیک به مسائل جنبش زنان اختصاص دهد و به امر تقویت قطب چپ رادیکال جنبش زنان و حفظ اتحاد با جنبش کارگری در بین صفوف این جنبش و مقابله با گرایش راست و لیبرال یاری رساند.

۴. توجه به مسئله رفع ستم ملی و جنبش رفع ستم ملی کردستان باید در برنامه بخش چپ جنبش دانشجویی قرار داشته باشد. در این راستا نقد بنیادین ملیت‌گرایی (ناسیونالیسم و شووینیسم) ایرانی و ناسیونالیسم در میان ملیت‌های تحت ستم از اهمیت بالایی برخوردار است.

۵. جوانان و دانشجویان چپ و کمونیست ضمن حمایت قاطعانه و پیگیر از رهایی فرهنگی جوانان ایرانی و حق آنان در شیوه‌های نوین و مدرن و جهانی، بر تحرکات و جنبش اعتراض جوانان ایران مطالبات آنها به مقابله بر خیزند.

ب) در کنار وظیفه راهبردی فوق‌الذکر باید به راه‌انداختن یک جنبش فکری نیرومند و یک سنت سیاسی و روشنفکری نیرومند حول آرمان‌های سوسیالیستی را در دستور کار داشته باشند، با استفاده از تاکتیک‌های ذیل:

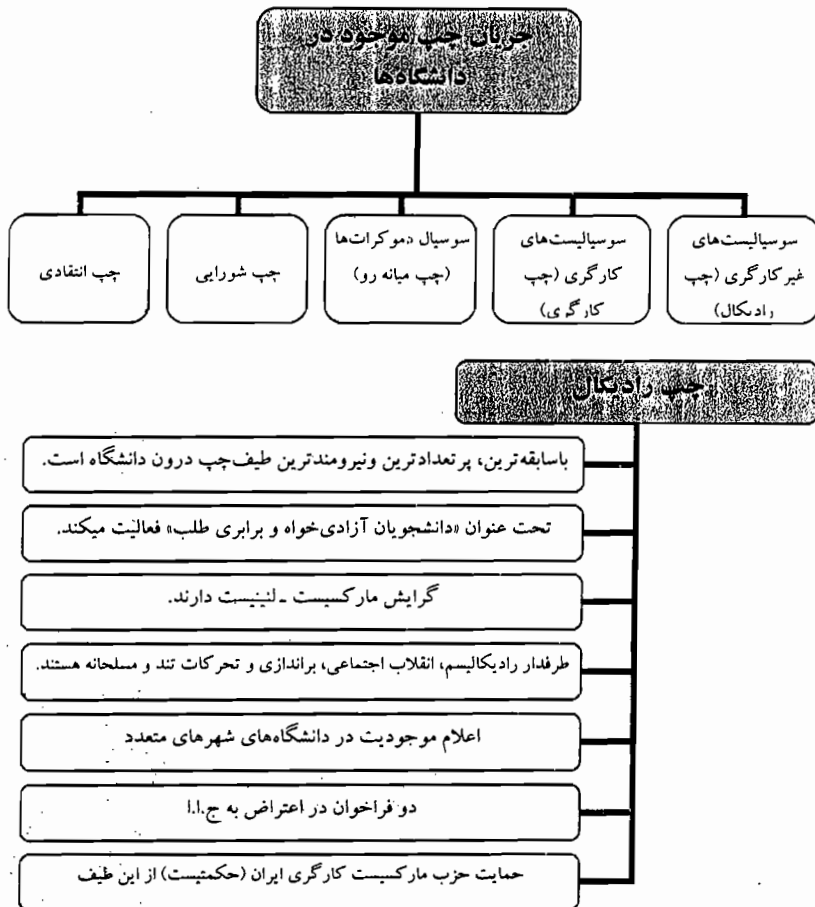
۱. تبلیغ جهان‌بینی سوسیالیستی و دفاع از اعتبار علمی آن که رکن اساسی رشد و پیشروی اجتماعی و جلب حمایت توده دانشجویان و تربیت کادرهای چپ محسوب می‌شود.

۲. انجام کار روشنگرانه در مورد سوسیال دموکراسی و رفرمیسم و نمایندگان سیاسی آن به عنوان شاخه‌ای از لیبرالیسم ایرانی این جریان در پایان، قطعنامه اضافه می‌کند:

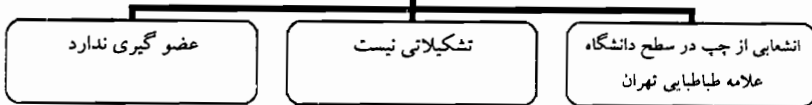
«پیشبرد سریع و بهینه محورهایی که در بالا ذکر شد و به ثمر رساندن آن‌ها بدون وجود یک حزب کمونیستی که به مثابه اتصال و مرکز هماهنگی تمام وجوه فعالیت‌های فوق عمل می‌کند ممکن نخواهد بود. حزب کمونیست ایران می‌کوشد ظرف پیشبرد چنین وظایفی را در خود ایجاد کند. امروز دفاع از موجودیت حزب

کمونیست ایران و یاری رساندن به آن و عضویت در آن دفاع از مطالبات آزادی خواهانه و برابری طلبانه است. به حزب کمونیست ایران بپیوندید.»

لازم به ذکر است که این سازمان حمایت خود را از فراخوان (دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب) روز ۲۷ بهمن ۱۳۸۶ (۱۶ فوریه) اعلام نموده و خواستار پیوستن نیروهای آزادی خواه کشور به این فراخوان شده است.



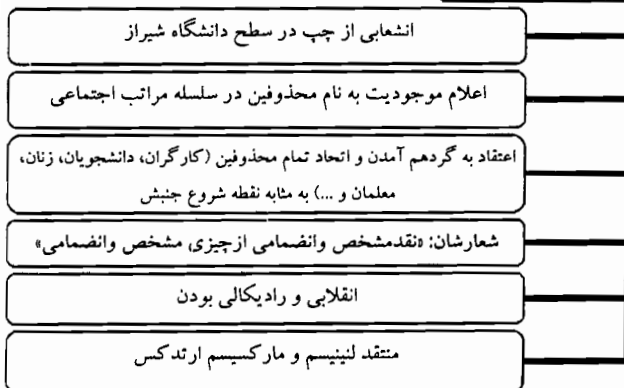
سازمان



راستگرایان چپ و راستگاران



جنبش انتقادی



تأکیدهای کسب کارگری

تقویت موقعیت قطب کارگری کمونیستی در برابر
ایدئولوژی اسلام سیاسی و ایدئولوژی امپریالیستی

اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری

کسب کارگری

اختلافات فراوان در درون
طیف

تأکید بر مسائل کارگری و ارتباط با جریان‌های
کارگری چون راه کارگر و شورای همکاری
تشکل‌های کارگر

منشعب شده از چپ
رادیکال در اردیبهشت
۱۳۸۶

سوت‌ال‌دهی کمونیست

کسب قدرت سیاسی با روش‌های
دموکراتیک

تقویت بخشی از این طیف به دنبال
الحاق نیروهای اخراجی چپ رادیکال
و کارگری

اعتقاد به انجام اصلاحات درون نظام
موجود (اصلاحات به جای انقلاب)

روشن‌سازی و سازمان‌دهی جریان‌های مختلف

جریان مارکسیستی (فعال در
دانشگاه امیرکبیر)

جریان تروتسکیسم

جریان لیننیستی

ناکبتک‌های جدید حزب

- ورود به فاز عملی و مسلحانه
- سازماندهی فعالیت تشکیلاتی علنی و مخفی
- هماهنگی با سایر فعالین دانشجویی
- استفاده از پایگاه قانونی تشکل‌ها برای انجام فعالیت‌های خود
- استفاده از تمام توان و برنامه ریزی دقیق در انجام مراسمات و تجمعات
- فعالیت و برنامه ریزی به منظور انتخابات مجلس
- آرایش سیاسی در قالب یک حزب قدرتمند سیاسی
- بهره‌گیری از توان و تجربیات اعضای قدیمی‌میران حزب داخل کشور
- سازماندهی و ارتباط با احزاب و جریان‌های حزب خارج از کشور

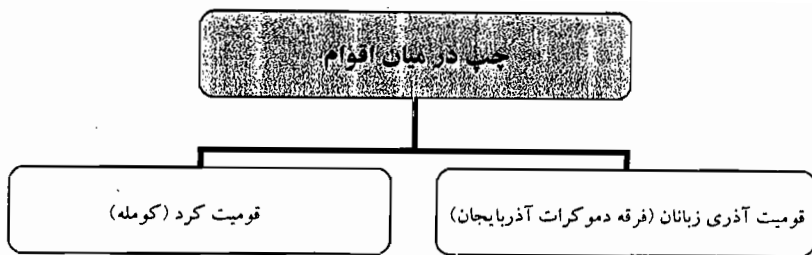
جریان‌های و گرایش‌های موجود

- مارکسیسم اکونومیست (مارکسیسم چپ‌گرا)
- مارکسیسم لیننیسم (مارکسیسم انقلابی با گرایش شرقی)
- مارکسیسم انتقادی
- مارکسیسم ساختارگرا
- چپ چریکی
- آپوئیسم
- مائوئیسم (انقلاب دهقانی با گرایش شرقی)
- سوسیال دموکراسی (رفرمیست)

گرایش‌های جدید در سیستم سوسیالیست دانشجویی

جنبش مارکسیسم (لیننیسم)

جنبش سوسیالیستها (دموکراتها)



توان تشکیلاتی و گستره‌ی اثرگذاری، سیاسی و فرهنگی

در سال‌های گذشته بالاخص سال جاری دانشگاه‌های متعددی از جریان چپ و دستگیرشدگانش حمایت نموده‌اند، که می‌توان به دانشگاه‌های ذیل اشاره نمود:

دانشگاه تهران، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه شهید رجایی، دانشگاه شاهد، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشگاه آزاد نجف آباد، دانشگاه آزاد تبریز، دانشگاه سهند تبریز، دانشگاه آزاد ارومیه، دانشگاه مازندران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشگاه آزاد کرمانشاه، دانشگاه آزاد سنندج، دانشگاه آزاد ارومیه، دانشگاه یزد، دانشگاه آزاد شهرری، دانشگاه آزاد گرگان، دانشگاه شیراز.

دستگیری برخی از فعالین و عناصر افراطی این جریان قبل از برگزاری مراسم روز دانشجوی سال ۸۶ حمایت‌های وسیع داخلی و برون‌مرزی را به دنبال داشت. حمایت‌های برون‌مرزی که در قالب تظاهرات، فراخوان، صدور بیانیه و ... شاهد آن بودیم.

حامیان برون‌مرزی ضمن حمایت فکری از جریان چپ دانشجویی ایران به راه‌کارهایی همچون پیوند جنبش دانشجویی با جنبش‌های اجتماعی دیگر، ایجاد حزب کمونیستی به منظور تسهیل رسیدن به هدف و فشارهای ملی و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران برای کاهش برخورد صورت گرفته با جریان چپ پرداخته‌اند. قابل ذکر است که هدف اصلی این حامیان برون‌مرزی، راه‌اندازی یک حرکت توده‌ای، سوسیالیستی و رادیکال برای سرنگونی «نظام جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد. آنچه که قابل تأمل و تعمق است بازخورد این حمایت‌ها است که افزایش تحرکات چپ دانشجویی را در چندماهه پس از حمایت به دنبال داشته است.

با آغاز سال تحصیلی ۸۶ شاهد آغاز تحرکاتی از جانب جریان چپ رادیکال و انقلابی بوده‌ایم که در ارتباط نزدیک با اپوزیسیون خارجی یک تهدید عمده‌ای را علیه نظام شکل داده‌اند. این تحرکات از بعد از دهه ۶۰ با این شدت بی‌سابقه بوده است. چنانچه خود جریان چپ و حامیان آن‌ها نیز بر این مسئله اذعان دارند.

در بیانیه چپ کارگری دانشگاه‌های ایران می‌خوانیم:

«حمایت بسیاری از کارگران و تشکل‌های دانشجویی از دانشجویان بازداشتی نشان از تعمیق مبارزات دانشجویی ایران بر بستر رادیکال و تأثیرگذار دارد.»

یا در اطلاعیه‌ی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران آمده است:

«حرکت و جریان کمونیستی درون دانشگاه‌ها این بار با صلابت و شفافیت بیشتری برای مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی... پا به میدان گذاشت.» (۱۶ آذر ۸۶)

این موارد نشان‌دهنده میزان تهدیدی است که در این جریان علیه نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. وجود زمینه اعتراض در بخش‌هایی از جامعه از جمله کارگران و زنان (که اتفاقاً جایگاه خاصی در ادبیات کمونیستی دارند) و نیز بهره‌برداری جریان چپ از این اقبال بر شدت این تهدیدات می‌افزاید.

لازم به ذکر است آنچه ذکر شده بخشی از رابطه میان چپ دانشجویی با اپوزیسیون برون‌مرزی را آشکار ساخت.

راهکارهای عملیاتی و ایدئولوژی چپ

جریان چپ در داخل دانشگاه‌ها بیشتر حول شخصیت «فعالان دانشجویی»، اجرای تریبون آزاد، سمینار، انتشار نشریه، برگزاری مناظره، وبلاگ نویسی و ... می‌باشد.

در خصوص فعالیت گروه‌های چپ می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

فعالیت در تجمعات و تشکل‌ها

(۱) ۱۶ آذر ۸۲ آغاز حرکت

پس از وقایع خرداد ۸۲ که با اعتراض به پولی شدن دانشگاه‌ها شروع شد، جریان چپ به این تحلیل رسید که می‌تواند با مانور دادن به روی برخی

شعارهای برابری طلبی خود، از فرصت به دست آمده برای متهم نمودن نظام به بی‌عدالتی و طرح خود به عنوان حامی اصلی برابری و عدالت استفاده کند.

بر این مبنای، در ۱۶ آذر ۸۲ پس از سال‌ها غیبت، جریان چپ برای اولین بار با پلاکاردهایی با شعار «پیوند دانشجوی و کارگر» و شعارهای «برابری طلبی و آزادی طلبی» که آشکارا نمادهای مارکسیستی را در برداشت در مقیاس گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفت و بر روی آن تبلیغ شد. هم‌چنین حضور افرادی با ژست چپ (اورکت - کلاه چه گورانی) توجه افراد حاضر در صحنه را به خود جلب نمود. تشکیل ائتلاف «دموکراتیک آزادی‌خواهان» توسط نیروهای چپ و برخی نیروهای سکولار در دانشکده‌ی حقوق تهران و تأکید بر عناصر فمینیسم و جلب آراء دختران دانشجوی نیز از دیگر فعالیت‌های آنان است. هم‌چنین شرکت در تجمعات دانشگاه امیرکبیر توسط گروه‌های چپ و حمل پلاکاردهای سرخ و درج شعارهایی با مضامین مارکسیستی از دیگر فعالیت‌های آنان است. از شرکت‌کنندگان فعال در این تجمعات می‌توان به ع.ت، س.ح و م.الف اشاره کرد.

(۲) به مناسبت روز جهانی کارگر در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

تهران

حضور فعالین کارگری چون ب.د، ج.ع و ب.پ از عناصر تئوری پرداز و ب.ک از عناصر دانشجویی و پاره‌ای از فعالین سوسیالیستی که حرکت خود را در یک حرکت سوسیالیستی و بر پایه مکتب کمونیسم بنا نهادند.

(۳) برگزاری مراسم ۱۶ آذر در دانشکده حقوق دانشگاه تهران از سوی تشکل جامعه فرهنگی دانشکده حقوق با همکاری نشریه رستا در تاریخ

۸۴/۶/۱۵

در این برنامه بر سازماندهی جریان دانشجویی چپ با الگوبرداری از جریان کنفدراسیون تأکید شد و در میزگردی که با حضور گروه رستا شکل گرفت مزدک دانشور دبیر انجمن تاریخ شفاهی چپ به ضرورت سازماندهی دموکراتیک جنبش چپ اشاره نمود.

۴) تجمع عده‌ای از عناصر چپ‌گرا در مقابل روزنامه‌ی شرق

«م.خ» و «ک.ع» از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، در اعتراض به سیاست‌های ضد طبقه کارگری این روزنامه و مخالفت با سیاست‌های سرمایه‌داری آن نسبت به حمایت این روزنامه از هاشمی رفسنجانی در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری تجمع کردند.

۵) شرکت گسترده در تجمعات و اعتراضات دانشجویی به مناسبت ۱۶

آذر ۸۳

صحنه گردانان تجمع عناصر چپ و افرادی چون «ب.ک»، «م.ک.الف»، «الف.ح»، «ع.ر.ژ» بودند.

۶) تحریم انتخابات ریاست جمهوری و پیشنهاد عدم شرکت در آن توسط

عناصر کمونیست دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

۷) برگزاری تجمع غیرقانونی توسط عناصر چپ (کمونیست - مارکسیست)

در تاریخ ۸۴/۹/۲۰ با همکاری دانشگاه علامه و امیر کبیر به مناسبت روز دانشجو

در مقابل دانشکده فنی دانشگاه تهران

عناصر تجمع‌کننده اقدام به خواندن سرود یار دبستانی نموده و پلاکاردهایی

پیرامون حقوق زنان و... به همراه داشتند. از جمله عناصر کمونیست حاضر در

این مراسم غیرقانونی می‌توان از «پ.ن.الف»، «م.الف.ی»، «ک.ع»، «ر.ص»،

«ک.الف» و «الف.ح» نام برد.

۸) پخش اعلامیه‌ای در اعتراض به حکم اعدام «ک.ر» با امضای کانون
اشتراک و نشریه خاک در سطح دانشگاه تهران در تاریخ ۸۴/۱/۲۳
۹) برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل دانشکده حقوق و علوم سیاسی و
هنرهای زیبای دانشگاه تهران

در آستانه روز جهانی زن و حرکت به سمت پارک لاله جهت بزرگداشت
این روز در تاریخ ۸۴/۱۲/۱۸ و شرکت عناصر فعالی چون «ب.ک.ز»،
«الف.الف»، «الف.ح»، «پ.ن.الف»، «پ.ش»، «م.ک.الف»، «س.الف.خ»،
«م.ف» و «م.الف.ی».

۱۰) اعتراض دانشجویی در کوی دانشگاه تهران در خرداد ۸۴
این اعتراض پس از اعلام اسامی تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست
جمهوری نهم از سوی شورای نگهبان شکل گرفت و به مدت سه شب ادامه
یافت که ب.ک از عناصر فعال این جریان بود.

۱۱) شرکت در تجمع دانشجویی ۱۶ آذر ۸۳
پلاکاردهای این تجمع دارای آرم سازمان دانشجویان حزب کمونیست
کارگری ایران بود. سازمان ذکر شده این اقدام دانشجویان چپ را در بالا بردن
پلاکاردهای مربوط به این سازمان یک پیروزی برای جریان چپ دانشجویی در
کشور عنوان نمود.

۱۲) دفاع جریان رستا و اشتراک از سازمان چریک‌های فدائی خلق
این جریان‌ها در قالب انتشار ویژه‌نامه‌ای به تجلیل از «ب.ج» (کانون
آفتابکاران دانشگاه علامه طباطبایی)، و بزرگداشت حادثه سیاهکل (نشریه
خاک) و اعتراض به بازسازی قطعه ۳۳ بهشت زهرا(س) به خاطر وجود قبر
محمد حنیف‌نژاد بنیانگذار سازمان مجاهدین خلق (که موج اعتراضات این

گروه‌ها را به همراه داشت) و مصاحبه با رادیوهای کمونیستی، صدای آلمان، جمع‌آوری امضاء و نوشتن مقالات اعتراضی و استفتاء از آیت‌الله منتظری پرداختند.

۱۳) برگزاری «کنفرانس پیرامون مشکلات حقوق کار و نقش تشکل‌های آزاد کارگری و جنبش‌های اجتماعی در رفع آن» در تاریخ (۸۴/۹/۶)
این برنامه قرار بود در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برگزار شود که به دلیل لغو مجوز برنامه و عدم اجازه ورود دانشجویان غیر به دانشکده، برنامه روبروی در دانشکده و در خیابان برگزار شد. در این تجمع ف.ش از دانشگاه علامه، الف.ص و ک.الف [از دانشگاه تهران]، «پ.ش» و «م.الف» حضور داشتند.

فعالیت‌های رسانه‌ای دانشجویان مارکسیست و اهداف آنها

الف) تأسیس وبلاگ

عرصه‌ی وبلاگ‌نویسی، عرصه‌ای است مجازی که نویسنده می‌تواند تمام افکار و عقاید خویش را به هر ترتیبی که می‌خواهد در آن به رشته‌ی تحریر در آورد. از آنجایی که این دنیای مجازی نیازمند صرف هزینه و زمان اندک می‌باشد، بسیار مورد توجه دانشجویان بالاخص فعالین سیاسی قرار گرفته است که سعی دارند افکار الحادی و منفی را از این طریق در ذهن مخاطبین خویش تزریق کنند.

آنچه در پی می‌آید گزارشی است از فعالیت‌های گروهی از عناصر وابسته به جریان چپ که اقدام به تأسیس وبلاگ‌هایی با مضامین مارکسیستی نموده‌اند. نکته‌ی حائز اهمیتي که در بررسی اجمالی این وبلاگ‌ها بسیار جلب توجه

می‌کند انسجام و ارتباط ارگانیک نویسندگان این عرصه می‌باشد؛ تا آنجا که حتی از اسامی متشابه برای وبلاگ خود استفاده می‌کنند.

برخی از محورهای فعالیت وبلاگ‌های دانشجویی عبارت است از:

- ۱- طرح مباحث تاریخی برای تصحیح حافظه تاریخی نسبت به جریان چپ
- ۲- طرح مباحث فلسفی و ارائه‌ی دیدگاه‌های ماتریالیستی و مارکسیستی
- ۳- طرح دیدگاه‌های مارکسیستی در مورد حقوق زنان، کارگران و دیگر

مسائل اجتماعی

از جمله‌ی این وبلاگ‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دانش سرخ؛ «س.ح»، دبیر سابق دفتر تحکیم وحدت (علامه)
۲. فردای سرخ؛ «م.الف»، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
۳. فریاد سرخ؛ «ب.ک»، از فعالین چپ دانشگاه تهران
۴. ندای سرخ؛ «پ.پ»، از فعالین چپ
۵. فریاد سرخ؛ «ص.پ.ح»، از فعالین چپ
۶. مطالعات فرهنگی رادیکال؛ «و.و.ز»، از فعالین دانشجویی
۷. زنانه؛ «الف.الف»، از فعالین چپ دانشگاه تهران
۸. خاک؛ «ک.ع»، از فعالین چپ دانشگاه تهران و مدیر مسئول نشریه‌ی خاک
۹. ۱۹ بهمن؛ «ع.ت»، «ب.ک»، «م.الف»، «م.الف.ن»، «پ.پ»، «ک.ع»، «ص.پ.ح»
۱۰. ارنستو؛ کوهیار و آرمان، از فعالین چپ دانشجویی
۱۱. انفرادی؛ ع.ت، از فعالین رادیکال دانشجویی

ب) مصاحبه با رسانه‌های بیگانه

«ع.ت» در این خصوص اظهار می‌دارد:

- «کلاً مصاحبه‌های من با رادیوهای خارجی فقط با «همبستگی» و «برابری» بود که این‌ها هر دو رادیوهای محلی هستند و اصلاً توی ایران برنامه ندارند. یکی از این‌ها هفته‌ای دو ساعت برای اروپای شرقی برنامه دارد. شماره‌ی من را اصلاح‌چی به این‌ها داد. می‌گفت این‌ها چپ‌هایی هستند که آنجا رفتند و الآن به سبزه‌ها و سوسیال دموکرات‌ها نزدیک هستند و چون مجبورند طبق قوانین اتحادیه اروپا کار کنند خیلی مسائل را رعایت می‌کنند.»

- «در خصوص نامه‌ی معروف به شش نفر تصمیم شش نفرمان بود که مصاحبه کنیم، اما بقیه مصاحبه‌ها، خودم تشخیص دادم که مصاحبه کنم.»

- «ما می‌خواستیم خودمان را مطرح کنیم و جلوی طیف راست تحکیم اعلام موضع و هویت کنیم و حرف‌های خودمان را بزنیم.»

- «در خصوص ارتباط بچه‌های چپ با سفارتخانه‌ها چیزی نشنیدم اما چپ‌ها با رادیو «همبستگی» و «برابری» و «دویچه وله» مصاحبه می‌کردند. و گهگاهی برای برنامه‌های مختلف مثلاً دموکراسی، مسئله‌ی هسته‌ای یا هر چیزی که مصاحبه و مهمان لازم داشتند زنگ می‌زدند، کلاً ما که طیف چپ بودیم (ع.س، الف) با **BBC**، **VOA** و رادیوهای این‌طوری، به هیچ وجه مصاحبه نمی‌کردیم. فقط با

«برابری» و «همبستگی» چون چپ بودند، در اروپا بودند و مرتضی هم گفته بود مشکلی ندارند.^۱

- «مسئله‌ی سندیکا بین بچه‌های چپ یک مسئله‌ی مورد علاقه است. من در صحبت‌هایم بر لزوم سندیکا، تشکیل و فعالیت‌های سندیکا تأکید می‌کردم و نظرم این بود که این یکی از محورهای مشخص اقتصاد چپ است که باید سندیکا باشند و فعالیت داشته باشند. اعتصاب شرکت واحد هم که مربوط به همین سندیکای شرکت واحد بود و این اولین سندیکایی بود که شروع به فعالیت کرده بود و برای ما که روی چپ و سندیکا مانور می‌دادیم لازم بود در صحبت‌هایمان از این‌ها حمایت کنیم. همه از ما توقع داشتند. اصلاً نمی‌شود چپ باشی و از سندیکا و کارهایش اعلام حمایت نکنی.»

- «در بخش جامعه را نمی‌دانم اما در دانشگاه، فعالین مشخص هستند. کانون نشریات «نقد نو»، «نامه» و خبرگزاری‌هایی مثل «ایلنا»، «میراث خبر» و «آفتاب» هستند که اگر کسی گرایش چپ داشته باشد می‌تواند در آنجا فعالیت کند. اما من اصرار داشتم که برای هویت گرفتن چپ در تحکیم، ورودی‌های جدید را جذب انجمن و بعد آنها را وارد تحکیم کرد. سعی داشتیم تا با تشکیل سندیکای دانشجویی بچه‌ها را با کار صنفی آشنا کنیم.»^۲

۱. اظهارات ع.ت «از فعالین چپ مؤثر در دانشگاه» در بازجویی‌های خرداد ۸۵

۲. همان

علل و انگیزه‌ی جریان چپ از مخالفت با طرح (فراندوم)

- «علت اصلی مخالفت، حضور کسانی چون ملکی، سازگارا، افشاری، دلبری و مؤمنی بود. بچه‌ها به خصوص زرافشان روی آنها موضع داشتند. سعی و تلاش این افراد برای بزرگ کردن خودشان بود. دلیل مخالفت تحکیمی‌ها مثل قاجار، حبیبی و اشرف‌نژاد، اصلاح‌چی این بود که آنها تحکیم رو قبضه کرده بودند. هزینه‌ی کارهایشان افتاده روی دوش تحکیم. بعد هم که مشخص شد این‌ها قرار است تحت هر شرایطی برای رسیدن به اهدافشان تحکیم را حفظ کنند مخالفت بیشتر شد. قاجار معتقد بود فعالیت آنها زمینه را برای حمله خارجی و دخالت خارجی هموار می‌کند. آنها قبح قضیه را شکسته‌اند و کاری می‌کنند که از فردا عملاً یک عده جرأت کنند و علنی در محافل دانشجویی از حمله‌ی خارجی حمایت کنند. ما به این قطعیت رسیده بودیم که اولین قربانی حمله‌ی خارجی به طور قطع خود ما هستیم. آماری که بچه‌ها از سایت‌ها و مقامات مختلف گرفته بودند، خبر تشکیل نیروهای ویژه زیر نظر پنتاگون برای ترور چهره‌های مخالف سیاست امریکا از ملی‌گرا گرفته تا چپ، خبر اعدام و ترور چپ‌های یوگسلاوی و عراق همه بچه‌ها رو نگران کرده بود. اما راست‌ها زیر بارش نمی‌رفتند و می‌گفتند این‌ها توهم است و بزرگ‌نمایی ضد امریکایی هاست. این‌ها همه باعث مخالفت بچه‌های چپ بود.

دلیل دیگر، سخنرانی افشاری و عطری در کنگره‌ی امریکا، استخدام رسمی آنها در امریکا و گفته‌ی عطری مبنی بر بردن فعالین دانشجویی به امریکا و ارتقاء تحصیلی و آموزش ضمن تحصیل به آنها برای تشکیل یک حکومت آلترناتیو بود. تصویب بودجه ۷۵ میلیون دلاری، تشکیل کلاس در دبی و ترکیه، آوردن کارشناسان امریکایی که در انقلاب مخملی اوکراین فعالیت کرده بودند برای آموزش شرکت‌کنندگان در این کلاس‌ها و بعد شروع به حذف مخالفان فکری از تحکیم و انجمن‌ها، استیضاح «س.ح» و متین‌مشکین، فعالیت علیه بچه‌های انجمن امیرکبیر و تخریب آنها، همهٔ رفراندومی‌ها و چپ‌ها را مقابل هم قرار داد.^۱

نظر جریان چپ به براندازی نظام

- «از طرف قدیمی‌ترها به جوان‌ترها همیشه گفته می‌شد که به هیچ عنوان علیه نظام، ولایت فقیه و رهبری حرفی نزنید و کاری نکنید. چون این مسائل خیلی مهم است و خیلی هزینه دارد و در مورد جریان چپ هم تکلیف روشن است. آنها سرگرم مسائل کارگری و دانشجویی هستند. نه وزن و نیرویی دارند و نه اعتقاد به براندازی نظام.»

۱. اظهارات ع.ت در بازجویی‌های آبان ۸۵

نظر گروه‌های چپ به حذف اسلامیت از دفتر تحکیم

- «من (ع.ت) معتقد بودم که بالأخره مجبوریم از انجمن‌ها خارج شویم و روزی دانشگاه بقیه‌ی ما را سر اساسنامه و مرامنامه و نوع فعالیت سیاسی می‌گیرد. بحث و ستون اصلی تلاش ما ایجاد فراکسیون، حذف طیف دلبری از تحکیم و تغییر شعارهای تحکیم بود و اصلاً کاری به اسلامی و یا غیراسلامی نداشتیم و اصلاً صحبتی راجع به این نبود. در بحث داخل دانشگاه هم که حرف ما سندیکای دانشجویی بود و این بخاطر این بود که از طرف دفتر نهاد رهبری دانشگاه یا رئیس دانشگاه یا ... می‌آمدند و می‌گفتند شما که انجمن اسلامی هستید چرا برنامه‌های مذهبی انجام نمی‌دهید. ما هم یک جورهایی این حرف‌ها را قبول داشتیم و برای همین هم به نظر من انجمن‌های اسلامی جای کارهای صرف سیاسی و صنفی نمی‌تواند باشد.»

انتقادات وارده به جریان چپ دانشجویی

- «با فروپاشی شوروی و مطرح شدن «راه سوم» گیدنز^۱ و تسلط نولیبرالیسم ... باعث افزایش فشار بر روی مردم و کم شدن قدرت خرید آنها و هم‌چنین ورشکستگی کارخانجات و ... شد. این امر به درگیری گروه‌های مختلف (محیط‌زیستی‌ها، سبزها، طرفداران زنان و

۱. «راه سوم» نام کتابی است از آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس برجسته‌ی انگلیسی که در آن، وی از ضرورت بازسازی «سوسیال‌دموکراسی» سخن می‌گوید. این کتاب در سال ۱۹۹۹ منتشر گردیده و به فارسی نیز ترجمه شده است.

است و ما کاری با قشر بالا و قشر پایین نداریم، الآن هم که می بینید روزنامه‌ی ۱۵۰ تومانی چاپ می کنند. این که می گویم کاملاً در انتخابات مشخص شد. این‌ها به شدت با مطالبات اقتصادی، و طرح‌های اقتصادی و سؤالات اقتصادی مخالف بودند. هر کسی را به دانشگاه می آوردند و سخنرانی می کرد، حتی لائیک‌ها؛ ولی هر کس که موضع اقتصادی و دغدغه‌ی دیگری به جز آزادی داشت را بایکوت می کردند. این هم باعث شد قدیمی‌هایی که از چپ مانده بودند به جای اینکه بیایند و بروند پشت تریبون و با منطق و صحبت، اندیشه‌ها و اهدافشان را بگویند و جوری صحبت کنند که عامه‌ای که پایین هستند ازشان بیزار نشوند، رفتند توی خانه‌های خودشان و غر زدند و فحش دادند و داد کشیدند و اینطور توی ذهن بچه‌ها القا شد که چپ یعنی این.

کل فعالیت چپ‌ها در دانشگاه خلاصه می شود به دور هم جمع شدن، ادای کار مخفی در آوردن، به همدیگر رفیق گفتن، عکس چه گوارا را روی دیوار زدن، تی شرت سرخ رنگ پوشیدن، قیافه‌ی شیک درست نکردن، شلوارهای زمخت پوشیدن، جاکلیدی‌های داس و چکش در جیب گذاشتن، پرچم شوروی را خریدن. اکثر بچه‌ها از ضعف تئوریک، بخصوص در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی رنج می‌برند.»

چپ و بیگانگان

جریان چپ (مارکسیستی) از ابتدای پیدایش در ایران (۱۳۲۰)، همواره خود را مدیون و وابسته به شوروی می‌دانسته است. اگرچه در مسیر تحولات از آشکار کردن این وابستگی خودداری کرده، اما در مسیر تحولات جریان چپ در ایران، همواره شاهد ارتباطات برون‌مرزی این جریان و حامیان آن بوده‌ایم. فقدان پایگاه مردمی این جریان در داخل، باعث شده که چشم امید به قدرت‌های سلطه‌گر در بیرون مرزها داشته باشند. امروزه نیز جریان چپ دانشجویی در، هم‌آوایی نزدیک با حامیان برون‌مرزی، حرکت اعتراضی قابل ملاحظه‌ای را علیه جمهوری اسلامی راه‌اندازی نموده است.

تاکتیک‌های حامیان برون‌مرزی جریان چپ دانشجویی

۱- بهره‌برداری از پتانسیل دیگر جنبش‌های اجتماعی (کارگران، زنان، معلمان و ...)

یکی از مسائلی که به صورت مشترک در بیانیه‌ها و شعارهای جریان چپ به آن تأکید می‌شود، پیوند سایر اعتراضات اجتماعی با اعتراضات دانشجویان است. به گونه‌ای که بازخورد این تأکیدات، در تحرکات دانشجویی قابل مشاهده است. در زیر چند نمونه از مصادیق این گفته ذکر می‌شود:

«این یورش، بخش دیگری از هجوم رژیم اسلامی به جنبش زنان،

جنبش کارگری، جوانان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران است.»

(نامه سرگشاده جمعی از دانشجویان دانشگاه کوئین ماری لندن ۱۳۸۶/۰۹/۲۳)

همین تأکید به شکل دیگری در بیانیه چپ کارگری دانشگاه‌های ایران در ۱۵ دی ماه نیز به کار رفته است:

«همین برخوردها را [بازداشت ...] با جنبش کارگران، زنان، معلمان و دیگر جنبش‌های اجتماعی پیشرو شاهد بوده‌ایم.»
نمونه دیگر:

«بانگ رسای مبارزه بر حق دانشجویان، مطالبات کارگران، زنان و مردم آزادی‌خواه را به گوش جهانیان برسانیم.»

(اقدام متحد، کارزار پشتیبانی چپ با امضای احزاب و سازمان‌های کمونیستی و ...)

«می‌توان به اجماع، خواست دانشجویان را بر محوریت خواست دیگر جنبش‌های اجتماعی، خصوصاً جنبش کارگری و زنان و هم‌چنین ملیت‌های تحت ستم در ایران دانست.»
نمونه ذیل، این تاکتیک را بیشتر روشن می‌کند:

«در شرایطی که از یک سو بخش بزرگی از بدنه و پایگاه جنبش دانشجویی را دختران و زنان تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر بخش اعظم فعالین جنبش زنان را دانشجویان و جوانان تشکیل می‌دهند، طبیعتاً مسائل جنبش زنان از اهمیت بسیار بالا برای جنبش دانشجویی برخوردار می‌باشد.»

(قطعه‌نامه مصوب کنگره نهم حزب کمونیست با موضوع «جنبش دانشجویی ایران: چشم‌اندازها و وظایف»)

«آگاهی دانشجو از این حقیقت که او بخش مهمی از جنبش رشد و تکامل اجتماعی جامعه بوده و در ارتباط و هم‌سرنوشتی با دیگر

جنبش‌های پیشرو اجتماع است، دانشجو را در صف اول مبارزه قرار داده و به عنوان متحد مبارزات کارگران، زنان و توده‌های ستمدیده مطرح می‌کند.»

(بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد کرمانشاه ۱۵ آذر ماه ۸۶)

«ما فکر می‌کنیم پیوند جنبش‌های اجتماعی با جنبش کارگری و به میدان آمدن فعالین جنبش‌ها راه برون رفت از وضعیت کنونی است.»

(نامه اتحاد بین‌الملل در حمایت از کارگران انگلستان به فعالین کمپین دفاع از دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب)

«لازم است که بخش چپ جنبش دانشجویی بخشی از نیروی خود را به شکل تخصصی و سیستماتیک به مسائل زنان اختصاص دهد و به امر تقویت قطب چپ و رادیکال جنبش زنان و خط اتحاد با جنبش کارگری در بین صفوف این جنبش و مقابله با گرایش راست و لیبرال یاری رساند.»

(قطعه‌نامه مصوب کنگره نهم حزب کمونیست ایران با موضوع «جنبش دانشجویی ایران: چشم‌اندازها و وظایف»)

«گرایش سوسیالیستی در جنبش دانشجویی ایران در چند سال اخیر با دفاع از خواست‌ها و مبارزات طبقه کارگر ... و با پافشاری بر استراتژی اتحاد با جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های پایدار اجتماعی و تلاش گسترده برای ایجاد پیوند و همبستگی با فعالین و رهبران عملی دیگر جنبش‌ها، فصل نوینی در تاریخ این دوره از حیات خود گشود.»

(اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت ۱۶ آذر ۸۶)

۲- فشار بر جمهوری اسلامی ایران

حامیان جریان دانشجویی چپ، همواره به فشار علیه جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند تا بتوانند با تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی از شدت برخورد با جریانات چپ بکاهند و به نوعی از نظام جمهوری اسلامی امتیاز بگیرند. در ذیل، به چند نمونه از این خواسته‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱- فشار اقتصادی - سیاسی

«این حزب... از کشورهای اتحادیه اروپا و از دولت بلژیک خواسته است که در تمام روابط اقتصادی خود با ایران، وضعیت کلیه زندانیان سیاسی را مد نظر قرار دهد.»

(بیانیه حزب سبزهای بلژیک در حمایت از دانشجویان دربند)

«حمایت‌ها از سوی نمایندگان کارگران و دانشجویان و پارلمانی کشورهای جهان می‌تواند بر دول غربی فشار گذاشته که آنها در معاملات سیاسی و اقتصادی، دولت ایران را به نوبه‌ی خود زیر فشار قرار دهند که سرکوب‌ها را کمتر کنند.»

(شورای سردبیری نشریه میلپانت، ۲۸ آذر)

۲-۲- فشار از طریق تظاهرات، تجمعات و ...

«جمهوری اسلامی را باید از هر طریق ممکن تحت فشار قرار داد. به رفتار ضدانسانی و سرکوبگرانه حکومت اسلامی اعتراض کنید، با نامه‌های اعتراضی، برگزاری تجمعات اعتراضی و هر ابتکار دیگران خواهان آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی شوید.»

(نامه شماره ۲ سازمان جوانان کمونیست به عفو بین‌الملل و تمامی سازمان‌های مدافع حقوق انسان، ۱۵ آذر)

۳- تحزب کمونیستی و تسهیل دستیابی به هدف

حامیان برون مرزی، جریان چپ دانشجویی را به سازماندهی در قالب تشکل و حزب دعوت می‌کنند تا رسیدن به اهداف‌شان تسهیل شود. به نمونه زیر توجه کنید:

«پیشبرد سریع و بهینه محورهای فوق‌الذکر و به ثمر رساندن آنها بدون وجود یک تحزب کمونیستی که به مثابه مفصل اتصال و مرکز هماهنگی، تمام وجوه فعالیت‌های فوق عمل می‌کند. کاری بسی دشوار و بهتر بگوییم ناممکن است.»

(قطعه‌نامه مصوب کنگره نهم حزب کمونیست ایران)

«فعالیت حرفه‌ای و با دوام سیاسی باید متمرکز و در قالب فعالیت حزبی صورت پذیرد ولی افزودن تحزب (که در شرایط فعل غیرقانونی است) بر هویت رفقا (چپ‌ها)، سرکوب را تشدید می‌کند.»

(تحولی بزرگ در جنبش چپ ایران، مطالب از سپیده صلح جو)

تلاش برای تغییر بنیادین و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و پرهیز از روش‌های اصلاح طلبانه چیزی است که در اکثر بیانیه‌ها، قطعه‌نامه‌ها، شعارها و... از سوی حامیان جریان چپ دانشجویی تأکید شده است. تأکید بر تغییر بنیادین تمام مناسبات اجتماعی در جامعه ایران و پیگیری هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی می‌باشد:

«نسل جوان دانشجوی، کارگر و زن، از درون همین سرکوب‌ها

برخاسته و پرچم مبارزه برای تغییر بنیادین سیاسی و اجتماعی را در

کشور به دست گرفته‌اند.»

(بیانیه کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) در اعتراض به بازداشت فعالان دانشجویی)

«ما اعلام می‌کنیم که تحقق خواسته‌های ما منوط به سرنگونی تمام

و کمال رژیم جمهوری اسلامی است.»

(قطعه‌نامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در اعتراضات ۱۶ فوریه در حمایت از دانشجویان بازداشتی)

یکی از مباحثی که رابطه‌ی فکری جریان‌ات چپ دانشجویی و احزاب و

سازمان‌های سوسیالیستی و کمونیستی برون‌مرزی را آشکار می‌سازد ادبیات

مشترک میان آن‌هاست. جدول شماره ۱ و ۲ این ارتباط فکری را آشکار می‌سازد.

❖ تذکر:

آنچه آمد بخشی از رابطه میان چپ دانشجویی با جریان‌های اپوزیسیون

برون‌مرزی را آشکار می‌سازد.

جدول شماره‌ی ۱

اشتراک مواضع در ادبیات جریان چپ و حامیان برون مرزی

نوع موضع	تعبیر یا اصطلاح به کار رفته	صاحبان موضع	تاریخ
حمله به اصلاحات	«جمهوری خواهان و لیبرالیسم بورژوازی که استراتژی بقا و اصلاح رژیم را دارند.» «دوران اصلاحات یکی از عوامل اصلی به وجود آورده دوران کنونی است.» «سوء استفاده از دانشجویان در دوران به اصطلاح اصلاحات»	کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران	۱۶ آذر ۸۶
		بیانیه چپ کارگری دانشگاههای ایران ف.ش از فعالان دانشجویی	۱۲ دی ۸۶
ضدیت با لیبرالیسم	«این راهبردهای لیبرالی [حرف و برنامه‌ای برای جنبش‌های توده‌ای ندارند.» «لیبرالیسم بورژوازی، جمهوری اسلامی اصلاح شده را عرضه می‌کند.» «نولیبرال‌های اپوزیونی خوش خدمت...»	حزب کمونیست ایران حزب کمونیست ایران پ.ن. الف (مقاله نویس)	۱۰ آذر ۸۶
حمله به نظام	«جنبش دانشجویی مانند دژی محکم در مقابل دیکتاتوری جمهوری اسلامی ایستاده» «در برابر حکومت ضد انسانی جمهوری اسلامی بایستید» «مرجعین جمهوری اسلامی را در منگنه قرار دهید» «افشای نیات شوم مسئولین جمهوری اسلامی...»	کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران سازمان جوانان کمونیست بیانیه تظاهرات بروکسل سایت گزارشگران	۱۰ آذر ۸۶ ۱۵ آذر ۸۶ ۱ دی

جدول شماره ۲

نمونه‌هایی از مفاهیم مارکسیستی در ادبیات جریان‌ات چپ و حامیان
برون مرزی

مفهوم مارکسیستی	به کار گیرنده مفهوم	نمونه و مثال
طبقه و مبارزه طبقاتی	<ul style="list-style-type: none"> - اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - بیانیه اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران - انگلستان - بیانیه چپ کارگری دانشگاه‌های ایران - بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد کرمانشاه و ... 	<p>«چون زندان جزئی از نظام سرکوب طبقاتی طبقه مسلط بر ضد کل جامعه است و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، جزء جدایی‌ناپذیر مبارزه طبقاتی است.»</p>
بورژوازی و سرمایه‌داری	<ul style="list-style-type: none"> - بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) - بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - بیانیه چپ کارگری دانشگاه‌های ایران - اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و ... 	<p>«ماهیت جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت مذهبی استبدادی پاسدار نظام ستمگرانه و استثمارگرانه سرمایه‌داری ... روشن است.»</p> <p>«بورژوازی و حکومت اسلامی از جنب و جوش‌های رادیکال اجتماعی در هراس است.»</p>
امپریالیسم	<ul style="list-style-type: none"> - قطعنامه تظاهرات ۲۲ دسامبر بروکسل - بیانیه فعالین چپ یزد - پیام دانشجویان کمونیست بریتانیا - بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد کرمانشاه و ... 	<p>«حمایت از مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی امپریالیسم را وظیفه همه نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه میدانیم.»</p>
سوسیالیسم	<ul style="list-style-type: none"> - بیانیه چپ کارگری دانشگاه‌های ایران - اطلاعیه کمیته خارجی حزب کمونیست - کمیته اجرایی دانشجویان 	<p>«تنها رهایی انسان را سوسیالیسم میدانیم»</p> <p>«دانشجویان چپ ریشه در جنبش سوسیال طبقه کارگر دارند»</p>

مفهوم مارکسیستی	به کار گیرنده مفهوم	نمونه و مثال
	کمونیست بریتانیا - کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری	
پرولتاریا	- مقاله ب.ک، دانشجوی چپ - بیانیه چپ کارگری دانشگاه‌های ایران	«تنها آزادی خواه پیگیر، پرولتاریاست. چرا که تنها پرولتاریاست که توان رهایی انسان را از زنجیرهای رادیکال دارد.»
توده	- بیانیه چپ کارگری دانشگاه‌های ایران - بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران	«چرا که این جنبش‌ها مصمم به رجوع به خواست رادیکال توده‌های مردم برای ایجاد دنیای بترند.»
دیکتاتوری پرولتاریا	- مقاله ای از ب.ب، دانشجوی چپ - نامه سرگشاده نشریه میلیتانت به ع.ت	«[آیا میشود] پس از مارکسیست شدن بر سراسولی نظیر دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا تدقیق کمتر یا بیشتری صورت گیرد؟»
خلق	- بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد کرمانشاه	«امروزه دانشجو بیدارتر از همیشه، ... برای خواست خود و خلق خود، فریاد سر میدهد.»
هژمونی	- بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران	«آن‌ها [اصلاح طلبان] بدین طریق عملاً اثبات کردند که برقراری هژمونی لیبرالیسم بر جنبش‌های اجتماعی ... جز با یاری و همکاری مراکز امنیتی جمهوری اسلامی ... ممکن نیست.»
روابط و مناسبات تولید	- مقاله ر.م دانشجوی چپ - مقاله ح.م دانشجوی چپ	«برای تحقق این امر [جامعه جهانی سوسیالیستی] باید مناسبات تولیدی و ارتباطی تازه به وجود آید.»

نمونه و مثال	به کار گیرنده مفهوم	مفهوم مارکسیستی
«دشمن در اوج ضعف خود تنها به این دلیل به بقای خود ادامه داد که بلوک انقلابی وجود نداشت.»	- نامه سرگشاده نشریه میلیتانت به ع.ت	بلوک انقلابی

ضمیمه شماره ۱

الف) فهرست اهم سازمان‌ها، احزاب، گروه‌ها و تشکلات دانشجویی برون‌مرزی حمایت‌کننده از تحرکات جریانات چپ در دانشگاه‌های ایران

۱- سازمان‌های انقلابی و دانشجویی السالوادور (شرکت در فراخوان)

۲- اتحادیه‌ی کارگری فرانسه (شرکت در فراخوان)

۳- بنیاد فردریک حزب کمونیست فعالین کارگری و دانشجویی بریتانیا

(شرکت در فراخوان)

۴- سندیکای دانشجویان اسپانیا (شرکت در فراخوان)

۵- کمیته‌ی دفاع از آموزش و پرورش ایتالیا و مکزیک (شرکت در فراخوان)

۶- مارکسیست‌های انقلابی و توده‌ها (شرکت در فراخوان)

اطلاعیه‌های ۱۰ و ۱۲ آذر

بیانیه‌ی ۱۶ آذر

اطلاعیه ۲۸ دی ماه

۷- حزب کمونیست ایران

بیانیه‌ی ۱۵ آذر

کمیسیونی در استکهلم ۷ دی

بیانیه ۲۶ دی

۸- کانون زندانیان سیاسی ایران - در تبعید

۹- سازمان جوانان کمونیست - نامه به عضو بین‌الملل - ۱۱ و ۱۵ آذر

۱۰- اتحاد بین‌الملل در دفاع از کارگران - بخش انگلستان (شرکت در

فراخوان ۵ دی)

۱۱- کمیته‌ی خارج حزب حکمتیست (اطلاعیه‌ی ۵ دی)

- ۱۲- گروهی از دانشجویان چپ دانشگاهی ماری کویسین لندن و نامه به سازمان‌های بین‌المللی (۲۳ آذر)
- ۱۳- کمیته‌ی دانشجویان چپ ساکن بلژیک (تظاهرات ۲۲ بروکسل)
- ۱۴- نمایندگی کومله در خارج از کشور و اقدام (کارزار پشتیبانی از دانشجویان بازداشتی)
- ۱۵- کمیته‌ی کارگر (خارج از کشور حزب کمونیست ایران و اقوام متحد - کارزار پشتیبانی از دانشجویان بازداشتی)
- ۱۶- کمیته‌ی تشکیلات سازمان کارگری انقلابی ایران (خارج از کشور حزب کمونیست ایران و اقوام متحد - کارزار پشتیبانی از دانشجویان بازداشتی)
- ۱۷- جبهه‌ی ملی ایران - بوستون (امریکا) (خارج از کشور حزب کمونیست ایران و اقوام متحد - کارزار پشتیبانی از دانشجویان بازداشتی)
- ۱۸- اتحاد چپ ایرانیان - واشنگتن (امریکا) (خارج از کشور حزب کمونیست ایران و اقوام متحد - کارزار پشتیبانی از دانشجویان بازداشتی)
- ۱۹- حزب عدالت اجتماعی سوئد (خارج از کشور حزب کمونیست ایران و اقوام متحد - کارزار پشتیبانی از دانشجویان بازداشتی)
- ۲۰- سازمان پناهندگان بی‌مرز (خارج از کشور حزب کمونیست ایران و اقوام متحد - کارزار پشتیبانی از دانشجویان بازداشتی)
- ۲۱- سازمان عضوین الملل (بیانیه‌ای در اعتراض به بازداشت دانشجویان)
- ۲۲- کمیته‌ی اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری (بیانیه‌ی ۵ دی)
- ۲۳- حزب کمونیست ایران - حوزه‌ی هامبورگ - حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، حزب سوسیالیست ایران شاخه‌ی هامبورگ (میتینگ اعتراض ۱ دی ماه)

- ۲۴- کمیته‌ی دفاع کانون دانشجویی دانشگاه سیمون فریزر کانادا (نامه به دکتر احمدی نژاد ۱۸ بهمن)
- ۲۵- حزب سبزهای بلژیک (بیانیه)
- ۲۶- سازمان عفو بین‌الملل (نامه به مسئولین حکومتی ایران ۲۳ بهمن)
- ۲۷- اتحادیه‌ی دانشجویان ایتالیا (فراخوان ۱۵ بهمن)
- ۲۸- فعالین اتحادیه بین‌المللی کارگران - امریکا
- ۲۹- انجمن اساتید دانشگاه کالیفرنیا
- ۳۰- گرایش بین‌المللی مارکسیستی ۲MT (قطعه‌نامه ۲۸ بهمن)
- ۳۱- حزب کمونیست ایران - کانادا - حزب اتحاد کمونیسم کارگری کانادا - مرکز پیگرد جمهوری اسلامی... (فراخوان ۲۷ بهمن مقابل پارلمان اونتاریو تورنتو)
- ۳۲- تظاهرات لس‌آنجلس (۲۸ بهمن)
- ۳۳- حزب اتحاد کمونیست کارگری - واحد هلند (آکسیون اعتراض ۲۷ بهمن)
- ۳۴- حزب کمونیسم کارگری (حمایت از فراخوان ۱۵ بهمن)
- ۳۵- کمیته‌ی خارج از کشور حزب کمونیسم ایران (حمایت از فراخوان ۲۰ بهمن)
- ۳۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری - امریکا (قطعه‌نامه ۱۵ بهمن)
- ۳۷- فدراسیونی دانشجویی کانادا در استان بریتیش کلمبیا (۲۱ بهمن)

ضمیمه‌ی شماره‌ی ۲

اسامی برخی از صاحب‌نظران برون‌مرزی برجسته حمایت‌کننده، از تحرکات جریانات چپ در دانشگاه‌ها:

۱- آلن وودز سردبیر نشریه‌ی فراخوان سوسیالیستی و نویسنده چندین کتاب درباره‌ی مارکسیسم

۲- احمد منظور عضو هیأت اجرایی جهاد و جهاد پاکستان

۳- هوبر پرود نماینده ایرباس س ژ ت (یکی از بزرگ‌ترین اتحادیه‌ی کارگری فرانسه)

۴- جری ریر دبیر سراسری روزنامه‌نگاران بریتانیا

۵- نمایندگان چپ پارلمان انگلستان از جمله مکدونال

۶- یاشار کمال از نویسندگان برجسته معاصر مشهور کردتبار ترکیه

۷- کلودیو بلوتی عضو هیأت اجرایی حزب کمونیست ایتالیا

۸- فرد وستن مسئول هیأت تحریریه سیاست پریننده‌ی مارکسیست دات کام

۹- گرت پوتریک رئیس پارلمان اروپا از حزب دمکرات مسیحی آلمانی

۱۰- ال سویر مکدونال معاون رهبر حزب سوسیال دمکرات و کارگر ایرلند

شمالی و عضو پارلمان این کشور

۱۱- اندرو یزموور رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان انگلیس و از اعضای

ارشد حزب کارگر

رابطه‌ی جریان‌ات چپ و بیگانگان





فصل سوم - ما و جریان مارکسیسم دانشجویی

تبعات و پیامدهای منفی امنیتی این جریان

آکسیون چیست؟

در وبلاگ «سلام دموکرات» فردی به نام «هپ» در مقاله‌ای پیرامون جریان دانشگاه امیرکبیر در رابطه با واژه آکسیون (تجمع مشترک اعتراضی) و رعایت اخلاقیات در برپایی آن میان گروه‌های دانشجویی مطالبی را بیان می‌نماید. وی بعد از بیان وقایع دانشگاه امیرکبیر (انتشار نشریات موهن در این دانشگاه) در نقد تجمع برگزار شده در سی‌ام مهر ماه ۸۶ در این دانشگاه می‌نویسد:

«تجمع مشترک به دو صورت برگزار می‌شود. یا چند تشکل و محفل مختلف برای برگزاری آن جلسه می‌گذارند و از پیش برای آنچه که باید در این تجمع انجام شود و آنچه که ممکن است در طول تجمع رخ دهد، برنامه‌ریزی می‌کنند و یا پس از اعلام فراخوان عمومی از سوی یک یا چند تشکل، نیروهای دیگر نیز اعلام می‌کنند که در این تجمع حضور خواهند داشت و در واقع از هواداران خود می‌خواهند که به تجمع بپیوندند. این نیروها هم البته باید برخی نکات اخلاقی را رعایت کنند. اما این «نکات اخلاقی» تفسیربردار است.»

این نویسنده در معرفی نساد دانشجویان چپ می‌نویسد:

«حضور این گروه از دانشجویان در تجمعات همواره با سیاست «هر نفر، با یک پلاکارد سرخ رنگ بزرگ» همراه است.»

وی در بیان اعتقادات این گروه‌ها نیز می‌نویسد:

«چپی که اعتقاد داریم آزادی و عدالت در کنار هم امکان‌پذیر است و نه چون لیبرال‌ها، عدالت را قربانی آزادی می‌کنیم و نه چون بخشی از چپ‌ها آزادی را به خاطر عدالت به مسلخ می‌بریم. ما که اعتقاد داریم آزادی بدون عدالت و عدالت بدون آزادی دو روی سکه سرکوب و بردگی است، باید از همین امروز تمرین کنیم که ادبیات و رفتارمان نشانه آن باشد.»

وی مهم‌ترین آسیب این گروه‌ها و چنین تجمعاتی را این چنین بیان می‌دارد:

«به نظر من اکثریت دانشجویان دانشگاه‌های تهران به ریش همه ما فعالان سیاسی می‌خندند و کل نیرویی که همه ما با هم، از چپ و راست و تحکیمی و سوسیالیست می‌توانیم به صحنه بکشیم همین در نهایت هزار نفر است.»

چنین است که بیان می‌کنم آن بخشی از نیروهای چپ که در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند باید به دنبال راهی باشند که بتوانند با بدنه واقعی دانشجویان ارتباط داشته باشند. بتوانند بدنه واقعی دانشجویان را به میدان مبارزه اجتماعی و صد البته سیاسی بکشانند. اگر در شعارهایمان می‌گوییم که دانشگاه را رزمگاه طبقاتی می‌دانیم، اگر به راستی باور داریم که فرهنگ مسلط، فرهنگ سرمایه‌داری و مردسالاری و برتری‌طلبی در دانشگاه‌ها باز تولید می‌شود، اگر به راستی معتقدیم بخشی از کارگران و زنان تحت ستم فردا در دانشگاه‌های امروز روزگار می‌گذرانند، باید راهی دیگر بیندیشیم.^۱

۱. وبلاگ سلام دموکرات

❖ نکته

آکسیون با عمل و کنش، مجموعه اعمال و رفتار و به اصطلاح کارهایی است که از شخصیت مبارز سیاسی سر می‌زند که می‌تواند به صورت تجمعات، تریبون‌های آزاد و اعتصابات برگزار گردد. آکسیون عموماً در حرکات شبه کمونیستی کاربرد داشته و به نوعی تداعی‌کننده یک حرکت تشکیلاتی و برنامه‌ریزی شده است.

نگارنده این مقاله با ذکر روش‌های تشکیل یک آکسیون قصد دارد تا مشکلی در انتهای مطلب خود بیان نموده (عدم استقبال از این حرکت‌ها در دانشگاه‌ها) را به نوعی حل نماید. فحوای این مقاله ایجاد یک «قضیه مشترک» اعم از صنفی و یا سیاسی را برای دانشجویان پیشنهاد می‌کند که با هماهنگی و اشتراک مساعی گروه‌های پشتیبانی‌کننده و تشکیل‌دهنده آکسیون و با ایجاد تنوع از طریق رنگی نمودن فضای تجمع (استفاده از پرچم سرخ) جهت ایجاد تمایز با دیگر تجمعات و آکسیون‌ها، ترغیب بیشتر دانشجویان را جهت همراه نمودن در پی داشته باشد.

برای نجات جان دانشجویان زندانی تلاش کنیم!

گروهی موسوم به انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران که در قالب یک وبلاگ فعالیت می‌نماید با صدور اطلاعیه‌ای به حمایت از دانشجویان بازداشت شده در حوادث دانشگاه امیرکبیر پرداخته و در ضمن آن برخی از روش‌های موجود در حمایت از این افراد و گروه‌های مشابه را خاطر نشان می‌کند. در این اطلاعیه آمده است:

«تنها با تلاش جمعی و سازمان‌یافته می‌توانیم در برابر تعرض به صفوف دانشجویان آزادی‌خواه و مبارز ایستادگی کنیم، نجات جان هر یک از دانشجویان و دیگر زندانیان سیاسی به فعالیت ما در همه ابعاد اجتماعی بستگی دارد.

دانشجویان و خانواده زندانیان می‌توانند برای آزادی همقطاران و فرزندان خود، پیشنهاد و کمیته‌های نجات و حمایتی تشکیل بدهند، مردم می‌توانند به این کمیته‌ها بپیوندند، تلاش‌های جمعی و سازمان‌یافته از طرف کمیته‌ها را مورد پشتیبانی و حمایت قرار دهند. دانشجویان و دانش‌آموزان در محل دانشگاه و مدرسه کمیته‌های همبستگی تشکیل دهند و برای آزادی زندانیان تلاش کنند. تشکیل کمیته‌های حمایتی در محل درس و کار و زندگی ممکن است.

تجارب کمیته صندوق حمایت از فعالین زندانی اول می در دانشگاه تهران، کمیته تحصن علیه خشونت و کشتار مردم در شهر سنجید نمونه‌های موفق و بارز تلاش‌های جمعی جنبش ما در دوره اخیر است. باز هم می‌توانیم این کمیته‌ها را گسترش دهیم و مردم را متحد کنیم.

از تشکیل کمیته تلاش برای آزادی دانشجویان زندانی حمایت کنیم و از همه انسان‌های آزادی‌خواه، کارگران، زنان، تشکلهای اجتماعی، فعالین مدنی و سیاسی و همه نهادهای مدافع حقوق بشر می‌خواهیم که همه جانبه برای آزادی فعالین دانشجویی و زندانیان

سیاسی بکوشند و کمیته‌های تلاش برای آزادی زندانیان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند.^۱

❖ نکته

«پتیشن»^۲ یا همان عریضه و طومار یکی از ابزارهای مخالفت‌ورزی گروه‌های موسوم به دفاع از زندانیان، زنان، دانشجویان و ... به قصد ایجاد نوعی همبستگی و جلب ترحم در نیروهای هم‌صنف آنهاست. عموم افرادی که دسترسی به اینترنت دارند با امضای پتیشن‌ها در قالب کمیته‌های دفاع از حقوق بشر یا زندانی سیاسی و ... آشنایی دارند. ارسال ایمیل‌های متعدد به آدرس کاربران اینترنتی برای امضای پتیشن‌ها یا طومارهای مختلف سیاسی اغلب از سوی ایرانیان خارج از کشور هدایت شده و اخیراً به عنوان یک اهرم فشار روانی در اختیار گروه‌های بهانه‌جو داخلی قرار گرفته است.

اما نکته جالب توجه در میان این پتیشن‌ها که جوهره اصلی تشکیل‌دهنده انجمن‌ها و کمیته‌های مورد نظر می‌باشد، آنست که متن اغلب این طومارهای مجازی شتابان تهیه شده و معلوم نیست خطاب به چه کسی است و از هیچ ضمانت اجرایی نیز برخوردار نمی‌باشد و نمی‌توان فهمید که تهیه‌کنندگان و امضاءکنندگان آن چه مرام و مسلکی دارند. تنها فایده این طومارهای مجازی یا پتیشن‌ها، ایجاد وحدت‌نظر از سوی گروه‌های معاند میان منتقدین نظام حول یک محور خاص است.

حضور در همه تجمعات

در وبلاگ «سوسیالیست امروز» مطلبی پیرامون حوادث سی مهر دانشگاه امیرکبیر درج گردیده که در آن به قدرت و اثرگذاری جریانات چپ در مجموعه‌های دانشجویی و آینده آن توجه گردیده است. آنچه در پی می‌آید بخشی از این مطلب است:

«اخیراً بحثی حول دخالت گروه‌های چپ در فضای دانشگاه و مخصوصاً در مراسم روز ۳۰ مهر در دانشگاه پلی‌تکنیک بین فعالین دانشجویی در گرفته است. این‌گونه حملات به چپ‌ها سابقه طولانی در تاریخ دارد. به خصوص وقتی که چپ در حال قدرت‌گیری و اجتماعی شدن باشد و راست در موضع ضعف، این‌گونه حملات هم گسترده‌تر و جدی‌تر می‌شوند.»

در این مطلب در خصوص روش‌هایی که گروه‌های چپ دانشجویی می‌توانند اتخاذ کنند نیز به این صورت اشاره شده است:

«چپ‌ها در هر تجمعی که می‌خواهد احمدی‌نژاد راه بیندازد و چه تحکیم، باید با قدرت تمام حضور پیدا کنند. اینها همه بخش‌های مختلف یک حکومت‌اند.»

نویسنده در خصوص برنامه‌های آینده این گروه‌ها نیز بیان می‌دارد:

«شعارهای مشترک افق و آرمان مشترک و خواست‌های سیاسی مشترک زیادی وجود دارد که می‌تواند باعث ایجاد همکاری بین چپ‌ها در دانشگاه بشود. این همکاری باید در ۱۶ آذر خودنمایی کند. بعد از چند سال تلاش و فعالیت برای گرفتن ۱۶ آذر و تبدیل

این روز به روز اعتراض دانشجو از منظر چپ، امسال باید گام بزرگتری برداشت. و آن ایجاد تشکل‌های سراسری و مستقل دانشجویی است.^۱

❖ نکته

تز «دیده شدن» در مجامع و مراسم عمومی از جمله راه کارهای پیشنهادی برای مطرح شدن و عادی شدن حضور گروه‌های چپ در دانشگاه‌هاست. اینکه دانشجویان و گروه‌های مردمی در تمامی تجمعات و مراسم‌ها پرچم‌های قرمز رنگ و شعارهای خاص دفاع از خلق و مردم را دیده و یا بشنوند می‌تواند بهترین راه برای ایجاد «مشروعیت حضور» آنها در دانشگاه‌ها باشد.

بیانیه دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۸۶

دانشجویان سوسیالیست دانشگاه امیرکبیر در اولین بیانیه خود در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ اعتقادات خود را این چنین بیان داشتند:

«مبارزات دانشجویی نباید و نمی‌تواند به مسایل صرفاً دانشجویی اکتفا کند، بلکه باید در حین پیگیری مطالبات صنفی، مناسبات غیرانسانی که بر زندگی وی حاکم است را بشناسد. دانشجو بیش از آنکه دانشجو باشد عضوی از جامعه است. سرکوب و تعرض در دانشگاه کاملاً متأثر از سرکوب و تعرض حاکمیت در جامعه است. دانشجویان باید در حین مبارزه با روبنای مناسبات اجتماعی، زیربنای این مناسبات را هدف قرار دهند. اعتراض به سلب آزادی بیان،

اعتراض به ستم جنسیتی و ... باید پیش‌درآمدی باشد بر مبارزه طبقاتی.

اولین گام در راه مبارزات دانشجویی ایجاد تشکل مستقل دانشجویی است. تشکلی که ساخته دست حاکمیت است، تشکل دانشجویی نیست، مزدور حاکمیت است. تشکلی که با توسل به بخشی از حاکمیت سعی در مقابله با سرکوب حاکمیت دارد، پیاده‌نظام بخشی از حاکمیت است و بنابراین نمی‌تواند مستقل باشد. تشکل دانشجویی خاستگاه، مواضع و اهدافی کاملاً مشخص و روشن دارد. چنین تشکلی مطالبات اصیل انسانی را پیگیری می‌کند. پیگیری این مطالبات جز به دست تشکلی رادیکال ممکن نیست. چرا که رادیکالیسم همانا دست بردن به ریشه‌هاست و رهایی جز با دست بردن به ریشه‌ها ممکن نیست. پیش به سوی رهایی.»

❖ نکته

موارد بیان شده در این بیانیه همان دیدگاه‌های چپ رادیکال است که در مصاحبه «ع.ت» بیان شد. بنابراین باید گفت در ماهیت، دو شاخه در چپ بیشتر وجود ندارد. چپ کارگری و چپ رادیکال که دانشجویان سوسیالیست دانشگاه امیرکبیر جزو شاخه چپ رادیکال یا منشعب از همان جداشدگان انجمن اسلامی دفتر تحکیم است.

سوسیالیست‌ها و عدالت اجتماعی

بررسی اخبار و مطالب منتشره نشان می‌دهد که گروه‌های چپ و سوسیالیست شعار و محور اصلی تبلیغات خود را بر مباحث مرتبط با عدالت اجتماعی قرار داده‌اند. نوشته‌های ذیل که در نشریات و وبلاگ‌ها و سایت‌های مرتبط با آنها آمده است تصدیق‌کننده این حقیقت است:

بیانیه جمعی از جوانان و دانشجویان سوسیالیست به مناسبت روز کارگر

به هر سو که نگاه می‌اندازیم اضطراب و نگرانی در میان مردم موج می‌زند. نگرانی از امروزی تنیده شده در مشکلات طاقت‌فرسای روزمره و آینده‌ای نامعلوم، زندگی‌ها را به مخاطره انداخته است. زندگی زحمتکشان میهن ما را سخت‌ترین ناملایمات و ناهنجاری‌ها در معرض آسیب و فروپاشی قرار داده‌اند. واگذاری‌های راهزانه و خصوصی‌سازی اموال و دارائی‌های عمومی در راستای سیاست‌های نئولیبرالیستی و اوامر بانک جهانی نتیجه‌ای جز ویرانی هرچه بیشتر صنعت و عمیق‌تر کردن فاصله طبقاتی ندارد.

حاکمیت جمهوری اسلامی سعی دارد با تفرقه‌اندازی بین کارگران و از بین بردن اتحاد طبقاتی و انسجام تشکیلاتی آنها به بهانه جنگ در حقیقت به مصادره و تاراج دارایی‌های کارگران و زحمتکشان بدون هیچ اعتراض و حق‌طلبی از سوی این طبقه ادامه دهد. ما همراه با کارگران در روز جهانی کارگر خواستار دستیابی ایشان به حقوق و مطالبات برحقشان هستیم و اعتقاد داریم که در نهایت صلح پایدار،

رهایی و دستیابی به حقوق کارگران تنها با به زیر کشیدن نظام سرمایه‌داری ممکن است.^۱

نقدی بر نهال نوردس چپ در ایران

در تمام سایت‌ها و نشریات چپ بسیار به ندرت می‌توان گزارشی از زندگی مردم، آنچه در محلات شهرها می‌گذرد، نظرات مردم درباره رویدادهای روز، گفتگوهای ساده و معمولی مردم در معابر و اماکن عمومی، از پیچ‌پیچ‌های مردم در صف‌های اتوبوس یا مترو، از دبیرستان‌ها و حرف‌های نسل نوجوان، از دفاتر مدارس و مشکلات معلمین، از زندگی و دیدگاه‌های کارگران نسبت به اوضاع کشور، از صحبت‌ها و تعریف‌های به ظاهر بسیار عادی و ساده مادران و خواهران که از خرید روزانه بازگشته و ... مشاهده کرد. همه این شنیده و دیده‌ها، وقتی در کارگاه تئوری کنار هم قرار بگیرند، آنگاه شناخت ما را نسبت به جامعه و توان ما را نسبت به درک روند جامعه ممکن می‌سازند. تئوری برای همین شناخت است و مردم ایران نیز همان‌هایی هستند که در اقشار و طبقاتی و قشرهای مختلف اجتماعی از آنها یاد کردیم. مسئله به همین سادگی است.^۲

۱. وبلاگ راه توده

۲. نشریه دانشجویی اینترنتی به پیش

جمع‌آوری کمک‌های مالی

«کمپین جمع‌آوری کمک مالی برای خانواده‌های سه زندانی اول ماه می، یک ابتکار عمل به موقع توسط نسل جدید دانشجویان چپ بود. نزدیک به بیست و پنج سال طول کشید تا مجدداً دانشگاه‌های ایران شاهد فعالیت دانشجویان چپ باشد؛ فعالیت‌هایی که با انتشار نشریات آغاز شد و به مرور اشکال آکسیونی نیز به خود گرفت و با اجرای طرح «صندوق حمایت از کارگران زندانی» که توسط جمعی از دانشجویان چپ در دانشگاه‌های شریف، تهران، علامه و پلی تکنیک انجام شد، می‌رود تا هرچه بیشتر ظرف فعالیت‌های چپ دوران جدید، یک چپ طبقاتی سوسیالیست، باشد.

دانشجویان چپ باید خود را با آن نوع سوسیالیسمی تداعی کنند که از درهم تنیدگی عقایدش با حرکت طبقه کارگر قدرت می‌گیرد و لاجرم آشنا کردن هرچه بیشتر دانشجویان با وضعیت طبقه کارگر، از جمله فعالیت‌های تعطیل ناپذیر آن است.»^۱

❖ نکته

عدم استقبال از شعارهای اصلاح‌طلبانه و آزادی‌خواهانه البته به قرائت لیبرال و غربی آن در فضای دانشگاه مشغولیت‌های ذهنی دانشجویان به مباحثی همچون برقراری عدالت و ایجاد اشتغال، الگو و شعار اصلی گروه‌های چپ را برای ترویج تفکر سوسیالیستی خود میان دانشجویان عدالت اجتماعی و ارتقای

سطح زندگی زحمتکشان و فقرای جامعه تبدیل نموده است. هم چنین اتخاذ منش ضد امریکایی این گروه‌ها نیز در دو محور قابل بحث است:

اول آنکه نمی‌توان هم در اردوگاه چپ و سوسیالیسم بود و هم از تفکرات راست و امریکایی حمایت نمود و دوم آنکه می‌خواهند صف خود را از مجموعه‌های دانشجویی که از سوی رسانه‌های همراه دولت امریکا حمایت مادی و معنوی می‌شوند جدا نمایند. البته با غفلت از این مسأله که پدیدآورنده این گونه گروه‌های چپ به شکل امروزی نیز همین دولت امریکاست.

اما مطلب مهم در این مورد ترغیب به تشکیل صندوق‌های مالی حمایتی از خانواده‌های دانشجویان متخلف است. لازم به ذکر است که چندی است برخی از نظریه پردازان سیاسی به این مطلب اذعان می‌کنند که برای شروع یک حرکت جمعی با ساختار گروهی و یا حزبی و برای وصول به یک هدف مشخص در ایران بایستی ابتدا از لایه‌های اجتماعی وارد شد که این نیز با راه‌اندازی مجامع خیریه، صندوق‌های قرض‌الحسنه و هر ساختار دیگری که جنبه اجتماعی دارد میسر خواهد بود. این گونه گروه‌ها نیز برای جلب حمایت گروه‌های دانشجویی - مردمی وارد این تاکتیک شده‌اند، البته از نوع خاص آن. یعنی ورود به بدنه اجتماعی خانواده‌هایی که یکی از اعضای آن مجرم می‌باشد. کمپین‌ها یا تشکل‌هایی که برای یک هدف کوتاه مدتی در قالب اینترنت و یا اجتماع شکل می‌گیرد نیز جزء راه‌های اجرایی آن است.

تحرك دانشجویی و جنبش دانشجویی كردی

جلب توجه قومیت‌ها با خطاب قرار دادن مستقیم آن‌ها می‌تواند زمینه مناسبی را برای رشد اندیشه‌های سوسیالیستی در درون دانشگاه‌های مرزی و دانشجویان قومی در شهرهای دیگر فراهم آورد.

مطلب ذیل از که از وبلاگ فردی به نام «م.ف» نقل می‌گردد که در وبلاگ خود به بسط اندیشه‌های چپ می‌پردازد، مصداق این نکته است. وی می‌نویسد:

«جنبش دانشجویی كردی به عنوان بازوی دانشجویی ناسیونالیسم و قوم‌پرستی گُرد به دنبال حمله نظامی بوش پدر رو به رشد نهاد، در دوران دوم خرداد و همزیستی برادرانه پ.ك.ك با جمهوری اسلامی هم نیرو گرفت. حمله دوم امریکا به عراق نور دیگری در ایمان این جنبش بود. با شروع شکست امریکا در عراق نیز پروسه سرگردانی‌اش را شروع کرد. جنبش دانشجویی كردی هم‌زاد سرگردانی و بی‌افقی جنبش مادرش، جنبش ناسیونالیسم كرد بی‌افق شده است و اکنون در خلأ و بلا تکلیفی بسر می‌برد.

اما تحرك دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب که نه تهرانی و اصفهانی و تبریزی و سنندجی است، نه كردی و ترکی و فارسی و نه قومی و قبیله‌ای است، بلکه ملی است و تازه دارد راه پیشروی پیدا می‌کند. این جنبش بازوی جنبش وسیع‌تری در جامعه است که می‌خواهد فقر، فلاکت، فحشاء، اعتیاد، تبعیض، نابرابری، استبداد، عقب‌افتادگی فرهنگی، ستم جنسی و طبقاتی و ملی و مذهبی و جنگ و همه مصائب سیستم اقتصادی اجتماعی حاکم همراه

حاکمیتش را از جامعه جارو کند. دانشجوی و جوان این جامعه که
نفعی در بقای دنیای کهنه ندارد، چرا طوق قومی و ملی باید مانع
همراهی اش با این جنبش شود.»^۱

❖ نکته

سازمان پ.ک.ک که زمانی برای احقاق حقوق ملت گُرد به پاخواسته بود،
هم اکنون به اصلی ترین ضایع کننده حقوق این خلق تبدیل گردید. این سازمان
که دازای گرایش مارکسیست - لنینیستی می باشد، شمار زیادی از مردم کرد را
تا به حال به کام مرگ کشانده است. دولت امریکا برای آنکه بتواند پ.ک.ک
را از بحران کنونی که در حال حاضر دچار آن شده بیرون آورد و در جهت نیل
به اهداف دیگرش - از جمله در ایران و سوریه - از آن استفاده کند. همواره
وسایل انفجاری از نوع نظامی و سلاح های مدرن را از طریق کشور عراق در
اختیار این گروه مارکسیستی قرار داده است و تاکنون سعی داشته ترکیه را
متقاعد کند که علیه جنگجویان پ.ک.ک دست به عملیات مرزی نزند. حال
در مطلب فوق یک تحریف تاریخی مهم اتفاق افتاده است و آن دعوت از
دانشجویان کرد برای رهایی از مارکسیسم پ.ک.ک به همان مرام البته از نوع
دانشجویی و با سبک آرام و غیرخشن آن است. گویی نویسنده قصد ندارد این
مطلب را قبول نماید که یگانه عامل مشکلات موجود در بین گروه های کرد
وجود اندیشه های خشن مارکسیستی است که اتفاقاً توسط جبهه به ظاهر مقابل
آن یعنی لیبرالیسم امریکایی هدایت می شود. هم چنین گروه های دانشجویی

۱. وبلاگ م.ف

نامشروع و فاقد هرگونه مقبولیت بین اقوام کرد (همچون پژاک) را، جزو جنبش دانشجویی کرد قلمداد کردن یک اقدام غیرمنطقی و ناجوانمردانه است.

شعار نویسی به عنوان کارآمدترین تاکتیک مقطعی

در وبلاگ‌های متعلق به این گروه‌ها در توضیح یکی دیگر از روش‌های اجرایی آمده است:

«یکی از کارآمدترین روش‌ها برای فشار بر دول خودی، جلب حمایت عملی توده‌های مردم است. تجربه نشان داده است که شعار نویسی به عنوان یک کار عملی که خطاب به مردم عادی انجام می‌گیرد، لاقفل دو خصیصه مشخص دارد که مزیت آن را از سایر اشکال متداول امروزی (طومار و ایمیل و نامه‌نگاری به نمایندگان مجالس...) نشان می‌دهد.»

۱- برخلاف نامه و ایمیل و طومارهای اینترنتی، شعار نویسی عملی واقعی و نشان از مداخله مادی و عملی در تحولات سیاسی روزمره است.

۲- شعار نویسی احتیاج به برنامه‌ریزی و کار گروهی و بحث و مجادله ندارد. و بیننده شعار خود می‌تواند بنا به سلیقه و توان و وقت خود همان کار را سرمشق قرار دهد.^۱

❖ نکته

نویسنده این پیشنهاد، قطعاً از سطح آگاهی‌های اجتماعی و دانشگاهی جامعه ایران اطلاع دقیقی ندارد؛ چرا که تاکتیک شعار نویسی مدت‌هاست که منسوخ شده و دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. یک گروه و یا جریان اجتماعی جهت ورود به دانشگاه و جذب بدنه دانشجو نیاز به ژست روشنفکرانه دارد در حالی که شعار نویسی یک حرکت عوامانه و ارتجاعی است.

فعالیت‌های رسانه‌ای دانشجویان مارکسیست

عرصه وبلاگ نویسی عرصه‌ای است مجازی که نویسنده می‌تواند تمام عقاید و افکار خویش را به هر ترتیبی که می‌خواهد در آن به رشته تحریر در آورد. از آنجایی که فعالیت در این عرصه نیازمند زمان کم و امکانات مالی محدود است، بسیار مورد توجه دانشجویان و فعالین سیاسی قرار گرفته است که سعی دارند اندیشه‌های خود را در معرض افکار عمومی بگذارند.

حمایت از اعتصابات شرکت واحد

(مسئله سندیکا بین نیروهای چپ یک مسئله مورد علاقه است. اعتصابات شرکت واحد هم مربوط به همین سندیکای شرکت واحد بود.)

فعالیت‌های دیگر

- ✓ مراسم ۱۶ آذر در دانشکده حقوق دانشگاه تهران که از سوی تشکل فرهنگی دانشکده حقوق با همکاری نشریه «رستا» در تاریخ ۸۴/۰۶/۱۵ برگزار گردید. در این برنامه با میزگردی که با حضور گروه رستا شکل گرفته بود «مزدک دانشور» دبیر انجمن تاریخ شفاهی چپ به ضرورت سازماندهی دموکراتی چپ پرداخت.
- ✓ تجمع عده‌ای از عناصر چپ‌گرا در مقابل روزنامه شرق در اعتراض به سیاست‌های ضد طبقه کارگری این روزنامه و مخالفت با سیاست‌های سرمایه‌داری آن نسبت به حمایت این روزنامه از هاشمی رفسنجانی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری.
- ✓ شرکت گسترده در تجمعات و اعتراضات دانشجویی به مناسبات ۱۶ آذر ۸۳
- ✓ تحریم انتخابات ریاست جمهوری و پیشنهاد عدم شرکت در آن توسط عناصر کمونیست دانشکده حقوق تهران
- ✓ برگزاری تجمع غیرقانونی توسط عناصر چپ کمونیست - مارکسیست در تاریخ ۸۴/۰۹/۲۰ با همکاری دانشگاه علامه و امیرکبیر به مناسبت روز دانشجو در مقابل دانشکده فنی دانشگاه تهران (در این تجمع عناصر تجمع‌کننده پلاکاردهایی پیرامون حقوق زنان و ... به همراه داشتند).
- ✓ برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در آستانه روز جهانی زن و حرکت به سمت پارک لاله جهت بزرگداشت این روز (۸۴/۱۲/۱۸)

✓ اعتراض در کوی دانشگاه تهران. (خرداد ۸۴) این اعتراض پس از اعلام اسامی تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری نهم از سوی شورای نگهبان شکل گرفت.

✓ برگزاری کنفرانس پیرامون مشکلات حقوق کار و نقش تشکل‌های کارگری و جنبش‌های اجتماعی در رفع آن در تاریخ

۸۴/۰۹/۰۶

موضع دفاعی گروه‌های چپ

همزمان با انتشار بیانیه انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر در اعتراض به فعالیت گروه‌های چپ در روز برگزاری تریبون آزاد دانشگاه و در پاسخ به اتهامات و ایرادهای این تشکل به این گروه‌ها، حامیان چپ در وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی خود پاسخ‌هایی را نسبت به این بیانیه مطرح کردند که برخی آن‌ها در پی می‌آید:

۱- در یکی از این وبلاگ‌ها خطاب به انجمن اسلامی آمده است:

«چپ و کمونیسم جنبش زنده و مبارز روزمره طبقه کارگر برای بهبود وضع زندگی و زیر و رو کردن مناسبات ضدانسانی سرمایه‌داریست که ادامه مبارزاتش را در دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم. هیچ ۲۰ نفری نمی‌توانند بدون پشتوانه اجتماعی و طبقاتی این چنین در خفقان حکومت اسلامی پرچم «سوسیالیستی» بلند کنند. واقعیت این است که اعتراضات و مبارزات دانشجویی به دنبال مبارزات طبقه کارگر کشیده می‌شود و از آن تأثیر می‌گیرد و با قدرت‌گیری آن چپ و قدرتمند می‌شود.»

فعالین چپ اساساً باید با طرح صحیح مسائل اجتماعی و دادن رادیکال‌ترین پاسخ به آن سعی کنند که توده وسیع دانشجوی را به میدان بیاورند. امروزه هر اعتراض به وضع موجود و مبارزه اجتماعی برای بهبود آن اساساً خصلت چپ و رادیکال دارد و رهبری چپ و رادیکال را طلب می‌کند در نتیجه فعالین چپ و سوسیالیست هر اعتراضی را باید مال خود و متعلق به جریان خود بدانند و مانند رهبر آن عمل کنند. باید هر مسأله را موضوعی برای دخالت‌گری خود و بسط رابطه خود با توده دانشجوی قلمداد کنند و فعالانه هر اعتراضی را دامن بزنند و سازمان دهند. باید از ابزارهای وسیع ارتباط جمعی پیش از پیش بهره گیرند. باید خود را بهتر و در سطح سراسری سازمان دهند. باید رابطه‌شان را با جنبش کارگری، معلمان و زنان تقویت کنند. باید جنبش خود را بین‌المللی ببینند و در سطح جهانی نیرو بسیج کنند. باید فعالانه برای یک ۱۶ آذر سراسری و سوسیالیستی با تمام قوا آماده شوند.^۱

❖ نکته

قدرتمندترین نظریه گروه‌های چپ دانشجویی در تمامی موارد اعلامی از سوی آن‌ها، ایجاد پیوند میان جریان دانشجویی با جریانات کارگری و اعتصاب‌های صنفی و یا بعضاً سیاسی دیگر اقدار جامعه نظیر معلمان، رانندگان و ... است و این همان تز اصلی لنین برای تبدیل شدن به یک کمونیست واقعی است، لنین در سخنرانی خود در سومین کنگره کشوری سازمان کمونیستی جوانان روسیه می‌گوید:

«... این نسل تنها می‌تواند از این راه کمونیسم را بیاموزد که هر گام خود را در آموزش و پرورش و تحصیل با مبارزه لاینقطع زحمت‌کشان علیه جامعه کهنه استثمارگر توأم سازد ... فقط در جریان کار با کارگران و دهقانان می‌توان به کمونیست‌های واقعی بدل گردید ...»

البته محل اختلاف این گروه‌ها با یکدیگر در پاسخ به این سؤال است که آیا جنبش دانشجویی بایستی خود را با جریانات خارج خود از جمله جریانات کارگری همراه سازد یا بالعکس.

۲- «ب.د.ز» نیز در وبلاگش می‌نویسد:

«بارها به دوستان چپ علامه تذکر داده‌ایم که مبارزه سیاسی شوخی‌بردار نیست و بخشی از مبارزه طبقاتی است. بارها به ایشان توضیح دادیم که اعتراض لیبرال‌ها به پلاکاردهای سرخ برافراشته شده از طرف نیروهای چپ چیزی نیست جز ترفند بورژوازی (سرمایه‌داری) برای حذف این نیروها از صحنه مبارزه و برخلاف ادعایشان محروم کردن مردم از حق انتخاب بین راه حل طبقه کارگر برای جامعه آینده یا قبول جامعه سرمایه‌داری به همین صورتی که هست.

خبرنامه امیرکبیر متعلق به انجمن اسلامی هیچ‌گونه نامی از حضور دانشجویان چپ و خواندن بیانیه‌های ایشان نکرده و به کلی این خط‌مشی را حذف و مطالب مطرح شده از طرف آنان را سانسور می‌کند. و با کمک رسانه‌های طرفدار خود چون تلویزیون فارسی

زبان متعلق به دولت امریکا VOA و ... این آکسیون را به تصرف خود در می آورد.»

❖ نکته:

تلویزیون VOA در حال حاضر به تحلیل مسائل داخل و خارج ایران از نگاه منتقدین و معاندین ایران از جمله علی افشاری - حادثه ساز جریان هجدهم تیرماه سال ۷۸ - می پردازد. وی در فواصل منظم زمانی در این تلویزیون ظاهر گشته و از برخی اقدامات انجمن های اسلامی دفاع مجدانه ای ارائه می کند. مطلب فوق نیز اشاره به همین مسأله دارد.

۳- آینده شناسی و احتمالات فرارو

وسعت فعالیت چپ رادیکال در حوزه اینترنت (وبلاگ)، اعلام موجودیت گروه های چپ وابسته به این طیف در دانشگاه های شهرهای مختلف و فراخوان هایی که در اعتراض به ج.ا.ا داده اند، این نتیجه را به ذهن متبادر می کند که طیف چپ رادیکال نسبت به سایر طیف ها از وجاهت، وزانت و اقبال بیشتری برای رشد در سطح دانشگاه ها برخوردار است. از یک منظر دلیل این گسترش را باید در عملکرد علنی و رادیکال این طیف جستجو کرد. چرا که قشر دانشجو به دلیل ویژگی های خاصی چون جوانی، آرمان خواهی و داشتن روحیه مهیج تمایل بیشتری به این نوع عملکرد از خود نشان می دهند.

اما در مقابل، طیف چپ کارگری به دلیل عدم گستردگی فعالان و فعالیت این طیف، هم چنین وجود اختلافات داخلی میان اعضا و انشعابات صورت گرفته از وزن کمتری در سطح دانشگاه ها برخوردار می باشد. چپ شورایی و انتقادی به دلیل جدیدالتأسیس بودنشان هنوز شناخته نشده اند و به نظر نمی رسند

حداقل در آینده نزدیک بتوانند جایگاه مطلوبی را در سطح دانشگاه‌ها از آن خود کنند.

با توجه به اعلام موجودیت «دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب» دانشگاه‌های شهرهای مختلف به نظر می‌رسد چپ رادیکال از نظر تشکیلات، به منظور اتحاد، به شکل جبهه‌ای در حال عمل است و از سویی نیرومند شدن و مشهور شدنش این احتمال را می‌رساند که طیف‌های دیگر علی‌رغم اختلافات موجود به این طیف (چپ رادیکال) نزدیک شوند.

هم‌چنین از آنجایی که رهبران چپ رادیکال جوان هستند و هیچ کدام از لحاظ تئوریک چندان قوی نمی‌باشند و قادر به ارائه استراتژی برای جریان خود نیستند، این وضعیت چپ رادیکال را نیازمند نسخه آماده‌ای کرده که دست کم تحلیل و چشم‌اندازی کلی در اختیار آن‌ها قرار دهد. بنابراین زمینه لازم برای جریان چپ جهت دریافت این برنامه از احزاب کمونیستی وجود دارد. نیازی که این احزاب آن را درک کرده و آن‌ها را وادار به حمایت از چپ‌ها و ارائه راه کار به این جریان نموده است.

در حال حاضر جریان چپ به دنبال اتخاذ تاکتیک‌های ذیل می‌باشد:

سازماندهی فعالیت تشکیلاتی علنی و مخفی، ورود به فاز عملی و مسلحانه، هماهنگی با سایر فعالین دانشجویی، استفاده از پایگاه قانونی سایر تشکل‌ها برای انجام فعالیت‌های خود، برنامه‌ریزی برای مراسمات و تجمعات مختلف، فعالیت و برنامه‌ریزی به منظور انتخابات‌های پیش رو، بهره‌گیری از توان و تجربیات اعضای قدیمی جریان چپ داخل کشور، سازماندهی و ارتباط با احزاب و جریان‌های چپ خارج از کشور و آرایش سیاسی در قالب یک حزب قدرتمند.

یک حرکت دانشجویی موفق

یکی از تحلیل‌هایی که در مورد ماجرای تریبون آزاد دانشگاه امیرکبیر مطرح شده و مورد توجه نیز می‌باشد، مطلبی است که فردی به نام «ت.ر.» در وبلاگ شخصی خود می‌نگارد. وی در اظهارات خود به اهمیت و شاخصه‌های این برنامه می‌پردازد که در جای خود شایسته توجه و دقت می‌باشد. وی نقاط قوت این حرکت را این چنین بیان می‌دارد:

۱. اهمیت طرح که یک (یا چند) خواست مشخص و فراگیر و بسیج‌کننده اعم از مطالبات صنفی و یا سیاسی را دارا بود.

۲. شرکت طیف‌های گوناگون دانشجویی به همراه انبوهی از دانشجویانی که به هیچ‌کدام از طیف‌های شناخته شده متصل نبودند.

۳. حضور طیف‌های گوناگون، به ویژه نیروهای چپ با شعارها و پرچم‌های مستقل خود.

۴. حضور سازمان‌یافته دانشجویان چندین دانشگاه مهم دیگر نظیر تهران، علامه و خواجه نصیر و ... برای مشارکت در اعتراض و اعلام همبستگی.

نویسنده در پیشنهادی به گروه‌های چپ برای مقابله با گروه‌های رقیب خود در دانشگاه‌ها می‌نویسد:

«سیاست راهبردی چپ‌ها برای پاگرفتن و تقویت جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی گسترده و داشتن پیوند ارگانیک و متقابل با آنها مستلزم آن است که هیچ‌وقت حرکت و عملکرد معطوف به جنبش‌های اجتماعی را به سطح هژمونی‌طلبی مبتدل و رایج بورژواها

(سرمایه‌داران) و فرقه‌گرایان تنزل ندهند و بر همین پایه مبارزات نظری و افشاگرانه آنها در صحنه عمل سیاسی که بسیار هم لازم است - مثلاً در مورد لیبرال‌ها (در اینجا منظور انجمن‌های اسلامی) - به جای مبارزات تجریدی و غیرقابل فهم برای توده دانشجویان، باید عمدتاً در ارتباط با مسائل مشخص سیاسی، طبقاتی و مبتنی بر تجربه زنده توده‌های دانشجویی و تعمیق آن بر این بستر باشد.^۱

❖ نکته

اهمیت مطالب فوق از آن جهت است که می‌توان بر پایه آن حرکت‌های بعدی این‌گونه گروه‌ها را پیش‌بینی نمود.

نویسنده با بر شمردن فواید این‌گونه تجمعات، به نوعی به شاخص‌های یک حرکت مطلوب غیرقانونی اشاره دارد. اینکه برای شکل‌گیری یک تجمع اعتراضی کمابیش توده‌ای، طرح سوژه‌های بسیج‌کننده به عنوان مهم‌ترین شاخص این‌گونه تجمعات می‌باشد. البته این سوژه می‌بایست برای عامه دانشجویان نیز قابل فهم و درک باشد. لذا می‌توان به خواسته‌های صنفی و مباحثی که بین دانشجویان به عنوان معضل شناخته شده اشاره کرد که توانمندی لازم را جهت دستمایه شدن برای این گروه‌های سیاسی داراست.

مطلب فوق اشعار دارد که برای همراه نمودن دانشجویان ناپیستی از میان تجمعات اعتراضی صدای قدرت‌خواهی و مشی قدرت‌طلبی دیده شود؛ چرا که چنین حرکاتی در دانشگاه‌ها محکوم به شکست است. لذا شعار حمایت از گروه‌های فقیر و نیازمند می‌تواند بهترین نیروی جاذبه را در دانشگاه داشته باشد.

۱. وبلاگ شخصی تقی روزبه www.taghi-roozbeh.blogspot.com

به خصوص اینکه دانشجویان نیز به دلیل زندگی محقرانه دانشجویی می‌توانند با این گونه جریان‌ها ارتباط خوبی برقرار نمایند.

آخرین وضعیت

ع.ت در آخرین اظهار نظر نسبت به وضعیت چپ در دانشگاه‌ها می‌گوید:

«تحلیل این موضوع در حد و اندازه من نیست و مستلزم گذشت زمان و نوع برخوردهای خارجی با دانشگاه و تصمیمات مدیریت دانشگاه است.

در خارج از دانشگاه، احزاب کردستان با تکیه بر ناسیونالیسم کرد فعالیت می‌کنند و امکان کار خارج از کردستان را ندارند و نمی‌توانند در شرق و به خصوص مرکز و از همه مهم‌تر تهران فعالیت کنند. اما در حال حاضر اگر به هر طریقی کشمکش هسته‌ای و احتمال وقوع جنگ وجود داشته باشد چپ با تکیه بر محتوای ضدجنگ و استدلال‌هایی که برای مخالفتش برای جنگ می‌آورد می‌تواند در تیم‌های ضد جنگ بُرش داشته باشد اما مسأله‌ی مهم‌تر سرنوشت دولت نهم است. اگر دولت نهم بتواند از نظر وضعیت اقتصادی و معیشت، کار مهمی انجام دهد و تغییری در زندگی طبقه متوسط و پایین بوجود آورد و با طرح مسائل اجتماعی و جلوگیری از بروز شایعات و پرهیز از تندروی‌های مذهبی، یک لیدر برای خود مشخص کند، احتمال پیروزی را دارد. اگر فعالین چپ بر روی مطالبات و شعارها، کار و موشکافی کنند و برای آن توجیه علمی و تخصصی بیاورند احتمال اینکه بازارشان گرم شود وجود دارد. دلیلش را هم من به پای تأکید تاج‌زاده در نشریه شرق می‌گذارم که

مجدداً اعلام کرد دو قطب انتخابات، آزادی و استبداد بود و زیر بار مطالبات اقتصادی نرفت. مسأله بعدی مسأله نحوه برخورد چپ‌های آینده با مذهب است. اگر آنها با دین و مذهب در بیفتند، حتماً حذف می‌شوند ولی اگر بروند بر سر مطالب شریعتی، سروش و حتی مجتهد شبستری و مفاهیم اقتصادی خودشان، احتمال قوت‌گیری‌شان هست که این هم عاملش موفقیت یا عدم موفقیت دولت نهم است. اما در جریان دانشجویی کل فعالیت‌های چپ از طریق نشریات دانشجویی دانشگاه‌های تهران و ما تحکیمی‌ها صورت می‌گرفت. نشریه پیشاهنگ با فارغ‌التحصیل شدن مدیر مسئول آن تعطیل می‌شود چون کس دیگری نیست. آرمان نو و اشتراک هم کم اهمیت‌اند و تیراژشان کم است. دانشگاه و مردم و خاک اهمیت زیادی دارند و تیراژشان هم بالاست و در صورت فارغ‌التحصیلی مدیر مسئول به سال پایین‌ترها منتقل می‌شود و تا زمانی که از خارج جلوی آنها گرفته نشود فعالیت خواهند کرد.

در دانشگاه امیرکبیر علی‌رغم تلاش من کسی گرایش به چپ نداشت اما در دانشگاه علامه طباطبایی همه چیز به موقعیت "م.الف" بستگی دارد و اینکه بتواند انجمن علامه را حفظ بکند یا نه.

در دانشگاه شهید رجایی اشرف‌نژاد و تعداد خیلی کمی پیدا می‌شود. دانشجویان به علت تعهد به آموزش و پرورش و قوانین بسته استخدامی فعالیت نمی‌کنند. آینده چپ و حضور آن در تحکیم بستگی به دانشگاه علامه و رجایی دارد. اما به طور کلی با توجه به

افزایش ورودی‌های تهرانی و نیز افزایش ورودی‌های دختر و اینکه سطح زندگی اکثر کسانی که وارد دانشگاه می‌شوند بالاست و مشغولیاتشان چیزهای دیگری است و عدم رویکرد دختران به مسائل سیاسی و اجتماعی، به احتمال زیاد شاهد افت فعالیت‌های سیاسی به صورت کلی و سخت شدن کار تحکیم در دانشگاه باشیم و فکر می‌کنم دانشگاه و جامعه از نظر فکری روبروی هم قرار بگیرند چون رأیی که به احمدی‌نژاد داده شد اکثراً کارمندا و کارگرا و طبقه متوسط و حتی طبقه متوسط فرهنگی و دانشگاهی و طبقه پایین بودند و احتمال جهت‌گیری متضاد فکری دانشگاه و جامعه وجود دارد.»

❖ نگاه آخر

شاخص‌ها و ویژگی‌های جریان چپ دانشگاهی به اختصار بدین شرحند:

۱- ارائه نظریه برای نظم دادن به حرکت‌های گروه‌های موسوم به چپ جهت انسجام و در نتیجه استقبال گروه‌های دانشجویی از آن‌ها (این گروه‌ها لازمه استقبال دانشجویی از حرکات و شعارهای خود را ایجاد انسجام در درون خود می‌دانند).

۲- ارائه راه کارهایی جهت ارتباط با بدنه دانشجویی و بیرون آمدن از گمنامی و تکثیر فکری و جمعیتی در فضای دانشگاه

۳- محوریابی مشترک در عملکرد دیگر گروه‌های دانشجویی از جمله انجمن‌های اسلامی برای ایجاد وحدت نظر با اعضای دانشجویی آن‌ها

۴- عدم اعتقاد به هرگونه گزاره دینی در فعالیت‌های دانشجویی

۵- القای قدمت و سابقه گروه‌های چپ در عرصه سیاسی ایران

۶- توجه ویژه به اینکه موفقیت گروه‌های چپ در ارتباط با بدنه اجتماعی آن‌ها از جمله کارگران است.

(در این مورد باید گفت که همبستگی میان جریان دانشجویی و کارگری در ایران به صورت عمیق و اثرگذار تنها در دفاع از کیان و نظام جمهوری اسلامی و سرنگونی نظام پهلوی مشاهده شده است. در بُعد فکری و آرمانی این دو جریان دارای تفاوت‌های بارز و عمده می‌باشد که مهم‌ترین این تفاوت‌ها توجه کارگران، معلمان و ... به مسائل اقتصادی و نگاه آن‌ها به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی از دریچه اقتصاد معیشتی و برای خود بوده است ولی توجه و نگاه دانشجویان به این مقوله‌ها از دریچه ایده‌آل‌ها و مطلوب‌هاست. در عرصه جریان‌ات دانشجویی هدف، اصلاح وضعیت فرهنگی و اجتماعی برای عموم است لیکن در عرصه کارگری هدف از اصلاح وضعیت اقتصادی و معیشتی، رفاه خانواده‌های آنان است.

(شاید توجه بیش از حد سران این جریان به مقوله اتحاد میان دانشجویان و کارگران، رسیدن به نقطه‌ای تحت عنوان انقلاب‌های رنگین باشد که البته وقوع این انقلاب‌ها با توجه با ساختار مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران بسیار بعید به نظر می‌رسد و یا برای گسترش و ساماندهی افراد در مبارزه و مخالفت علیه نظام است که در این صورت نیز به دلیل اختلافات آرمانی و دیدگاهی چنین امری به سرعت قابل تحقق نیست.)

۷- عموم سران و پایه‌گذاران این گروه دانشجویی البته در دانشگاه امیرکبیر به نوعی با انجمن‌های اسلامی دفتر تحکیم وحدت مرتبط بوده‌اند و به خاطر اختلافات درونی و یا پیش‌بینی این موضوع که با روش‌های کنونی انجمن‌های

اسلامی قادر به پیشروی در میان قلوب دانشجویان نیستند به ابداع چنین فرقه‌ای دست زدند.

۸- همسو شدن با گروه‌های دانشجویی و قومیتی و تأکید بر هرگونه قوم‌گرایی و نژاد پرستی جهت ایجاد وحدت حول محور سوسیالیسم
۹- عدم سهم‌خواهی از حکومت و قدرت سیاسی در مقطع فعلی جهت جلب توده‌های دانشجو و تأکید بر مشکلات عمومی و دانشجویی

(این مقوله طبق نوشته‌ها و گفته‌های سران این جریان از ارکان موفقیت آن‌ها در دانشگاه به حساب می‌آید. لیکن تا به حال در این مورد موفق نشده‌اند چرا که عمده تحرک آنان برخلاف گفته‌های خود حول محورهای سیاسی و دفاع از دانشجویان متخلف بنا نهاده شده است و به همین خاطر نیز تا به حال هیچ‌گونه موفقیتی در جذب بدنه دانشجویی نداشته‌اند.)

۱۰- جبهه‌گیری در مقابل نظام سرمایه‌داری و مسأله خصوصی‌سازی

(گروه‌های مورد اشاره به خوبی می‌دانند که نمی‌توان سوسیالیست بود و از مالکیت خصوصی و نظام سرمایه‌داری حمایت کرد، چرا که اساس سوسیالیسم بر مالکیت اشتراکی تأکید می‌کند. اما نظام علمی و دانشگاهی ما به خوبی می‌داند سرمایه‌داری برای حمایت از تولید داخلی و خصوصی‌سازی برای مشارکت هرچه بیشتر مردم از ضروریات امروز اقتصاد ماست.)

۱۱- تلاش برای به رسمیت شناخته شدن از سوی گروه‌های سیاسی موجود از

طریق درج مقاله در سایت‌ها، وبلاگ‌ها و روزنامه‌ها

۳- راهبردها و راه کارهای پیشنهادی برای مقابله با این جریان
به نظر می‌رسد برای دستیابی به آنچه در این بخش مطرح نظر است لازم
است به اجمال نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای جریان چپ
دانشگاهی مرور شود:

❖ نقاط ضعف:

۱. وجود روابط بسته و محدود در گروه‌های چپ و تعریف آن در فضای مجازی
۲. عدم ارتباط مؤثر با دانشجویان
۳. به کارگیری مکاتب منسوخ نظیر سوسیالیسم و کمونیسم
۴. عدم اعتقاد به هرگونه آموزه دینی در دانشگاه
۵. استفاده از علائم فراموش شده و شعارهای شکست خورده

❖ نقاط قوت:

۱. استفاده از رابطه با دیگر تشکل‌ها و سعی در محور یابی مشترک با آنها
۲. تأکید بر نفی قوم‌گرایی و تبلیغ وحدت حول محور سوسیالیسم
۳. عدم آشنایی عموم دانشجویان با سوابق نظام‌های سوسیالیستی و وجود کنجکاوی در آنان برای دانستن
۴. حمایت ظاهری از گروه‌های متخلف دانشجویی و کارگری تحت عنوان دفاع از حقوق دانشجو و کارگر

❖ تهدیدات:

۱. سوءاستفاده از تنگناهای اقتصادی و صنفی دانشجویان، کارگران، معلمان و اقشار آسیب‌پذیر
۲. اعلام آمادگی برای حضور در تمامی تجمعات دانشجویی
۳. تلاش برای ساخت یک تشکل فراگیر در تمامی دانشگاه‌ها
۴. وارد نمودن دانشجویان قومی به خصوص در غرب ایران به بحث‌های سوسیالیستی
۵. تلاش عمده برای بسط تفکر سوسیالیستی به دانشگاه‌های دیگر
۶. مصادره یکی از روزهای مهم سال به نام خود
۷. گرایش پیدا نمودن گروه‌های عدالتخواه دانشجویی به مقوله‌های مارکسیستی و سوسیالیستی
۸. گسترش تفکر چپ به دانشگاه‌های آزاد

❖ فرصت‌ها:

۱. توجه به مقوله‌های برابری و عدالت‌طلبی در دانشگاه‌ها
۲. قصد استفاده از الگوها و پیام‌های قابل فهم برای عموم دانشجویان
۳. جبهه‌گیری در مقابل نظام سرمایه‌داری
۴. عدم توجه و جذب بدنه دانشجویی به مکاتب و ایسم‌های غربی و وارداتی

❖ راهبردها:

- ۱- اجرای برنامه‌ها و به کارگیری روش‌های متداول و نو جهت تداوم رو به رشد حرکت‌های عدالت‌طلبانه و پی‌گیری مجدانه مسائل مرتبط با فساد اقتصادی در دانشگاه‌ها و اکتفا نکردن به وضعیت کنونی

۲- اختصاص قسمتی از نشریات و وبلاگ‌های دانشجویان متعهد و ارزشی جهت بازتعریف مفاهیم مکاتب موجود و گذشته و بیان کارکردها و سوابق هر یک

۳- ورود تخصصی به مقوله‌های اقتصادی و ارائه پیشنهاد به نهادهای حاکمیتی جهت حل مشکلات اقشار آسیب‌پذیر

۴- تبلیغات گسترده و به هنگام برای یادآوری فلسفه نام‌گذاری روز دانشجوی

۵- مشخص نمودن شاخص‌های یک شکل عدالتخواه و وظایف آن از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی

۶- تشخیص محورهای عدالتخواهی در درون تشکلهای دیگر دانشجویی و برجسته نمودن و حمایت از آنها

۷- برقراری ارتباط صمیمانه از طریق برنامه‌های مشترک با کانون‌ها و هسته‌های قومیتی در دانشگاه‌ها جهت هدایت آنها به سمت انسجام ملی

۸- تقویت و تسریع در اجرای برنامه‌های دینی با ساختار بدیع و نه الزاماً

۹- تبیین عدالت علوی به عنوان امن‌ترین و مهم‌ترین شاخص عدالتخواهی

۱۰- کنترل برنامه‌ها و عملکردهای گروه‌ها و کانون‌های موسوم به عدالتخواه

جهت مراقبت و جلوگیری از تمسک آنان به مرام‌های سوسیالیستی

۱۱- مراعات قانون و آرامش کامل در برخورد با این گروه‌های اپوزیسیون

داخل دانشگاه از جمله چپ‌ها.

۱۲- انتشار نشریه‌ای سراسری برای توزیع در بین آحاد دانشجویان به منظور

ایجاد تریبونی برای ارائه نظرات و پاسخ‌های طرفداران و یا مخالفان که بدین

ترتیب فضای مباحثه و مناظره فراهم آمده و در این فضا سره از ناسره مشخص

خواهد شد.

۱۳- موضوع ضرورت تغییر نظام سیاسی که با فراوانی بالایی مورد توجه نشریات و وبلاگ‌های دانشجویی چپ قرار دارد، نشان از پابندی نویسندگان آنها به اصول اندیشه‌های بزرگان مارکسیسم دارد. این موضوع باید تحت رصد همیشگی باشد.

۱۴- نشریات و وبلاگ‌های مارکسیستی به پشتوانه نویسندگان خود، بالاترین توان خود را در جهت تبیین و طرح نمودن اندیشه‌های مارکسیستی بکار بسته‌اند و این خود هشداری است در این زمینه که شیوه برخورد و مواجهه با این جریان، باید بیشتر تئوریک و فرهنگی و فکری باشد.

۱۵- مبارزه و سیاه‌نمایی علیه نظام حاکم، مأموریت مهم دیگر این رسانه‌های مارکسیستی است. شکایت از اختناق، حمایت از اعتراضات دانشجویی به هر شکل، حمایت از جنبش کارگری، تبلیغ علیه ارکان و اجزای نظام مردم‌سالاری دینی به همراه دیگر موضوعات از مؤلفه‌های این مورد می‌باشند. از ظرفی شاید بتوان با کمی اغماض این مأموریت را به عنوان یک مأموریت مشترک در بین نشریات دانشجویی معترض به وضع موجود - فارغ از سمت و سوی سیاسی - قلمداد کرد.

۱۶- می‌توان گفت مقوله آموزه‌های دینی تا زمان تحریر این تحلیل از تابوهای این جریان بوده است. واکنش مراجع رسمی و دیگر تشکل‌های دانشجویی به انتشار مطالب موهن در سال‌های گذشته، از دلایل این امر می‌باشد. این خود یکی از نقاط مهم در تصمیم‌گیری برای این جریان دانشجویی است.

۱۷- مطلب قابل توجه دیگر در عملکرد رسانه‌های مارکسیستی، استفاده ابزاری از جنبش فمینیستی موجود در دانشگاه است. تأمل در باب نتایج به دست

آمده از این تحلیل مؤید این نکته است. آنجا که حقوق شخصی و انسانی زن مورد بحث است، یعنی حقوق قضایی زن از قبیل ارث، دیه، حق حضانت، بیمه، شهادت و ... تمامی این موارد تنها حدود ۱ درصد از مطالب رسانه‌های ایشان را شامل می‌گردد. لیکن در حوزه تبلیغ آزادی و برابری زنان و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی آنان حدود ۵ درصد مطالب رسانه‌ها به پوشش این موضوعات می‌پردازد! در نهایت نشریات مارکسیستی به جنبش فمینیسم توجه چندانی از خود بروز نداده‌اند. اطلاع‌رسانی و روشنگری در این خصوص اهمیت دارد.

۱۸- طول عمر انتشار نشریات مارکسیستی، نشان از پیروی از مشی اعتدال و میانه‌روی در عملکرد آنان دارد و همانگونه که بیان گردید این خود حاکی از انجام کار تئوریک توسط اینان می‌باشد. به نظر می‌رسد وظیفه انتشار این نشریات به عهده چپ رفرمیستی است. در حوزه نشر مکتوب جریان مذافع نظام با چپ رفرمیست مواجه است که راه کارهای خود را می‌طلبد.

۱۹- پایین بودن میزان همکاری جریان معلمان و جنبش کارگران حاکی از وجود دو احتمال است:

احتمال اول: جریان‌های مذکور تمایلی به همکاری با چپ دانشجویی ندارند.
احتمال دوم: چپ دانشجویی تمایلی به همکاری با آنان ندارد.
لیکن با توجه به تحلیل حاضر، با وجود تلاش از سوی چپ دانشجویی، جریان معلمان تمایلی به نهادن دست خود در دست چپ دانشجویی ندارد. این خود از نقاط مثبت این موضوع است.

۲۰- یکی از مسائلی که نقش بسزایی در تداوم انقلاب اسلامی دارد، احترام به آزادی‌هاست. یعنی همه مردم در محدوده شرع و قانون آزاد بوده و فعالیت

داشته باشند و از هیچ چیزی جز شرع و قانون هراسی نداشته باشند. البته همه باید اصولی که در شرع و قانون مشخص شده بپذیرند و به آن احترام بگذارند. شهید بزرگوار علامه مطهری (علیه‌الرحمه) درباره اهمیت این اصل می‌گوید:

«وظیفه حتمی همگی ما این است که به آزادی‌ها به معنی واقعی کلمه احترام بگذاریم. زیرا اگر بنا شود حکومت جمهوری اسلامی زمینه اختناق را به وجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد؛ چه این که اسلام، دین آزادی است؛ دینی که مروج آزادی برای همه افراد جامعه است. در سوره دهر می‌خوانیم: «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً». البته آزادی به معنای معقول. هر کس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد.»

ایشان در ادامه راه رشد اسلام را برخورد آراء و عقاید می‌داند آن جا که می‌فرماید:

«اگر در جامعه ما محیط آزاد، برخورد آراء و عقاید به وجود بیاید به طوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرفهایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظرات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی است که اسلام هرچه بیشتر رشد می‌کند.»

آن‌گاه به خاطره‌ای اشاره می‌کنند که آموزنده می‌باشد. می‌گویند:

«چند سال پیش در دانشکده الهیات یکی از اساتید ماتریالیست بود. به طور مرتب سر کلاس‌ها تبلیغات ماتریالیستی و ضداسلامی می‌کرد. دانشجویان به این عمل اعتراض کردند و کم‌کم نوعی تشنج در دانشکده ایجاد شد. من نامه‌ای به طور رسمی به دانشکده نوشتم و

توضیح دادم که به عقیده من لازم است در همین جا که دانشکده الهیات است، یک کرسی ماتریالیسم دیالکتیک تأسیس شود و استادی هم که وارد در این مسائل باشد و به ماتریالیسم دیالکتیک معتقد باشد، تدریس این درس را عهده‌دار شود. این طریق صحیح برخورد با مسأله است و من با آن موافقم. اما این که فردی پنهانی و به صورت اغوا و اغفال بخواهد دانشجویان ساده و کم‌مطالعه را تحت تأثیر قرار دهد و برایشان تبلیغ کند، این قابل قبول نیست. بعد من به همان شخص هم چند بار پیشنهاد کردم که شما به عوض آن که حرفهایت را با چند دانشجوی بی‌اطلاع در میان بگذاری، آنها را با من در میان بگذار و اگر هم مایل باشی می‌توانیم این کار را در حضور دانشجویان انجام دهیم و به اصطلاح نوعی مناظره داشته باشیم. حتی به او گفتم با این که من حاضر نیستم به هیچ قیمتی در رادیو صحبت کنم و یا در تلویزیون ظاهر شوم (این مربوط به حکومت طاغوت است) ولی برای این کار حاضرم در رادیو و یا تلویزیون با شما مناظره کنم ... و به اعتقاد من تنها طریق درست برخورد با افکار مخالف همین است؛ و الا اگر جلوی فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را شکست داده‌ایم».

از این مطالب عالی که استاد شهید بیان نمودند و به آن سخت پای‌بند بودند دو نکته می‌شود استفاده کرد:

اول: این که وقتی ایشان در مورد یک استاد مبلغ ماتریالیست، اعتقاد دارد باید حرفهایش را بزند، استفاده می‌کنیم که امروز کسانی که افکاری غیر از فکر ما دارند نیز، باید فرصتی پیداکنند تا آراء و عقایدشان را در محیطی آرام بیان

نمایند و نباید آنان را از نوشتن و سخن گفتن منع کنیم. چه این که آن گونه که استاد اعلام آمادگی می کند با استاد ماتریالیست مناظره کند و برایش مهم نیست در جمع دانشجویان باشد یا در رادیو و تلویزیون، امروز هم باید کسانی اعلام آمادگی نمایند در شرایطی آماده برای طرفین، با دگراندیشان مناظره کنند. نه این که آنها را از اظهار نظر منع کنیم.

دوم: این که طبق نظر شهید مطهری آنها هم نباید صحبت هایشان را در هر جا و برای هر کس بگویند؛ بلکه باید در جایی شبهه‌ها را بیان نمایند که دیگران هم فرصت پاسخگویی به آنها را داشته باشند.

۲۱- استاد مطهری درباره نفوذ اندیشه‌های بیگانه از طریق دوستان و پیروان

می گوید:

«گاهی پیروان خود مکتب به علت ناآشنایی درست با مکتب، مجذوب یک سلسله نظرات و اندیشه‌های بیگانه می گردند و آگاهانه یا ناآگاهانه رنگ مکتب می دهند و عرضه می نمایند. به عنوان مثال کسانی در صدر اسلام، جذب فلسفه یونانی و آداب و رسوم ایرانی و... شده بودند و آنها را وارد اندیشه‌های اسلامی کردند.»

آنگاه در مورد انقلاب خودمان می گوید:

«وابستگان به مکتب‌های دیگر بالخصوص مکتب‌های ماتریالیستی اندیشه‌های بیگانه را با مارک اسلامی عرضه می دارند و افرادی مسلمان، اما ناآشنا به معارف اسلامی و شیفته مکتب‌های بیگانه به نام اسلام، اخلاق، فلسفه تاریخ و فلسفه دین و ... می نویسند.»

امروز هم بعد از این که حدود ۳۰ سال از انقلاب ما می گذرد، همین خطر

یعنی نفوذ اندیشه‌های بیگانه به شکلی دیگر انقلاب ما را تهدید می کند.

امروز اگر چه از طرفداران مکتب‌های ماتریالیستی به ظاهر خبری نیست، اما عده‌ای دیگر با چهره‌هایی نو مشغول هستند تا اندیشه‌های غربی را به گونه‌ای در بین جوانان کشور رواج دهند و این خطر بزرگی برای انقلاب است که اگر جلوگیری نشود، ارزش‌های اسلامی را به صورت جدی تهدید می‌کند.

۲۲- اما چه باید کرد؟ به عبارت دیگر راه جلوگیری از آن چیست؟ برخی بر این باورند که باید از راه منع و تحریم وارد بشویم. کتاب‌ها و مطبوعات را کنترل کنیم و از ورود کسانی که دگراندیش هستند، به مراکز فرهنگی خصوصاً دانشگاه و در عرصه مطبوعات جلوگیری کنیم و به مردم خصوصاً جوانان اعلام کنیم که حق ندارند هر مطلبی را بخوانند و از هر کس سخن بشنوند. در حالی که با پیشرفت علم و تکنولوژی، این راه اولاً امکان ندارد و ثانیاً مگر می‌شود کسانی که تشنه فراگیری معارف اسلامی هستند از نوشیدن آن به عذر این که دیگران آن را آلوده کرده‌اند منع کرد.

شهید مطهری نیز راه مبارزه با این خطر و آفت را تحریم و منع نمی‌داند ایشان می‌گوید:

«ما مسؤول هستیم. ما به قدر کافی در زمینه‌های مختلف اسلامی، کتاب به زبان روز عرضه نکرده‌ایم. اگر ما به قدر کافی، آب زلال و گوارا عرضه کرده بودیم، به سراغ آب‌های آلوده نمی‌رفتند. راه مبارزه، عرضه داشتن صحیح این مکتب در همه زمینه‌ها با زبان روز است.»^۱

۱. پاسدار اسلام - اردیبهشت ۱۳۷۸، شماره ۲۰۹

۲۳- رهبر فرزانه انقلاب (زید عزه) می‌فرماید:

«افکار فلاسفه و نویسندگان و متفکران مادی غرب، امروز در سطح دانشگاه‌های ما، به صورت کتاب و ترجمه وجود دارد. نمی‌شود سدی درست کرد که اینها وارد نشوند؛ این امکان ندارد و مصلحت نیست. افکار باید بیایند و مضمور داشته باشند. در مقابل آن افکار، باید پادزهر ایجاد کرد!»

ما باید مطالبی را آماده کنیم که رد انحرافات و تملیقات و اشتباهاتی باشد که به شکل فوراکی فکری، در کتاب‌ها و جزوه‌های مختلف، میان جوانان ما تقسیم می‌شود. حتی گاهی نادانسته، در جزوه‌ها و کتاب‌های درسی دانشگاه و نیز در گفتگوهایی که در رسانه‌های جمعی ما منتشر می‌شود، این مطالب می‌آید ما بایستی پاسخ اینها را آماده بکنیم.»^۱

۲۴- تعداد بالای ورودی دختران در سال‌های اخیر به دانشگاه‌ها و عدم توجه آنان به مسائل سیاسی خود فرصتی مغتنم برای هدایت چپ دانشجویی است.

۲۵- بنا به اظهارات ع.ت. در بازداشت سال ۸۵ گروه و نشریه خاک و دانشگاه و مردم اهمیت راهبردی در هدایت چپ دارند. لذاست که بررسی و رصد عملکرد ایشان می‌تواند قطب‌نمای عملکرد چپ در دانشگاه تهران باشد.

۲۶- قدرت گرفتن طیفی به نام چپ در تحکیم خود می‌تواند سرآغازی باشد بر جایگاه قانونی چپ در دانشگاه. این امر باید از تابوهای تحکیم باقی بماند.

۱. سخنرانی در آغاز هفتمین گردهمایی انجمنی سراسر کشور ۱۳۷۰/۰۶/۲۵

۲۷- از نقاط ضعف چپ‌ها در حال حاضر فضای لائیک آن‌هاست، به نظر می‌رسد برای خروج از این بن‌بست به روشنفکران دینی روی آورند. افرادی مانند سروش، شریعتی، مجتهد شبستری و ... و این اقبال می‌تواند به معنی ازدیاد نقاط اشتراک با جریان دانشجویی خودی باشد و جای بسی امیدواری خواهد بود.

۲۸- بنا به اظهار نظر برخی آگاهان بخشی از وظیفه رشد دادن نهال نارس چپ در ایران به عهده اساتید دانشگاه است. این اساتید عمدتاً اساتیدی هستند که فلسفه غرب تدریس می‌کنند. مباحث حوزه لیبرالیسم برای آنها جذابیتی ندارد، لیکن بیان اندیشه‌های چپ - نظر به همسانی برخی باورها و عملکردهای اقتصادی دولت - با حرارتی قابل توجه به دفاع از نظریات چپ می‌پردازند. این موضوع در دانشگاه علامه طباطبایی و در دانشکده ادبیات آن دقیقاً رؤیت می‌شود. غفلت از جریان هدایت اساتید خود می‌تواند تهدیدی بالقوه را به بالفعل بدل سازد.

۲۹- به گفته ع.ت دانشگاه‌های تأثیرگذار و نقش آفرین در هدایت جریان چپ در تهران؛ دانشگاه تهران به هدایت «ب.ک.ز» و «ک.ع»، دانشگاه امیرکبیر «ع.ت» و دانشگاه علامه «م.الف» هستند.

۳۰- ورود آرام آرام دانشگاه آزاد به جریان چپ و حضور فعال در آن و پشتیبانی از متخلفان باید هشیاری مسئولین را برانگیزد. چه اینکه طی سالیان سال دانشگاه آزاد، از انجام هرگونه فعالیت سیاسی بازداشته شده است و اکنون می‌تواند این بغض فرو خورده را بروز دهد.

۳۱- هدایت سخنرانان به نام از قبیل استاد رحیم پور ازغدی به مسأله چپ دانشجویی در ایران جهت بازشکافی آن و ارائه راه کار به موافقان و مخالفان این جریان

۳۲- راه انداختن نهضت سخنرانی در دانشگاه‌ها با بکارگیری اساتید خیره برای بازتولید مفاهیم دینی، که این خود می‌تواند از نافذترین ابزار برای مواجهه با هرگونه التقاط در دین باشد.

نمایه‌ها:

اقدامات و فعالیت‌ها	<p>آکسیون (تجمع اعتراضی) پتیشن (طومار نویسی) کمپین (کمپین تبلیغاتی - اعتراضی) حضور در تمامی تجمعات با نشان سرخ توجه خاص به ۱۶ آذر ماه جلب توجه قومیت‌ها عبور از دفتر تحکیم وحدت شعار نویسی وبلاگ نویسی مصاحبه با رسانه‌های بیگانه حمایت از اعتصابات صنفی جذب افراد مرتبط با خبرگزاری‌ها تحریک انتخابات‌ها برگزاری تجمعات غیرقانونی ایجاد ارتباط با اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری تشکیل صندوق مالی حمایتی از خانواده‌های بازداشت‌شدگان متخلف</p>
افکار و اعتقادات	<p>اعتقاد به مانیفست کمونیسم و سوسیالیسم آمیختن و التقاط دموکراسی غربی و سوسیالیسم شوروی نفی ظاهری تبعیضات اجتماعی و تبعیضات جنسیتی مبارزه مسلحانه بعد از تثبیت و کادر سازی علیه نظام عدم توجه به اصول اخلاق تشکیلاتی استفاده از سوزدهای قابل فهم برای عامه دانشجویان جهت جذب بیشتر اعضا حمایت ظاهری از گروه‌های اجتماعی و فقیر و نیازمند جهت جذب دانشجوی عدم اعتقاد به ساحت دین در هیچ یک از زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی</p>

دانشگاه تهران

- دانشگاه و مردم

- گروه خاک و کانون اشتراک

- طیف شریف - تهران

برخی نشریات چپ انتشار یافته در دانشگاهها تهران

تابوت - توقیف شد - پیشرو - گون - به پیش - اشتراک

طیف دانشگاه صنعتی شریف

نشریه تک برگ پشاهنگ

طیف علامه

نشریه پویان و آشوب - صدای فردا - آغازی نو

طیف امیرکبیر

نشریه گون